



فصلنامه علمی - تخصصی معماری سبز
سال دوم، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۵

بررسی پروژه طراحی فضای شهری حاشیه رودخانه بابلرود و موانع تحقق
پذیری آن

علی ثباتی، رثوفه طوسی

معرفی رویکرد آموزشی برنامه ریزی طراحی محور در آموزش شهرسازی
(برنامه ریزی شهری)

نینا الوندی پور، مصطفی عباس زادگان، معصومه سربندی فراهانی

ضرورت انجام مطالعات اِتا برای پروژه‌ها و طرح‌های شهری

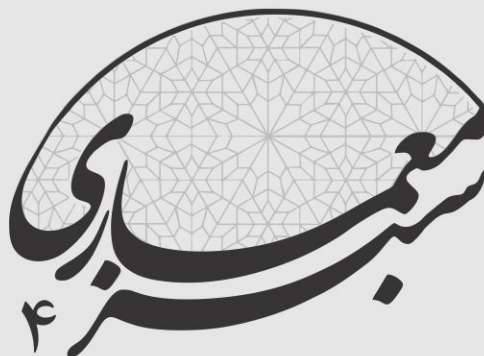
محمدرضا چیت ساز، ناهید زرگرسرای

بررسی و مطالعه تطبیقی مدل‌های مختلف سنجش کیفیت زندگی به منظور
دستیابی به اصول طراحی پایدار در بافت‌های مسکونی

سیماعابدی، مهرداد کریمی مشاور

روح شهر باز تعریفی از شهر، فضا، فضای شهری و تعیین شاخص‌های
روح بخش

علیرضا رضوانی



فصلنامه علمی - تخصصی معماری سبز
سال دوم، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۵

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

امیرحسین یوسفی

سر دبیر: میلاد فتاحی

مدیر داخلی: منیژه ملائی

۰۲۱ ۳۳۲۰ ۲۴۸۷ ۰۲۱ ۴۳۸۵۷۱ ۲۴
۰۲۶ ۳۲۷۲ ۴۷۸۷ ۰۲۶ ۳۲۷۴ ۷۱۵۸
تهران: افسریه، ۱۵ متری چهارم، کوچه ۳۸، پلاک ۲۸، واحد ۲
کرج: چهارراه هفت تیر، خیابان لاله ۱، پلاک ۱۴، طبقه همکف



فهرست مقالات

صفحه	عنوان مقاله
۱	بررسی پروژه طراحی فضای شهری حاشیه رودخانه بابلرود و موانع تحقق پذیری آن علی ثباتی، رئوفه طوسی
۹	معرفی رویکرد آموزشی برنامه ریزی طراحی محور در آموزش شهرسازی (برنامه-ریزی شهری) نینا الوندی پور ، مصطفی عباس زادگان ، معصومه سربندی فراهانی
۱۹	ضرورت انجام مطالعات اِتا برای پروژه‌ها و طرح‌های شهری محمد رضا چیت ساز، ناهید زرگرسرای
۴۱	بررسی و مطالعه تطبیقی مدل های مختلف سنجش کیفیت زندگی به منظور دستیابی به اصول طراحی پایدار در بافت های مسکونی سیماعابدی، مهرداد کریمی مشاور
۵۵	روح شهر باز تعریفی از شهر، فضا، فضای شهری و تعیین شاخص های روحبخش علیرضا رضوانی

بررسی پروژه طراحی فضای شهری حاشیه رودخانه بابلرود و موانع تحقق پذیری آن

علی ثباتی^۱، رئوفه طوسی^۲

^۱ کارشناس ارشد حمل و نقل ترافیک، مدیر شهرسازی و معماری اداره کل راه و شهرسازی مازندران

^۲ کارشناس ارشد معماری، کارشناس شهرسازی و معماری اداره کل راه و شهرسازی مازندران

R_toosi21@yahoo.com

چکیده

در پژوهش حاضر ابتدا به معرفی پروژه طراحی فضای شهری بابلرود و بررسی آن در اسناد فرادست موجود، بیان اهداف کلان و اهداف عملیاتی پروژه پرداخته، سپس با عنایت به اینکه یکی از مهمترین اهداف کلان هر پروژه از جمله پروژه مذکور «تحقق پذیری» می باشد، پس از ارائه مقدماتی مختصر در خصوص عوامل تاثیرگذار در تحقق پذیری پروژه های شهری، به بررسی موانع تحقق پذیری این پروژه پرداخته می شود. تحقیق حاضر بر این فرض استوار است که ضعف مدیریت شهری، عدم مشارکت پذیری مردم و همچنین موانع و مشکلات حقوقی موجود، از مهمترین موانع تحقق پذیری این پروژه می باشد. روش گردآوری اطلاعات جهت بررسی فرضیه این پژوهش، روش میدانی (با استفاده از مصاحبه و تهیه پرسشنامه های متعدد) و همچنین روش کتابخانه ای (با استفاده از منابع مکتوب و الکترونیک) می باشد.

واژه های کلیدی: طراحی فضای شهری، بابلرود، مدیریت شهری

۱- مقدمه

ایرانیان از قرن ها پیش به ارزش رابطه انسان و طبیعت درون شهرها پی برده اند و همواره در شهرسازی و معماری سنتی و بومی از پتانسیل ها و منابع طبیعی موجود در جهت تامین شرایط آسایش فیزیکی و روانی افراد، حداکثر بهره را جسته اند. رودخانه، به عنوان یکی از عناصر طبیعی در منظر شهری، را می توان منبعی بالقوه دانست که با برنامه ریزی صحیح و رعایت اصول و ضوابط طراحی شهری در طراحی کریدور و فضاهای حاشیه آن، به سیمای شاخص شهری، ارتقای وضعیت زیست محیطی، رشد و توسعه اقتصاد شهری و افزایش سرزندگی در شهر دست یافت.

در عین حال باید توجه داشت که دستیابی به اهداف فوق الذکر در گرو تحقق پذیری پروژه های طراحی شهری می باشد، چرا که وجود موانع و مشکلات مختلف، تحقق پذیری و اجرایی شدن پروژه ها را دشوار و گاه غیر ممکن می سازد. پروژه «طراحی فضای شهری حاشیه رودخانه بابلرود»، با عنایت به قرارگیری این رودخانه به عنوان پتانسیلی طبیعی در داخل بافت شهری بابل که در طرح تفصیلی شهر بابل^۱ نیز به نقش گردشگری و تفریحی اراضی حاشیه آن تاکید شده است، از نمونه پروژه های طراحی شهری تهیه شده توسط اداره کل راه و شهرسازی مازندران می باشد که با توجه به موانع و مشکلات موجود هنوز به مرحله اجرا در نیامده است.

پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به سوالات زیر می باشد:

عوامل موثر در تحقق پذیری پروژه های طراحی شهری چیست؟

^۱ تهیه شده در سال ۱۳۸۲ توسط مهندسین مشاور زیستا

هدف یا اهداف مورد نظر در پروژه طراحی فضای شهری حاشیه رودخانه بابلرود چیست؟
موانع موجود در تحقق پذیری پروژه طراحی فضای شهری حاشیه رودخانه بابلرود چیست؟



شکل ۱- رودخانه بابلرود، واقع در جبهه غربی شهر بابل

۲- شناخت و بررسی پروژه طراحی فضای شهری حاشیه رودخانه بابلرود

۲-۱- معرفی پروژه طراحی فضای شهری حاشیه رودخانه بابلرود

رودخانه بابلرود بزرگترین رود در بابل می باشد که با طول ۸۰ کیلومتر در شهرستان های بابل و بابلرود جاری است. این رود در مسیر جنوب به شمال پس از گذشتن از شهرستان قائمشهر به شهر بابل رسیده و عبور آن از این شهر تاثیر چشمگیری بر اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شهر داشته تا جایی که تغییر نام شهر از بارفروش به بابل نیز، بر مبنای عبور همین رود از آن بوده است. (مهندسین مشاور نقش پیراوش، ۱۳۹۱: ۴۹) محدوده مورد مطالعه در پروژه طراحی فضای شهری حاشیه رودخانه بابلرود که این مقاله به بررسی آن می پردازد در امتداد جنوبی این رودخانه واقع شده است که از نظر نظام تقسیمات شهری در ناحیه دو و در محدوده ای بین محلات یک و پنج قرار می گیرد و از جبهه شمالی با پل موزیرج، از جبهه جنوبی با پل محمد حسن خان، از جبهه شرقی با بافت مسکونی مختلط و از جبهه غربی با شهرک مسکونی آزادگان و باغات موجود محدود می شود.

در بررسی طرح تفصیلی شهر بابل به عنوان مهمترین و متاخرترین طرح و مبنای توسعه بخش های مختلف شهر، از مهمترین پیشنهادات ارائه شده در رابطه با شبکه معابر پیشنهادی، در نظر گرفته شدن بخشی از محدوده شمالی رودخانه بابلرود به عنوان مسیر ویژه جهانگردی- پذیرایی و تفریحی می باشد. بنابراین قرار گیری محدوده مورد مطالعه در امتداد جنوبی رودخانه، فرصت های توسعه این طرح را در راستای ایجاد یک شبکه یکپارچه توریستی و تفرجگاهی در سطح شهرستان بابل و در امتداد رودخانه بابلرود ایجاد می نماید. از دیگر پیشنهادات طرح تفصیلی درخصوص کاربری اراضی پیشنهادی محدوده مورد مطالعه طرح، در نظر گرفتن لایه اول در مجاورت رودخانه بابلرود با ماهیت فضای سبز و پارک به عنوان فرصت هایی جهت توسعه فضاهای سبز و باز و گسترش عرصه های فراغتی می باشد. همچنین همجواری محدوده مورد مطالعه با بافت مسکونی (محله آزادگان) در غرب و با بافت مختلط مسکونی در شرق و قرارگیری کاربری ورزشی تفریحی در شمال شرق محدوده را می توان از پتانسیل هایی دانست که در طراحی محدوده تاثیر گذار می باشد.

۲-۲- بررسی و سنجش وضعیت موجود محدوده مورد مطالعه

در مطالعات صورت گرفته توسط مهندسین مشاور نقش پیراوش در سال ۱۳۹۱ به منظور بررسی و سنجش وضعیت محدوده مورد مطالعه، تحلیل یکپارچه ای از وضعیت نظام فرم کالبدی، نظام استخوانبندی فضاهای همگانی، نظام حرکت و دسترسی، نظام کاربری زمین، نظام منظر شهری و نظام اقتصادی و اجتماعی در محدوده مورد مطالعه به روش SWOT ارائه شده و نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت ها و تهدید های موجود در هریک از این موارد به تفصیل بررسی شده است که در این مجال از ذکر آن خودداری می شود. در عین حال، به منظور ارائه تصویر دقیق

تری از محدوده مورد مطالعه و در پاسخ به این پرسش که «اکنون کجا هستیم؟» برخی نکات قابل ذکر است. از نقاط قوت و پتانسیل های محدوده می توان به وجود عناصر اکولوژیکی بکر و دست نخورده، وجود پوشش گیاهی خطی در لبه رودخانه، وجود دیدهای گسترده به حواشی رودخانه از عرصه های عمومی توپوگرافیک، وجود عرصه های باز در حاشیه رودخانه، وجود مناظر طبیعی گسترده و از نقاط ضعف آن می توان به اغتشاش بصری در حاشیه رودخانه، آلودگی های محیطی در حاشیه رودخانه، منظر نامطلوب پل موزیرج (واقع در بخش شمالی محدوده مورد مطالعه) به دلیل آلودگی های بصری حاشیه رودخانه، عدم طراحی مناسب جهت استفاده از فضای حاشیه رودخانه برای گردشگران و ساکنان بافت پیرامون، عدم پیوند مناسب بین بافت پیرامون رودخانه با رودخانه بابلرود و حاشیه آن اشاره نمود.

۲-۳- بررسی اهداف پروژه طراحی فضای شهری حاشیه رودخانه بابلرود

۲-۳-۱- چشم انداز پروژه طراحی فضای شهری حاشیه رودخانه بابلرود

به منظور ارائه تصویر مطلوب از آینده فضای شهری حاشیه رودخانه بابلرود و بر اساس دیدگاه های اسناد فرادست و نتایج حاصل از سنجش وضعیت محدوده مورد مطالعه، بیانیه چشم انداز به شرح ذیل توسط مهندسين مشاور تدوین شده است:

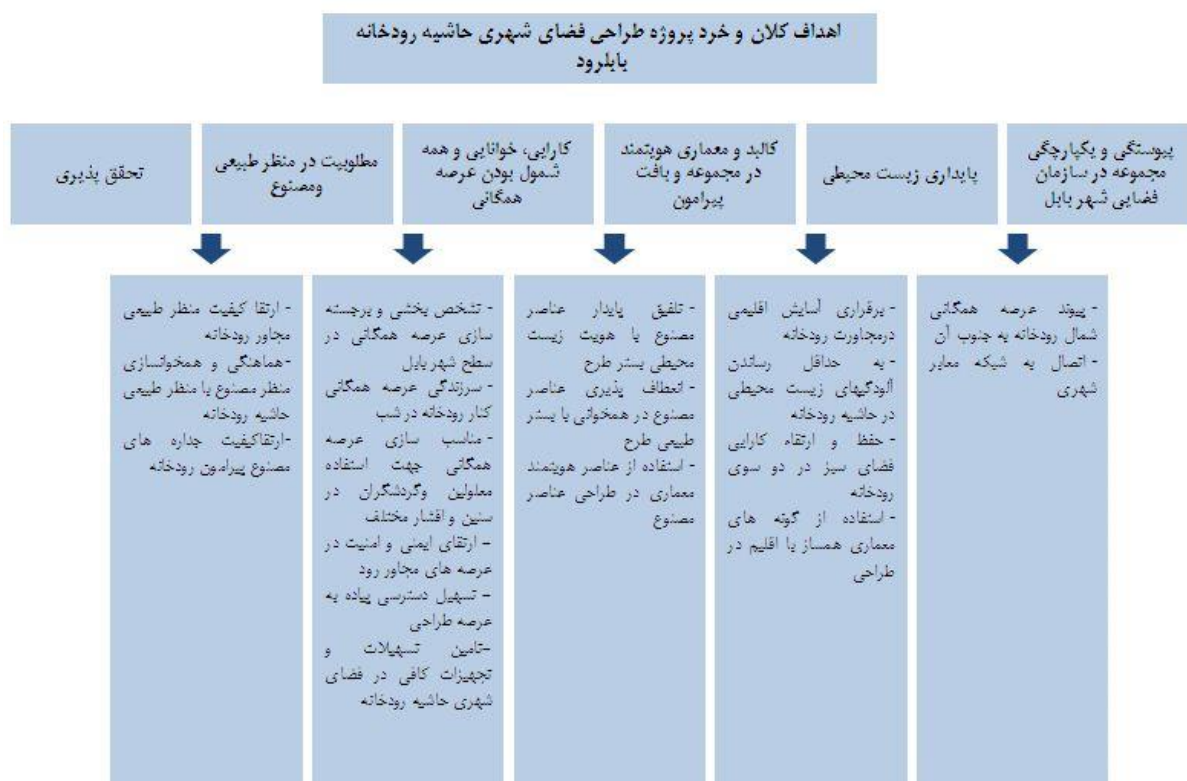
«پارک ساحل بابلرود مجموعه ای است متشکل از عرصه های همگانی، سرزنده و فعال پیرامون بستر طبیعی و سبز رودخانه بابلرود که از عناصر شاخص و تاثیرگذار بر استخوانبندی شهر بابل می باشد و به عنوان قطب گردشگری بابل با طیف متنوعی از فعالیت هایی که در آن جاری است اقشار مختلف از شهروندان و گردشگران را به سوی خود جلب نموده و رونق اقتصادی را برای این شهر به همراه دارد. این مجموعه به واسطه وجود مسیرهای پیاده، طیف متنوع فضاهای مکث و تجمع و کاربری ها و فعالیت های مرتبط با تفریح و گردشگری جهت بر آوردن نیازهای استفاده کنندگان از فضا در ساعات مختلف شبانه روز در حاشیه رودخانه و قابلیت استفاده همگان از جمله سالمندان و افراد کم توان جسمی و حرکتی، هویت برجسته ای در مقایسه با سایر بخش های رودخانه دارد.» (مهندسين مشاور نقش پیراوش، ۱۳۹۲: ۶)

۲-۳-۲- اهداف کلان و خرد پروژه طراحی فضای شهری حاشیه رودخانه بابلرود

اهداف کلان را می توان گزاره های مفهومی و کلی دانست که کیفیات مورد نظر چشم انداز پروژه را در روند سلسله مراتبی سامان بخشیده و ارائه می دهند. بر این اساس، اهداف کلان در طراحی فضای شهری حاشیه رودخانه بابلرود را می توان به شرح زیر بیان نمود: (مهندسين مشاور نقش پیراوش، ۱۳۹۲: ۸)

- پیوستگی و یکپارچگی مجموعه در سازمان فضایی شهر بابل
- پایداری زیست محیطی
- کالبد و معماری هویتمند در مجموعه و بافت پیرامون
- کارایی، خوانایی و همه شمول بودن عرصه همگانی
- مطلوبیت در منظر طبیعی و مصنوع
- تحقق پذیری

دستیابی به اهداف کلان از طریق تدوین اهداف عملیاتی در مقیاسی خردتر و در عباراتی مشخص صورت می گیرد که تامین وضعیت مطلوب را با دقت و وضوح بیشتری عملی می سازد. بدین منظور اهداف عملیاتی طرح یا به عبارتی راهکارهای طراحی شهری برای دستیابی به اهداف کلان مورد نظر در محدوده مورد مطالعه را می توان در نمودار زیر ارائه نمود:



شکل ۲- اهداف کلان و خرد پروژه طراحی فضای شهری حاشیه رودخانه بابلرود

۳- بررسی تحقق پذیری پروژه طراحی فضای شهری حاشیه رودخانه بابلرود

تحقق پذیری را می توان به عنوان یکی از مهمترین اهداف کلان در هر پروژه طراحی شهری از جمله پروژه طراحی فضای شهری حاشیه رودخانه بابلرود (چنانکه پیشتر در بررسی اهداف کلان این پروژه بدان اشاره شد) دانست. زیرا بدون تحقق پذیری پروژه ها عملاً دستیابی به هیچ یک از اهداف مورد نظر دیگر میسر نخواهد شد. لذا قبل از بررسی موانع تحقق پذیری پروژه مذکور بطور خاص، به برخی از عوامل موثر در تحقق پذیری پروژه های طراحی شهری بطور عام اشاره می شود:

۳-۱- بررسی عوامل موثر در تحقق پذیری پروژه های شهری

در بررسی عوامل موثر در تحقق پذیری چشم انداز پیش روی در پروژه های شهری، می توان به نقش عوامل متعددی از جمله مدیریت شهری، مشارکت پذیری، مسائل حقوقی، مسائل اقتصادی و... اشاره نمود که به بررسی اجمالی این عوامل پرداخته می شود:

۳-۱-۱- نقش مدیریت شهری در تحقق پذیری پروژه های شهری

اصطلاح مدیریت شهری تنوع مفهومی گسترده ای دارد. اما در یک تعریف کلی، نظام مدیریت شهری عبارت است از سازمانی گسترده متشکل از تمام عناصر و اجزای رسمی و غیر رسمی ذیربط و موثر در حیطه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهری با هدف اداره، هدایت و کنترل توسعه همه جانبه و پایدار شهر. (سعیدی رضوانی، ۱۳۷۱: ۴) این شکل از مدیریت شهری دارای ماهیت سازمانی چند عملکردی یعنی سیاست گذاری، برنامه ریزی و اجراء است و به عنوان چارچوب سازمانی اداره و توسعه شهر به سیاست ها، برنامه ها و طرح ها و عملیاتی مربوط می شود که هدف آن اطمینان از تطابق رشد جمعیت شهر با دسترسی به زیر ساخت های اساسی مسکن و اشتغال است. (کاظمیان، ۱۳۷۳: ۵۶) بدین سان مدیریت شهری در خدمت اداره شهر بوده و همچون بازوی اجرایی آن به شمار می آید.

تجارب مدیریت شهری در ایران در چهار بخش دولتی (وزارت کشور، وزارت راه و شهرسازی و...)، بخش نیمه دولتی (شهرداری ها و...)، بخش خصوصی و بخش مردمی مطرح است که البته شهرداری ها به عنوان مهمترین و اصلی ترین سازمان اداره کننده شهر دارای نقشی اساسی در امور مدیریت شهری بوده و نقش بخش دولتی در امور مدیریت شهری بیشتر نقش کنترل و نظارتی و بخش خصوصی تاکنون در اداره امور شهر بطور مستقیم نقشی نداشته است. نقش بخش مردمی نیز در مدیریت شهری ایران دست کم بصورت مستقیم بسیار کم رنگ بوده البته نقش شوراهای شهر به عنوان یکی از موفقیت های اساسی در راه تقویت سازمان محلی و سپردن اداره امور شهرها بدست مردم و نمایندگان آنها را نباید فراموش نمود.

۳-۱-۲- نقش مشارکت پذیری در تحقق پذیری پروژه های شهری

مشارکت مفهومی است که مصادیق آن هر چند به صورت سنتی، ریشه در تاریخ شکل گیری جوامع انسانی داشته و امروزه می توان مشارکت را به عنوان یکی از عناصر اساسی توسعه و خصوصاً توسعه انسانی و بدون تردید یکی از عوامل تحقق پذیری هر پروژه دانست. در یک تعریف کلی مشارکت عبارت است از تشریک مساعی دو جانبه در راستای تحقق هدف یا اهداف مشترک، به نحوی که هر دو طرف در این شرکت به نوعی بهره مند گردند. لذا داوطلبانه بودن و ارادی بودن از عوامل اصلی نهفته در این تعریف است. با توجه به این نکته که مشارکت یک فرایند است که در تمام چرخه یک پروژه از مرحله برنامه ریزی تا ارزیابی های پس از اجرا باید مد نظر قرار گیرد، می توان نحوه و چگونگی مشارکت مردمی در طرح های توسعه شهری را در موارد ذیل جمع بندی نمود: (ملک محمدی، ۱۳۷۴: ۱۸ و ۱۹)

- مشارکت مردم در نیاز سنجی (طرح مساله و تعریف پروژه ها)
- مشارکت مردم در تصمیم گیری (ارائه راه حل جهت برنامه ریزی در پروژه ها)
- مشارکت مردم در فرایند اجرای پروژه ها و نظارت بر اجرای آنها
- مشارکت مردم در حفظ، نگهداری و بهره برداری بهینه از پروژه ها
- مشارکت مردم در ارزیابی های پس از بهره برداری طرح ها و پروژه ها

۳-۱-۳- نقش مسائل حقوقی در تحقق پذیری پروژه های شهری

یکی دیگر از عوامل موثر در تحقق پذیری یا عدم تحقق پذیری پروژه های شهری، مسائل حقوقی می باشد که از جمله این عوامل می توان به ضوابط و مقررات موجود بر اساس اسناد و طرح های فرادست مصوب و یا در دست تهیه (ضوابط مربوط به نحوه استفاده از زمین، ضوابط کالبدی موجود و...) اشاره نمود که میزان همخوانی و هماهنگی آنها با پروژه های پیشنهادی شهری نقش بسزایی در تحقق پذیری پروژه ها داشته و گاه تعارضات موجود به لحاظ حقوقی مشکلاتی را به وجود خواهد آورد. از دیگر مسائل حقوقی موثر در تحقق پذیری پروژه های شهری، مالکیت اراضی واقع در طرح ها می باشد که عدم وجود اطلاعات کافی در خصوص مالکیت اراضی واقع در طرح ها، وجود اراضی با مالکیت خصوصی در طرح ها که امکان پیوستن آنها به پروژه های شهری وجود ندارد و... از مسائل حقوقی موثر در تحقق پذیری پروژه های شهری می باشد.

۳-۱-۴- نقش مسائل اقتصادی در تحقق پذیری پروژه های شهری

قطعاً یکی از عوامل مهم تاثیرگذار در تحقق پذیری یا عدم تحقق پذیری پروژه های شهری مسائل اقتصادی می باشد که در تمام چرخه پروژه از مرحله برنامه ریزی، طراحی، اجرا و ارزیابی های پس از بهره برداری مطرح می باشد و جستجو و دست یافتن به راه حل هایی جهت اقتصادی شدن پروژه در هریک از مراحل مذکور، قطعاً گامی مهم در جهت اجرایی و عملی شدن پروژه ها خواهد بود.

۳-۲- بررسی موانع تحقق پذیری پروژه طراحی فضای شهری بابلرود

با توجه به آنچه پیشتر در خصوص پروژه طراحی فضای شهری بابلرود و همچنین عوامل موثر در تحقق پذیری پروژه های شهری بیان شد، علل عدم تحقق پذیری پروژه مذکور را می توان در موارد ذیل پیگیری نمود:

۳-۲-۱- عدم مشارکت پذیری مردم

با عنایت به اینکه مشارکت در طرح های عمرانی و توسعه شهری شکل های مختلفی داشته و با توجه به نوعیت پروژه موضوع بحث، مشارکت مردم در این پروژه را می توان در تمامی موارد مطروحه در بخش ۳-۱-۲ (مشارکت مردم در نیاز سنجی، تصمیم گیری، فرایند اجرای پروژه ها و...) و همچنین به صورت پذیرش تغییرات حاصل از پیشنهادات طرح دانست.

بر این اساس و به منظور بررسی موضوع مشارکت در طرح حاضر، پرسشنامه ای تنظیم و در بین ساکنان و فعالان محدوده پر شد و پس از سوال در مورد مسائل و مشکلات موجود در محدوده، نظر آنها در مورد موضوع مشارکت مورد پرسش قرار گرفت. نتایج برداشت نشان می دهد که بخشی از جامعه نمونه تمایلی به مشارکت در بهبود وضعیت کالبدی حاشیه رودخانه بابلرود نداشته اند و بخش دیگر که تمایل خود را به مشارکت اعلام نموده اند، در مورد نحوه مشارکت و چگونگی آن پاسخی نداشته اند. نتیجه حاصله گویای این نکته است که عدم توجه به ساز و کارهای جلب مشارکت مردم یکی از دلایل عدم مشارکت پذیری مردم در این پروژه می باشد. در یک بررسی کلی از راهکارهای جلب مشارکت مردم می توان به موارد زیر اشاره نمود که توجه به آنها قطعاً در جلب مشارکت پذیری مردم در این پروژه و در نهایت تحقق پذیری آن می تواند نقش مهمی را ایفا نماید:

- تغییر نگرش مسئولان نسبت به موضوع مشارکت (توجه به نقش مردم به عنوان یکی از ارکان مهم در تصمیم گیری و اجرای طرح های توسعه شهری)
- ارتقا سطح آگاهی مردم در خصوص موضوع مشارکت (آگاهی بخشی و تبلیغ در راستای فرهنگ سازی و نهادینه کردن مشارکت در اذهان مردم از طریق فعالیت های آموزشی و ترویجی از جمله برنامه های تلویزیونی و رادیویی به ویژه با تاکید بر شبکه های محلی، استفاده از تابلوهای ترویجی، فیلم های آموزشی و...)
- شفاف سازی زمینه های جلب مشارکت (از طریق مشخص نمودن دقیق عرصه های مشارکت و نحوه و چگونگی مشارکت برای مردم)

۳-۲-۲- ضعف مدیریت شهری

با توجه به آنچه در بخش ۳-۱-۱ خصوص نظام مدیریت شهری بیان شد، سیستم مدیریت شهری در شهر بابل نیز همچون اکثر نقاط شهری ایران تا به امروز در بخش دولتی و نیمه دولتی فعال بوده و در بخش خصوصی تنها در آن بخش از توسعه شهری که منافع مالی قابل بازگشت است فعالیت نموده است.

در خصوص پروژه طراحی فضای شهری حاشیه رودخانه بابلرود، در حال حاضر اداره کل راه و شهرسازی مازندران به عنوان کارفرمای پروژه، مدیریت مستقیم انجام مطالعات و طراحی پروژه را بر عهده دارد و با توجه به نوع طرح، شهرداری بابل به عنوان مهمترین سازمان در زمینه مدیریت برنامه ریزی شهری و فعالیت های عمرانی و اجرایی، عملیات اجرایی این پروژه را برعهده دارد. براساس مطالعات میدانی صورت گرفته، نتایج پرسشنامه های پر شده در خصوص نقش بخش مردمی در مدیریت شهری نشانگر این نکته است که نه نهاد های دولتی و نه خود مردم اعتقادی به نقش مردم در مدیریت این پروژه بطور خاص و در توسعه شهری بطور عام نداشته اند. بنابراین حذف بخش مردمی به عنوان یکی از آیتم های مهم در نظام مدیریت شهری را می توان از موارد ضعف مدیریت شهری در این پروژه دانست که توجه و استفاده از آن در سیستم مدیریت شهری قطعاً نقش بسزایی در تسریع تحقق پذیری پروژه خواهد داشت. با توجه به اینکه یکی از زمینه های مشارکت مردم در توسعه شهری، نقش مشارکتی مردم در مدیریت پروژه ها می باشد لذا توجه به راهکارهای ارائه شده در بخش مشارکت پذیری، در این حوزه نیز می تواند مفید واقع شود.

۳-۲-۳- موانع حقوقی موجود

همانگونه که در بخش ۳-۱-۳ بدان اشاره شد ضوابط و مقررات موجود و اسناد فرادست در خصوص نحوه استفاده از زمین، ضوابط کالبدی موجود، حرایم موجود و... از مسائل حقوقی قابل توجه در پروژه های طراحی شهری می باشد. بر این اساس در طرح تفصیلی مصوب شهر بابل

برای محدوده مورد مطالعه نقش تفریحی گردشگری در نظر گرفته شده و در ضوابط مربوط به نحوه استفاده از زمین، از عملکردهای مجاز در منطقه می توان به فضای سبز، پارک های محله ای-ناحیه ای و شهری اشاره نمود که با اهداف مورد نظر در پروژه طراحی مذکور سازگار و منطبق می باشد. اما از مهمترین موانع حقوقی موجود در این پروژه می توان به ضوابط و محدودیت های ایجاد شده توسط حریم رودخانه بابلرود اشاره نمود که وجود اختلافاتی بین دستگاه های اجرایی و نهادهای مربوطه در خصوص مالکیت اراضی واقع در حریم، تحقق پذیری و اجرای طرح را به تعویق انداخته است.

بحث مالکیت اراضی واقع در پروژه ها را می توان یکی دیگر از موانع حقوقی موجود در پروژه ها دانست. در این پروژه، اراضی واقع در بخش شمال شرقی حاشیه رود که تحت مالکیت اداره کل راه و شهرسازی و نیروی انتظامی بوده، آزاد سازی شده و تحت مالکیت شهرداری قرار گرفته که این آزاد سازی از این جهت که می تواند در طراحی حاشیه رود قابلیت های طراحی و انعطاف پذیری طرح را افزایش دهد پراهمیت می باشد. اما مالکیت خصوصی اراضی واقع در بخش های دیگر حاشیه رود که پیوستن آنها به پروژه را دشوار و یا غیر ممکن نموده است، از دیگر موانع حقوقی در تحقق پذیری پروژه طراحی فضای شهری مذکور می باشد.

۴- نتیجه گیری

در بررسی اهداف پروژه های طراحی شهری بحث «تحقق پذیری» همواره به عنوان یکی از اهداف اصلی در هر پروژه ای مطرح می باشد. زیرا وجود موانع مختلف در موارد متعددی باعث شده بسیاری از پروژه ها در مرحله برنامه ریزی و طراحی باقی مانده و تحقق پذیری آن را غیر ممکن شود. در طراحی فضای شهری حاشیه رودخانه بابلرود به عنوان یک نمونه از پروژه های شهری که بدلیل موانع موجود هنوز به مرحله اجرا در نیامده، در یک جمع بندی کلی بر اساس نتایج حاصله از بررسی های میدانی صورت گرفته می توان اینگونه استنباط نمود که ضعف مدیریت شهری، عدم مشارکت پذیری مردم و همچنین موانع و مشکلات حقوقی موجود، از مهم ترین دلایل عدم تحقق پذیری این پروژه می باشد که با بررسی این دلایل در هر مورد سعی در دست یافتن به راهکارهایی جهت از میان برداشتن این موانع شده است. در نهایت، نتیجه حاصله اینکه توجه به نقش مردم در مدیریت و تغییر نگرش مسئولان در این زمینه، ارتقاء سطح آگاهی مردم نسبت به موضوع مشارکت و شفاف سازی زمینه های جلب مشارکت مردم و... می تواند کمک شایانی به محقق شدن این پروژه نماید.

مراجع

۱. سعیدی رضوانی، نوید، (۱۳۷۱)؛ «بهبود مدیریت شهری»، تهران: انتشارات سازمان شهرداری های کشور
۲. کاظمیان شیروان، غلامرضا، (۱۳۷۳)، «الگوی مناسب سیستم مدیریت شهری در ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای، تهران: دانشگاه شهید بهشتی
۳. ملک محمدی، ایرج (۱۳۷۴) «شاخص های مشارکت مردمی در مدیریت منابع طبیعی»، ماهنامه جهاد، شماره ۱۸۳، ص ۱۸-۱۹
۴. مهندسین مشاور زیستا، (۱۳۸۲)، «ضوابط و مقررات طرح تفصیلی بابل»، معاونت شهرسازی و معماری اداره کل مسکن و شهرسازی مازندران
۵. مهندسین مشاور نقش پیراوش، (۱۳۹۱)، «طراحی فضای شهری حاشیه رودخانه بابلرود و مناسب سازی عبور و مرور معلولین»، مرحله اول، مدیریت شهرسازی و معماری اداره کل راه و شهرسازی مازندران
۶. مهندسین مشاور نقش پیراوش، (۱۳۹۲)، «طراحی فضای شهری حاشیه رودخانه بابلرود و مناسب سازی عبور و مرور معلولین»، مرحله دوم، مدیریت شهرسازی و معماری اداره کل راه و شهرسازی مازندران

معرفی رویکرد آموزشی برنامه ریزی طراحی محور در آموزش شهرسازی (برنامه-ریزی شهری)

نینا الوندی پور^۱، مصطفی عباس زادگان^۲، معصومه سربندی فراهانی^۳

n.alvand@yahoo.com

abbaszadegan@iust.ac.ir

sarbandi.farahani@yahoo.com

چکیده

مسئله آموزش شهرسازی امروزه از اهمیت والایی در بین دست اندرکاران برخوردار است. تحولات جهانی شهرسازی در دهه های اخیر حاکی از نزدیک شدن دو گرایش آموزشی شهرسازی (برنامه ریزی و طراحی) به عنوان یک ضرورت است. اما در نظام آموزشی شهرسازی در ایران، در حال حاضر نظریاتی مطرح است که با سمت و سوی تفکیک این دو گرایش همراه می باشد لذا خلا پرداختن به موضوع «برنامه ریزی طراحی محور» با نگاهی به برنامه ریزی و طراحی شهری به صورت توأمان در فرایند آموزش شهرسازی کاملاً مشهود می باشد. بر این اساس هدف از نگارش این مقاله بکارگیری رویکرد برنامه ریزی طراحی محور در فرایند آموزش شهرسازی ایران در جهت ارتقا کیفیت آموزشی این رشته می باشد. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-قیاسی-توصیفی به معرفی و بیان بنیادهای نظری رویکرد برنامه ریزی طراحی محور در امر آموزش شهرسازی پرداخته و تلاش می کند با نگاهی موشکافانه، زمینه های تجلی رویکرد آموزشی برنامه ریزی طراحی محور را بررسی نماید. نتایج این پژوهش راهبردهایی در جهت تشخیص و سوگیری سامانه های آموزشی مربوطه و متخصصین در امر آموزش شهرسازی و پر نمودن فاصله میان برنامه ریزی و طراحی ارائه می دهد.

واژگان کلیدی: برنامه ریزی شهری، طراحی شهری، آموزش شهرسازی، برنامه ریزی طراحی محور.

۱- مقدمه

هر نظام آموزشی نیازمند نوعی برنامه درسی است. آموزش برنامه ریزی شهری نیز مانند هر دوره آموزشی دیگر بر اساس یک برنامه درسی انجام می شود. مسئله آموزش برنامه ریزی شهری امروزه از اهمیت والایی در بین دست اندرکاران در رشته شهرسازی برخوردار است. طبق مصوبه سال ۱۳۶۵ شورای عالی برنامه ریزی، اهداف دوره برنامه ریزی شهری به دو گروه اهداف آموزشی و اهداف پژوهشی تقسیم شده است. اهداف آموزشی دوره بدین ترتیب معرفی شده اند: تربیت نیروی انسانی مورد نیاز و خلق نیروی انسانی مورد نیاز و خلق دانش لازم برای رشد و تحول فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهرهای کشور بخصوص مناطق کم رشد که تا کنون به اندازه کافی در جهت رشد و تحول بسیج نشده اند. تربیت افرادی که حرفه شهرسازی و برنامه ریزی شهری را با بینش های لازم از واقعیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بکار گرفته و نقش این حرفه را به گونه ای موثر در رشد و توسعه فضایی-کالبدی کشور و در تمامی سطوح آن مطرح نمایند.

۱. نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشگاه علم و صنعت ایران

۲. دکترای طراحی شهری، استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران دانشکده معماری و شهرسازی، شهر تهران، استان تهران

۳. کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران

بر این اساس برنامه ریزی آموزشی این رشته می‌بایست به صورت یک هرم همگن و همبسته طراحی گردد. پایه هرم را می‌توان به آموزش جامع و عمومی اختصاص داد. در این مرحله برنامه و مواد آموزشی باید به گونه ای تنظیم گردند که از سویی دانشجویان را با مسائل و نیازهای توسعه ای جامعه و مبانی اساسی علوم و تکنولوژی آشنا کند و از سوی دیگر او را برای بهره گیری بهتر و بیشتر از آموزش‌های تخصصی که در رأس هرم قرار دارد، آماده سازد. بر این اساس و با توجه به تغییرات اساسی و رویکرد های جدیدی که در چند دهه گذشته در این حوزه از علم صورت گرفته است، ارتقا کیفیت آموزش این رشته متناسب با رویکردهای جدید ضروری به نظر می‌رسد.

در حوزه آموزش دروس شهرسازی (برنامه ریزی شهری و طراحی شهری) در ایران، در حال حاضر نظریاتی مطرح است که با سمت و سوی تفکیک هرچه بیشتر این دو گرایش همراه می‌باشد لذا خلا پرداختن به موضوع «برنامه ریزی طراحی محور» با نگاهی به برنامه‌ریزی و طراحی شهری به صورت توأمان در فرایند آموزش شهرسازی (برنامه ریزی شهری و طراحی شهری) کاملاً احساس می‌شود. مقاله حاضر تلاش می‌کند با نگاهی موشکافانه، زمینه های تجلی رویکرد آموزشی برنامه‌ریزی طراحی محور را در رشته برنامه ریزی شهری بررسی نماید.

مهم‌ترین هدف در آموزش شهرسازی تربیت شهرسازی است که موفق به تهیه برنامه‌های شهری به منظور خلق محیط‌های انسانی با کیفیت بالا شوند، که این امر تنها با آموزش برنامه‌ریزی صرف یا فقط طراحی شهری تحقق پیدا نمی‌کند و نیل به آن نیازمند ابزاری برای آشتی دادن این دو بال شهر سازی حرفه ای است؛ لذا چنین به نظر می‌رسد که پهنه‌های شهری علاوه بر نیاز به برنامه‌ریزی، نیازمند هدایت و کنترل از طریق ابزارهای طراحی شهری نیز می‌باشند (گلکار، ۱۳۸۱: ۵). در این میان بین دو رشته برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری در امر آموزش شهرسازی فاصله وجود دارد و بر همین اساس بنا به نظر بعضی از حرفه‌مندان و دانشگاهیان مرتبط با هردو گرایش مانند کرمونا رویکردی میانی باید این فاصله را پر کند (carmona;et.all,2002:40). این رویکرد میانی همان رویکرد طراحی محور در برنامه ریزی شهری است.

۲- تاریخچه

تا اواخر دهه ۱۹۲۰، آموزش برنامه ریزی شهری در جهان بسیار محدود بوده و از طریق دفاتر حرفه ای برنامه ریزی انجام می‌گرفت است. نخستین دانشگاه رسمی برای این رشته، در سال ۱۹۰۹ تشکیل شده و پس از آن نیز دروس معدود و جداگانه ای ارائه می‌شد. تنها در سال ۱۹۲۳ بود که برنامه ریزی شهری به عنوان یک رشته در مقطع کارشناسی ارشد در یک دانشکده از دانشگاه هاروارد تاسیس شد (Perloff, 1957:11).

برنامه ریزی به عنوان یک حرفه در حال شکل گیری که در جستجوی جایگاهی در ساختار بروکراتیک قدرت دولت بود، با تاسیس بخش‌های مختلف در خدمات دولتی و توسعه دوره های دانشگاهی تحت نظارت بدنه حرفه ای با قدرت ارزیابی اعتبار این دوره‌ها همراه بوده است. نهادینه شدن فعالیت برنامه ریزی در طول دهه های متوالی قرن بیستم که به آسانی و بدون درگیری نیز انجام نشده است، ادعایی را با خود به همراه آورد مبنی بر اینکه برنامه ریزی یک فعالیت مشخص بر پایه دانشی یکتا و مجموعه ای از مهارت‌های تکنیکی می‌باشد. در فرآیند شکل گیری حرفه، نقشی کلیدی توسط سازمان‌های حرفه ای برای برنامه ریزی تعریف شد که بر آموزش همسان برنامه ریزان شامل فهرست یکسانی از مهارت‌ها اصرار می‌ورزید. الگوی مسلط آموزش حرفه ای، اوج گیری و نهادینه شدن برنامه ریزی مدرنیستی را در آمریکای شمالی، بریتانیا و استرالیا همراهی نمود؛ الگویی که بر تلقین فرهنگ بروکراتیک حرفه ای برنامه ریزی و محصولی استاندارد با سنجه مهارت‌های بازاری تاکید داشت. در این الگوی حرفه ای، مهارت با مقدار دانش دریافت شده (سال‌های تحصیل، تعداد دروس مطالعه شده و ...) ارتباط پیدا می‌کند (Sandercock, 1999).

امروزه پس از گذشت سال‌ها، با پذیرفتن تغییر شرایط اجتماعی، تاریخی که بستر حرفه می‌باشند، ایده های برنامه ریزی و نقش برنامه ریز دچار تغییرات و بازبینی‌های اساسی شده است. در دانشگاه و بازار کار، برنامه ریزان خود را در رقابت تنگاتنگ با افراد حرفه ای از رشته های دیگر می‌بینند و ناچارند تعریف مجددی از خود ارائه دهند. همچنین به دلیل کاهش نقش دولت‌ها، حوزه کاری برنامه ریزان نیز از بخش دولتی به بخش خصوصی و مشارکتی کشیده شده است. همچنین مقیاس اقتصاد از ملی به جهانی تبدیل شده و تنوع فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است و شهرها به حوزه های شهری کاملاً متفاوتی تبدیل شده‌اند (Friedmann, 1996: 89-90).

اما آموزش برنامه ریزی شهری در ایران با عنوان شهرسازی، نخستین بار در سال ۱۳۴۴ در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران تاسیس گردید و در تجدید نظر سال ۱۳۵۱-۱۳۵۰ به سه شاخه برنامه ریزی شهری، طراحی شهری و برنامه ریزی منطقه ای تقسیم شد. پس از آن در سال ۱۳۵۶-۵۷ رشته برنامه ریزی شهری و منطقه ای در دانشگاه شهید بهشتی و سپس در طول زمان در چندین دانشگاه دیگر تاسیس گردید. لازم

به ذکر است طبق مصوبه شورای برنامه ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تاریخ ۸۷/۱۲/۲۱ برنامه ریزی شهری و منطقه ای به دو گرایش برنامه ریزی شهری و برنامه ریزی منطقه ای تفکیک گردید و هم اکنون گرایش برنامه ریزی شهری به صورت گرایشی جدا از برنامه ریزی منطقه ای در دانشگاه های کشور تدریس می شود.

۳- بررسی برنامه ها و رویکردهای جهانی در خصوص برنامه ریزی شهری

به نظر می رسد آنچه که در گزارش جهانی سازمان ملل بیشتر از بقیه موارد بر آن تأکید می شود تغییر رویکردها و تعریف نوین از برنامه ریزی شهری در سطح جهانی و محلی می باشد. تغییرات در سیستم های دولتی و اقتصادی، ماهیت جوامع، چالش های محیطی، همگی بر فرایند های رشد شهری و شهرنشینی و تحولات فضایی، اجتماعی در سکونتگاه های شهری تأثیر گذار بوده است. برنامه ریزی شهری جدید در اواخر قرن نوزدهم به عنوان پاسخی به رشد و آلودگی سریع شهری در اروپای غربی که نتیجه انقلاب صنعتی بود، ظهور کرد. پذیرش برنامه ریزی شهری در این بخش از جهان به عنوان عملکرد دولت می تواند به ظهور مداخله گرایی مدرن دولت^۱ نسبت داده شود. همچنین بینش های شهری بوسیله پیشگامان اولیه برنامه ریزی شهری در اروپای غربی و آمریکا در اواخر قرن نوزدهم جهت تغییر در اهداف و شکل های برنامه ریزی شهری ارائه شد که به نوبه خود جهش قابل ملاحظه ای در قرن بیستم نشان داد. از این رو برنامه ریزی به عنوان یک فعالیت فنی در برنامه ریزی فیزیکی و طراحی سکونتگاه های انسانی دیده شد و این برنامه ریزی همراه با ماهیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بود که در خارج از حوزه برنامه ریزی قرار داشت. برنامه ریزی شامل تولید برنامه های جامع و فنی بود که شهرها را به عنوان فرم های غیر قابل تغییر و انعطاف ناپذیر نشان می داد. بطوریکه ابزار مشروع برای بکارگیری این بینش ها برنامه های منطقه بندی کاربری اراضی بود.

اما امروزه، مناطق شهری به مراتب پیچیده تر شده اند و تغییرات سریعی در شهرها به وقوع می پیوندد که نتیجه نیروهای محلی و جهانی است که خارج از کنترل برنامه های محلی و برنامه ریزان است. همچنین شکاف بزرگی بین سیستم های برنامه ریزی غالب و ماهیت شهرهای قرن بیستم وجود دارد؛ درحالی که بر شکل های قدیمی برنامه ریزی شهری در بسیاری از کشورها پافشاری می شود.

۳-۱- رویکردهای جدید برنامه ریزی شهری

به جرات می توان گفت شهرسازی قرن بیستم را از جنبه های عملی و اجرایی، مدرنیسم شکل داده و بیشترین ضربه را بر محیط زیست وارد آورده است. بر این اساس، دستور جدید محیط زیست مبتنی بر توسعه پایدار، یک فرصت استثنایی برای برنامه ریزان در کسب رقابت در مدیریت محیط زیست به وجود آورده است. بنابراین باید یک دریچه سیاسی پایدار برای برنامه ریزان شهری حرفه ای گشوده شود. برنامه ریزان حرفه ای شهری باید به عنوان «شبه قاضی»، «رائه دهنده روش های بدیع» «وضع کننده قوانین مناسب» «رهبری و مدیریت محیط زیست» «شغل آفرین» و «ایجاد کننده رفاه» باشند. برنامه ریزان باید یک فضای فرهنگی خلق نمایند تا در گفتگوها، صحبت ها شنیده شود و در حمایت از توسعه پایدار و پایداری، ضمن رعایت نظریه اخلاقی، به سیاست کاربری اراضی مناسب دست یازند (Mazza, 1996: pp.15-30).

از سوی دیگر تجربه نشان داده است که مهم ترین هدف طرح های شهری کیفیت بخشی به شهر است. که تنها با ابزار برنامه ریزی تحقق پیدا نمی کند و برای نیل به آن نیازمند ابزار طراحی شهری است؛ لذا چنین به نظر می رسد که پهنه های شهری علاوه بر نیاز به برنامه ریزی، نیازمند هدایت و کنترل از طریق ابزارهای طراحی شهری نیز می باشند. برنامه ریزی شهری، مسئول اصلی هدایت شهر و تامین عملکردها و کارکردهای آن است. از سوی دیگر طراحی شهری با موضوع تغییر محیط طبیعی درگیر است و در پی آن است که کیفیت محیط مصنوع را ارتقا دهد؛ لذا طراحی شهری که به طور گسترده با محیط مصنوع سر و کار دارد، نیازمند به برخورد عقلایی با محیط طبیعی است و حفظ آن را اصل تلقی می کند. در این میان بین دو حیطه برنامه ریزی شهری و طراحی شهری فاصله وجود دارد، و به گفته ی کرمونا رویکردی میانی طلب می شود.

لذا حل بخشی از این مسائل، نیازمند توجه به تشکیلات تخصصی، ساختار آموزشی و برنامه های اجرایی مناسب دارد تا افرادی برای این رشته آماده شوند و حلقه اتصال میان توسعه پایدار و حرفه برنامه ریزی شهری برقرار گردد. در واقع برنامه ریزان باید در راستای اصول و چارچوب

^۱ Modern Intervention of State

برنامه ریزی محیطی و توسعه پایدار حرکت نمایند. سیستم برنامه ریزی کاربری فعلی باید دگرگون شود و اصول و سیاست‌های برنامه ریزی کاربری اراضی از سطح جهانی به منطقه ای و محلی تعمیم داده شود. نقش دولت‌ها و مشارکت‌های مردمی در این حرکت‌ها قابل توجه است؛ به نحوی که موانع ایدئولوژیکی هم در این ارتباط باید برطرف گردد (Owen, 1994: 139).

در طی چند دهه اخیر، رویکردهای جدید که به دنبال شناسایی مشکلات سیستم‌های برنامه ریزی جامع سنتی هستند، ظهور کرده‌اند. این رویکردها دارای مولفه‌های مشترک زیر می‌باشند:

ارجحیت استراتژی بر جامع بودن؛ ارجحیت انعطاف پذیری بر عدم انعطاف؛ تمایل به عمل و اجرا؛ ذینفعان جامعه؛ انعکاس دغدغه‌های شهری؛ بازی کردن نقش همگرایی؛ تأکید بر فرایند برنامه ریزی.

بر این اساس رویکردهای جدید در ۵ گروه زیر دسته بندی می‌شوند:

- برنامه ریز طراحی محور^۱
- برنامه ریزی فضایی استراتژیک^۲
- برنامه ریزی فضایی جهت اختلاط عملکردهای بخش دولتی یا عمومی^۳
- رویکردهای جدید مدیریت و تنظیم زمین^۴
- فرایندهای مشارکتی و همکاری^۵

۴- برنامه درسی موجود

این دوره با ۳۸ واحد درس اصلی در قالب دو سال و شش ماه بر اساس مصوبه وزارت علوم، برنامه ریزی شده است. البته شایان ذکر است که در دو دانشگاه علم و صنعت و علامه تعداد واحدها ۳۲ و احد و در قالب دوره ۴ ساله می‌باشد.

جدول شماره ۱: مقایسه تعداد واحدهای درس اصلی رشته برنامه ریزی شهری در تعدادی از دانشگاه‌های داخل کشور

نام درس	مصوبه وزارت علوم	دانشگاه علم و صنعت	دانشگاه علامه	دانشگاه تهران
نظریه‌های برنامه ریزی شهری	۳	۳	۳	۳
روش‌های برنامه ریزی شهری	۳	۳	۳	۳
برنامه ریزی کاربری زمین	۲	۲	۲	۲
برنامه ریزی حمل و نقل شهری	۲	۲	۲	۲
سیر اندیشه‌های شهرسازی	۲	۲	۲	۲
برنامه ریزی مسکن	۲	۲	۲	۲
کارگاه برنامه ریزی شهری (۱)	۲	۳	۳	۲
کارگاه برنامه ریزی شهری (۲)	۳	۳	۳	۳
سمینار	۳	۲	۲	۳
بهسازی و نوسازی شهری	۲	۲	۲	۲
حقوق شهری	۲	-	-	۲
سمینار مسائل شهری	۲	-	۲	۲
مبانی برنامه ریزی و طراحی محیط شهری	۲	-	۲	۲

^۱ Design led Planning

^۲ Strategic Spatial Planning

^۳ Spatial planning to Government or Public Sector Functions Integrate

^۴ New Approaches to Land Regularization and Management

^۵ Participatory and Partnership Processes

مدیریت شهری	۲	۲	-	۲
پایان نامه	۶	۶	۴	۶
جمع واحدهای اصلی	۳۸	۳۲	۳۲	۳۸

۴-۱- کاستی‌های برنامه درسی موجود

همان طور که در بخش تاریخچه نیز مورد اشاره قرار گرفت بیش از ۴۰ سال از سابقه رشته برنامه ریزی در ایران می‌گذرد. اما با این وجود در دهه‌ی اخیر گزارش‌ها حاکی از انتقاد شدید متخصصان و حتی شهروندان از پایین بودن کیفیت عرصه‌های شهری و توسعه شهری در شهرهای ایران می‌باشد. در کنفرانس و نشست‌های شهرسازی برگزار شده در حیطه‌های مختلف، متخصصین امر همگی به ابراز تاسف از کیفیت پایین عرصه‌های عمومی شهری و محلی پرداخته‌اند. که شاید یکی از علل این امر عدم همسویی طراحی شهری و برنامه ریزی شهری می‌باشد. زیرا اگرچه همان طور که در بالا اشاره شد طراحی شهری به عنوان سطح میانی برنامه ریزی شهری و معماری تلقی شده است و مفصل بین این دو رشته اما از سوی دیگر نمی‌توان ارتباط قوی بین طراحی و برنامه ریزی و نقش هردو و همزمان آن‌ها را در بهبود محیط شهری انکار کرد. حتی با وجود تاسیس رشته طراحی شهری در سال ۱۳۷۱ در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه شهید بهشتی و پس از آن در دانشگاه‌های چون علم و صنعت و ... و حتی هرچه پررنگ‌تر شدن نقش طراحی همچنان خلا موجود بین این دو رشته احساس می‌شود.

اصطلاح «طراحی شهری» در ایالات متحده در دهه ۱۹۶۰ ابداع شد؛ و این درست همزمان با دوره‌ای بود که برنامه ریزی شهری در حال تحول و دور شدن از تغییرات صرفاً فیزیکی عرصه‌های شهری به سمت تمرکز بر جنبه‌های اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی توسعه می‌بود. معماران و معماران منظر به دنبال پر کردن خلا ناشی از این تغییر بودند. به همین علت دوره‌های علمی در حوزه طراحی شهری ایجاد شد. در سال‌های پس از آن نیز، بیشتر جنبه فیزیکی توسعه شهری به تدریج تحت عنوان رشته‌ای با نام «طراحی شهری»، به ویژه در بریتانیا جایگزین شد. طراحی شهری در حال حاضر سطح میانی بین معماری، برنامه ریزی شهری و معماری منظر در نظر گرفته شده است. در این میانه رشته طراحی شهری هرچه بیشتر موجبات گسترش توجه معماری را از خلق ساختمان‌های منفرد و برنامه ریزی را از توجه به برنامه‌های پهنه بندی و یا توجه صرف به ساختار شهری به سوی اهمیت کیفیت عرصه‌های عمومی سوق داده است (The Mayor's Institute on City Design in New York, 2002:100).

بر این اساس و بر مبنای مشاهدات کارشناسی نگارندگان در وضعیت کنونی فاصله بین دو رشته طراحی شهری و برنامه ریزی شهری در نظام برنامه‌سازی ایران بسیار زیاد می‌باشد. اما در صورتی که طراحی شهری با مشارکت و فعالیت حرفه برنامه ریزی همراه باشد می‌تواند به میزان قابل توجهی موجبات تقویت کیفیت عرصه‌های شهری و توسعه شهری را فراهم نماید. خوشبختانه اغلب متخصصین شهری در ایران به نقش حیاتی هر یک از این دو رشته پی برده‌اند و معتقداند که حذف هر یک از آن‌ها در نهایت به عدم موفقیت عرصه‌های شهر منجر خواهد. لذا ارائه فرایندی در آموزش برنامه ریزی شهری که طراحی شهری را با خود همراه داشته باشد و کنترل کننده و هماهنگ کننده اقدامات طراحی شهری در سطوح پایین‌تر باشد، می‌تواند بخشی از مشکلاتی که مانع اقدامات طراحانه برای ارتقا کیفیت فضاهای شهری است را حل نماید. این ضرورت پس از سال‌های دهه ۹۰ و بعد از طرح‌های راهبردی و ساختاری در انگلستان درک شد و در پی آن فرایندی در برنامه ریزی شهری تدوین شد که در آن سعی شد تا در برنامه ریزی جنبه کالبدی محیط نیز مورد توجه قرار گیرد و طرح ریزی کالبدی با هدف ارتقا کیفیت محیط‌های شهری صورت پذیرد (DETR & CABE, 2004:35).

از این رو و از آنجایی که شاکله هر نظام آموزشی به برنامه‌های درسی پر محتوا استوار است لذا ورود عنوان درسی با نام برنامه‌ریزی طراحی محور و برای آشنایی هرچه بیشتر دانشجویان با نحوه همکاری مابین برنامه‌ریزی و طراحی شهری امری ضروری می‌نماید.

۵- نگرش‌های اساسی بین‌المللی در خصوص دوره

با توجه به توضیحات ارایه شده در بندهای پیشین با وجود تمامی تغییرات حاصل شده در جهان از دهه ۱۹۸۰ آموزش برنامه ریزی در ایران همچنان به باز تولید الگوهای قدیمی خود ادامه می‌دهد. این درحالی‌که است که دوره دانش عمومی به همراه یک تخصص به سر آمده

است و این عبارت قدیمی باید کمی جابجا شود. بزرگ‌ترین هدف آموزش برنامه ریزی باید تربیت یک استاد متخصص با دانشی پایه در مورد زیستگاه‌های شهری و پویا شناسی آن‌ها و مجهز به مهارت‌ها، روش‌ها و رهیافت‌های معمول برنامه ریزی باشد (Friedmann, 1996: 90). یکی از اهداف اولیه برنامه ریزی، هماهنگی فعالیت‌های مجزا می‌باشد و برای این کار برنامه ریز باید دانش عمومی از اجزای متعدد اجتماعات داشته باشد. به علاوه اجتماع شهری مجموعه ای است از اجزای مرتبط که در مورد چگونگی این ارتباط اطلاعات کمی موجود است و دانش مورد نیاز برنامه ریزان جدید لازم می‌دارد که گروه‌هایی متشکل از افراد متبحر در فلسفه، کار اجتماعی، حقوق، علوم اجتماعی و طراحی شهری مشمول حرفه برنامه ریزی شوند. لزومی ندارد هر برنامه ریز در تمامی این دوره‌ها صاحب دانش باشد؛ بلکه لازم است در یک یا چند حوزه درک عمیق داشته باشد (Daridoff, 1965).

بر این اساس در مطالعات صورت گرفته در متون معتبر جهانی، پیشنهادات متفاوتی برای پاسخ به چالش پیشروی نظام آموزش برنامه ریزی شهری در ایران مطرح شده است که از میان آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

فریدمن معتقد است که حوزه محتوایی برنامه ریزی در تقاطع شش فرآیند اجتماعی، فضایی که در ترکیب با یکدیگر زیستگاه شهری را شکل می‌دهند، قرار دارد. این شش فرآیند عبارتند از: مجموعه فرآیندهای شهرنشینی، فرآیندهای تغییرات و رشد اقتصاد منطقه ای (یا بین منطقه ای)، فرآیندهای ساخت شهر، تغییرات و تفاوت‌های فرهنگی، تحول طبیعت، توانمندسازی و سیاست ورزی شهری. از سوی دیگر علاوه بر دانش پایه در مورد زیستگاه شهری، برنامه ریزان می‌بایست دانش تخصصی داشته باشند که به مسائل برخاسته از پویا شناسی زیستگاه های شهری پاسخ دهد. هر دانش تخصصی باید حداقل ابعاد شش‌گانه زیر را در بر بگیرد:

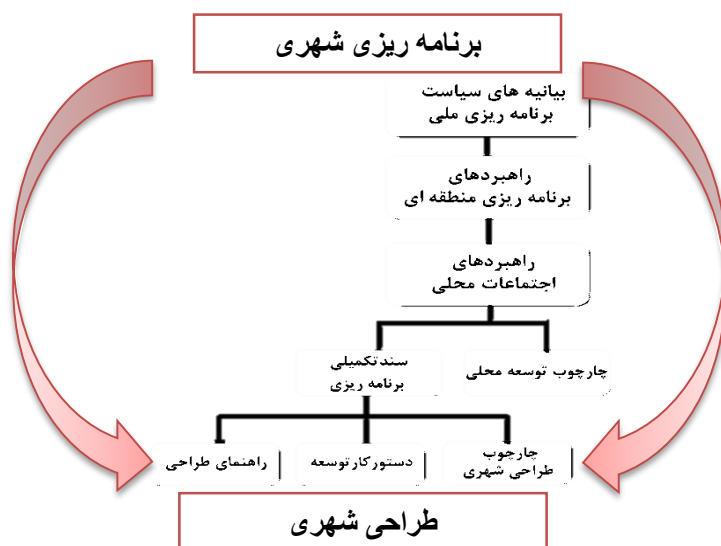
- منظر تاریخی تخصص، تحولات، مکاتب فکری و پیشکسوتان آن؛
 - اقتصاد سیاسی و موسساتی که سیاست‌های مربوطه از طریق آن‌ها عمل می‌کند؛
 - دانش انتقادی و دقیقی در مورد تئوری‌ها و مباحث فعلی تخصص مربوطه؛
 - پارادایم‌های تحقیق مسلط؛
 - آشنایی با روش‌ها و الگوهای استاندارد تحلیل در این تخصص؛
- کارورزی با تمرکز بر تخصص مورد نظر و در همکاری با دیگر تخصص‌های غالب برنامه ریزی (Friedmann, 1996: 96-98).
- به عنوان نمونه این حوزه های تخصصی می‌توان از کاربری زمین، توسعه اجتماعات، طراحی/برنامه ریزی سایت، مسکن، توسعه پایدار، محیط زیست و ... نام برد (Planning Education for the 21st Century, 1997).

در پیشنهاد دیگری، لزوم جایگزینی تکنیک‌ها و مهارت‌ها را توسط دانش بیان و نیز پنج حوزه دانش را با عنوان TAME مطرح کرده است و معتقد می‌باشد برنامه ریزان باید مجهز به این دانش‌ها باشند: دانش تکنیکی، تحلیلی، چند فرهنگی، زیست محیطی و طراحی (Sandercock, 1999).

- در طرح دیگری از خانم سیمین داوودی، سه جزء اصلی برای برنامه ریزی عنوان شده است:
- تحقیق شامل مشاهده، جمع آوری و کار با داده‌ها، تحلیل سیاست‌ها و برنامه‌ها، مهارت مکانیکی و تحلیلی متفکرانه اطلاعات؛
 - تعامل شامل حل مشکلات با حس اخلاقی و مسئولیت پذیری، تعامل و تفکر با مردم، ملاقات و مناظره، قانع و مذاکره کردن و تفاهم سازی، مهارت بین فردی و اجتماعی؛
 - مداخله شامل بهبود شرایط مردم و مکان، تصمیم گیری، ایجاد تغییر، مداخله و مهارت بین فردی و اجتماعی (Davoudi, 2000).

۶- رویکرد برنامه ریزی طراحی محور در آموزش و عمل برنامه ریزی شهری

همان طور که در مباحث پیشین بالا گردید برنامه ریزی طراحی محور حاصل ورود مباحث کیفی در امر برنامه ریزی راهبردی و ورود مباحث کنترل و هدایت توسعه در اسناد طراحی شهری سیاست گرا می‌باشد (عباسزادگان و رضوی، ۱۳۸۵: ۱۷). این دو موضوع در اسناد تکمیلی برنامه ریزی و طراحی شهری باهم تلاقی کرده و اسنادی چون چارچوب طراحی شهری، دستور کار توسعه و راهنمای طراحی را پدید می‌آورند. رویکرد برنامه ریزی طراحی محور باید به عنوان رویکردی عام در تمام مراحل نظام برنامه ریزی و طراحی شهری حضور داشته باشد. در نظام برنامه ریزی تاثیر این رویکرد از مقیاس کلان تا خرد متفاوت است و هرچه به مقیاس محلی نزدیک‌تر می‌شود قدرت و تاثیر این رویکرد بیشتر و پررنگ‌تر احساس می‌شود. نمودار شماره ۱ ارتباط نظام‌های برنامه ریزی و طراحی شهری و رویکرد برنامه ریزی طراحی محور را تبیین می‌کند.



نمودار (۱): رویکرد برنامه ریزی طراحی محور در ارتباط با نظام های برنامه ریزی و طراحی شهری جهت بهره گیری در آموزش شهر سازی

پس از تحولاتی که در دهه های اخیر در برنامه ریزی و طراحی شهری رخ داده است و همچنین تاثیر و تأثراتی که شرایط بیرونی در نزدیک شدن این دو حوزه از دانش به یکدیگر داشتند، این رویکرد در آستانه قرن ۲۱ مطرح شد (Madanipour, 2003:21). برنامه آموزشی طراحی محور برای پر کردن خلأ ناشی از فاصله میان دو رشته، یک دوره آموزشی دو ساله بر مبنای الگوی مفهومی برنامه ریزی طراحی محور را پیشنهاد می نماید. این برنامه چارچوب اساسی برای دانشجویان برنامه ریزی شهری است که علاقه مند به تخصص میان رشته ای با طراحی شهری به عنوان جز جدایی ناپذیر از یکدیگر می باشد.

الگوی مفهومی طراحی محور در برنامه ریزی شهری، درصدد ارتقا استانداردهای توسعه شهری است و این هدف را با تقویت فرایند طرح ریزی کیفیت فضاهای شهر ممکن می سازد. در این رویکرد مطلوبیت کیفیت فضا از اهمیت بسزایی برخوردار است. همچنین از مهم ترین ویژگی های رویکرد برنامه ریزی طراحی محور تعیین اهداف و معیارهای طراحی می باشد؛ که این اهداف و معیارها در تهیه و تصویب طرح ها مدنظر قرار گرفته و قابلیت مطرح شدن در مقیاس های کلان را نیز دارا می باشد. رویکرد طراحی محور در برنامه ریزی شهری، ابزاری تعیین کننده در امر کنترل توسعه می باشد و به ارزیابی از شرایط و اولویتهای می پردازد. به طور خلاصه اصول برنامه ریزی طراحی محور را می توان در توجه به نکات زیر خلاصه کرد (Perfect, 1997:72).

- استوار بودن بر اهداف عملکردی
- انعطاف پذیری ضوابط و مقررات
- درک اهمیت عرصه های عمومی
- توجه به تراکم و اختلاط کاربری
- اهمیت مطلوبیت کیفیت فضایی

۶-۱- پیشینه برنامه ریزی طراحی محور جهت بهره گیری در آموزش شهر سازی

در چند دهه اخیر تحت تاثیر تحولات فکری و اجتماعی از یک سو و تحولات برنامه ریزی شهری از سوی دیگر، دیدگاه ها و نظریات جدیدی در زمینه طراحی شهری و توجه به کیفیت محیطی مطرح شده است. یکی از گرایش های شهر سازی جدید در غرب این است که برخلاف گذشته سعی می شود اقدامات مربوط به برنامه ریزی شهری و طراحی شهری در یکدیگر ادغام شده و به عنوان فرایندی یگانه و هماهنگ در نظر گرفته شود. به نظر برخی کارشناسان از جمله متیو کرمونا این رویکرد جدید حاصل ورود مجموعه ای از تفکرات و نظرات شهر سازانه در ارتباط با مباحث کیفی در امر برنامه ریزی شهری و نزدیکی برنامه ریزی و طراحی شهری می باشد. محورهای عمده این تفکرات و نظرات (منشور آتن- باغ شهرها-

شهرهای جدید- بازتاب تفکرات پسامدرن در برنامه ریزی و طراحی شهری- مفهوم جامعه‌ی مدنی- اصول توسعه پایدار)، به طور کلی بر پایه دوری از توسعه و عمران صرفاً اقتصادی و کالبدی و توجه بیشتر به ارزش‌های کیفی و اجتماعی در توسعه شهری بوده و میزان دخالت و مشارکت شهروندان در سازماندهی محیط زندگی را افزایش می‌دهد. این وضع ضرورتاً با تأکید بیشتر بر نقش «طراحی شهری» همراه بوده و طراحی شهری بنا به ماهیت خود، ارتباط نزدیک‌تری با ابعاد کیفی و فرهنگی محیط دارد (گلکار، ۱۳۸۱: ۸).

در همین راستا و به طور خلاصه در طول سال‌های ۱۹۶۰، موضوعات طراحی شهری به تدریج در متن پاسخ‌گویی به مسائل و پروژه‌های مشخصی مطرح شد. در طول دهه ۷۰، اهداف طراحی شهری ضمن سیاست‌های عمومی برنامه ریزی گنجانده شد و در طول دهه ۱۹۸۰، ملاحظات طراحی شهری به عنوان بخشی از نظام نظارتی برنامه ریزی مورد پذیرش قرار گرفت (Culling Worth, 1999: 19).

با توجه به این نکته که هدف نهایی هر نوع برنامه ریزی و طراحی شهری کمک به اعتلای کیفیت زندگی در راستای توسعه پایدار، رفاه و عدالت اجتماعی است، برنامه ریزان و طراحان شهری دریافته‌اند که برای تحقق این هدف وجود رویکردی میانی ضروری است. از این نظر برنامه ریزی شهری به عنوان یک دانش میان رشته‌ای، روز به روز به اهداف طراحی شهری نزدیک‌تر می‌شود و طراحی شهری نیز به عنوان یک دانش میان رشته‌ای به طور فزاینده‌ای به سمت هماهنگی و همگامی با برنامه ریزی پیش می‌رود. در این رویکرد جدید گاهی از طراحی شهری به عنوان بخش جداناپذیر از فرایند برنامه ریزی شهری و گاهی به عنوان یک بعد از برنامه ریزی یاد می‌شود.

شایان ذکر است که جعبه ابزار برنامه ریزی طراحی محور از یک سری ابزار طراحی محور و سیاست گرا در سطوح مختلف ملی و منطقه‌ای و محلی چون راهبرد اجتماعات محلی^۱، چهارچوب توسعه محلی^۲ و اسناد تکمیلی برنامه سازی (نظیر چارچوب طراحی شهری، دستور کار توسعه و راهنمای طراحی شهری) تشکیل شده است. که به منظور استفاده این ابزار در نظام شهرسازی، هم‌سویی هرچه بیشتر این دو رشته در سیستم آموزشی برنامه ریزی شهری الزامی می‌باشد (Carmona; et. all, 2006: 15).

۷- پیشنهاد و نتیجه گیری

انقلاب علمی در دو دانش طراحی شهری و برنامه ریزی شهری و بسط تفکر کیفیت‌گرایی نیاز به تجدید نظر در برنامه آموزشی رشته شهرسازی را ایجاد کرده است. این امر، تغییرات به وقوع پیوسته برنامه ریزان را به فکر در مورد روش‌های جدید برنامه ریزی (برنامه ریزی طراحی محور) و تلاش برای بهبود نحوه آموزش برنامه ریزی در کشور سوق داده است. استفاده از ابزاری چون اسناد تکمیلی برنامه ریزی، دستورالعمل‌های طراحی شهری، چارچوب طراحی شهری و دستورکارهای توسعه و... در حال حاضر در نحوه برنامه ریزی و طراحی در کشورهای پیش‌رفته دنیا نقش بسزایی را ایفا می‌نمایند. مفاهیم تفکر برنامه ریزی طراحی محور به مقدار زیادی توسعه یافته و در حال حاضر در بسیاری از کشورها چون انگلستان و آمریکا در غالب برنامه‌های درسی برنامه ریزی شهری آموزش داده می‌شود.

همچنین برنامه ریزی در ایران نیز دست‌خوش اصلاحاتی در سال‌های اخیر شده است. در واقع این اصلاحات، به کاهش رویکرد نظارتی و ارتجاعی به نفع یک سیستم مبتنی بر عملکرد منجر خواهد شد. برنامه ریز طراحی محور به عنوان یک روش مبتنی بر عملکرد منعطف و فرصت‌بهتر برای عوامل توسعه در تعامل با سیستم برنامه ریزی را فراهم می‌کند. همچنین مزایای بسیاری چون پیامدهای خلاقانه طراحی، استفاده بهتر از منابع موجود و افق زمانی بسیار کوتاه‌تر را داراست. از جمله مزایای اصلی این رویکرد توجه همزمان به طراحان و برنامه ریزان شهری در مراحل مختلف طرح‌های توسعه شهری می‌باشد. از همین رو پژوهش انجام شده به منظور توسعه و ترویج استانداردهای بین‌المللی در آموزش و عمل برنامه ریزی و طراحی شهری، تأکید خاص بر پیاده‌سازی برنامه ریزی طراحی محور دارد.

در دوره آموزشی برنامه ریزی طراحی محور آشنایی توانمند با هر دو رشته‌ی برنامه ریز شهری و طراحی شهری و آشنایی با مهارت‌ها، اصول، روش‌ها و ابزار این دو رشته ضروری است. به طور کلی رویکرد آموزشی برنامه ریزی طراحی محور را می‌توان رویکردی میانی در حیطه‌ی برنامه ریزی و طراحی شهری برشمرد. به همین منظور لازم است با استفاده از ابزار رویکرد برنامه ریزی طراحی محور در سطوح آموزشی و حرفه‌ای شهرسازی، کمیت و کیفیت توسعه شهری را توانمند مدنظر قرار داد. فرایند آموزشی پیشنهادی برای سطوح محلی از ابزار چارچوب توسعه اجتماعات محلی برای هدایت و بازبینی طرح‌ها استفاده و در این نوع فرایند سیاست‌های طراحی از جمله ابزاری است که توسعه را هدایت و کنترل می‌کند. نتایج این پژوهش بر اساس چارچوب نظری تبیین شده بیان گر راهبردهایی در زمینه آموزش شهرسازی می‌باشد:

¹. Community Strategy

². Local development framework

- بازنگری و اصلاح ساختار آموزش شهرسازی و روزآمد نمودن آن در جهت پاسخگویی به نیازهای بومی و رهیافت‌های جدید علمی
- تغییر و بررسی برنامه‌ها، عناوین و محتوای دروس ارائه شده در آموزش شهرسازی در جهت تناسب کمیت و کیفیت مواد آموزشی با نیازهای توسعه شهری، برنامه ریزی شهری و طراحی شهری
- ایجاد ارتباط میان مبانی نظری برنامه ریزی و طراحی شهری در فرایند آموزشی شهرسازی کشور
- گسترش رویکرد آموزشی برنامه ریزی طراحی محور به منظور خارج شدن از شکل سنتی آموزش شهرسازی
- تقویت ارتباط، همبستگی و تطابق میان نظام آموزشی شهرسازی و حرفه‌ی شهرسازی
- بازنگری مستمر برنامه درسی در دوره‌های کارشناسی ارشد

مراجع

۱. بحرینی، سید حسین (۱۳۷۸)، تجدد، فرا تجدد و پس از آن در شهرسازی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۲. بهزادفر، م (۱۳۸۲)، ضرورت‌ها و موانع ایجاد شهر هوشمند در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۵.
۳. حبیبی، م (۱۳۸۲)، برنامه ریزی از فرآیند تفکر تا تفکر اجتماعی، مجله بنا، شماره ۱۶ و ۱۷.
۴. رهنمایی، م و شاه حسینی، س. (۱۳۸۳) فرایند برنامه ریزی شهری در ایران، تهران، نشر سمت.
۵. کالن، گ. (۱۳۸۲) گزیده منظر شهری، ترجمه منوچهر طبیبیان، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۶. گلکار، ک. (۱۳۸۱) طراحی شهری و جایگاه آن در سلسله مراتب طرح‌های توسعه شهری، انجمن صنفی مهندسان معمار و شهرساز.
۷. گلکار، ک. (۱۳۷۸) کندوکاوی در تعریف طراحی شهری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۸. عباس زادگان، م، رضوی، ح. (۱۳۸۵) اتخاذ رویکردی نوین برای طرح‌های توسعه شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۲۸.
۹. عباس زادگان، م. (۱۳۸۴) ابعاد اجتماعی و روان‌شناختی فضاهای باز شهری، مجله بین‌المللی علوم مهندسی، تهران، شماره ۱.
۱۰. لنگ، ج. (۱۳۸۶) طراحی شهری-گونه‌شناسی رویه‌ها و طرح‌ها، ترجمه حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۱. مدنی پور، ع. (۱۳۷۹) طراحی فضاهای شهری، نگرشی به فرایندی اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۱۲. ویسی، ا و قیسوندی، ا (۱۳۹۰)، "شهر هوشمند، تکوین انقلاب شهری نوین؛ شهر الکترونیک، واقعیت شهرهای فردا"، کتاب ماه هنر، شماره ۱۵۵.
۱۳. هدمن، ر و یازوفسکی، آ. (۱۳۸۱) مبانی طراحی شهری، ترجمه راضیه رضازاده و مصطفی عباس زادگان، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.
14. Abbaszadegan, M. and Vahidian Sadegh, R., (2011), Developmental Framework
15. of A Square, Mashhad, Iran, Due to its Growth, Design Principles and Practices: An International Journal, Volume 5, Issue 4, Aug, 2011.
16. Albrecht, J. (1986) "Developing Context and Purpose of Planning", Champaign, IL (School of Architecture), University of Illinois.
17. Bentley, I. (1985), Responsive Enviroment: A Manual fore Designers, Architectural Press, London.
18. Behrangi, M, et al. (2010), Report of External Evaluation, Department of Management and Educational Planning, University of Tehran
19. Castells, M. (1976), "The Urban Question", London.
20. Davidoff, P. (1965) "Advocacy & Pluralism in Planning", AIP Journal, Vol. 31, pp. 311-338.
21. Carmona, M and Punter, J and Chapman, D. (2002), from Design Policy to Design Qualit, UCL & Cardiff University.
22. Culling Worth, B. (1999), Town and Country Planning in UK, Rutledge, London,
23. Carmona, M; et.al. (2006), Public Place – Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design", New York, Elsevier.
24. Davoudi, S. (2000) "Sustainability: A New Vision for the British Planning System", Planning Perspective, 15, pp. 123-137.
25. DETR & CABE. (2000), By Design: Urban Design in the Planning System; Towards Better Practice, London, Thomas Telford.

26. Friedmann, J. (1992) "Educating the New Generation of Planners", Unpublished Paper, ACSP Conference, Columbus Ohio, p. 13.
27. Friedmann, J. (1996) "The Core Curriculum in Planning Revisited", Journal of Planning Education and Research, Vol. 15, No. 2, pp. 89-104.
28. Galloway, T. P. & Mahayni R. G. (1977) "Planning Theory in Retrospect: The process of paradigm change", AIP Journal, Pp. 62-71.
29. Hall, P. (2000) "The Century Of Modern Planning" in Freestone, Robert, Urban Planning in a Changing World: The Twentieth Century Experience, London: E & FN Spon.
30. Harvey, D. (1973) "Social Tice and City", London.
31. Kaiser (1995) "Twentieth Century Land Use Planning: A Stalwart Family Tree", Journal of APA, 61 (3).
32. Mazza, K. & Rydin, R. (1996) "Urban Sustainability: Actors, Discourses, Networks & Policy Tools", Progress in Planning.
33. Madanipour, A. (2003), Public and Private Urban Spaces, Spon Press.
34. Owen, S. E. (1994) "Limits and Sustainability: A Conceptual Framework and some Dilemmas for the Planning System", Transaction of the Institute of the British of the Geographers.
35. Overview of the history of 'urban design, (2002). refer to The Mayor's Institute on City Design in New York: Princeton Architectural Press.
36. Office of Deputy Prime Minister. Planning Policy Statement12, Local Development Framework", London, 2011/3/8, <http://www.odpm.gov.uk>.
37. Office of Deputy Prime Minister, Planning Policy Statement12, Creating Local Development Frameworks A Companion guide to PPS12, London, 2011/3/8, <http://www.odpm.gov.uk>
38. Perloff, H.S. (1957) "Education for Planning: City, State and Regional", Published for Resources for the future, Inc. Baltimore, The Johns Hopkins Press.
39. Perfect, M. (1997), Planning for Urban Quality", Rutledge, Taylor and Francis Group, London.
40. Rydin, Y. (1995) "Sustainability Development and the Role of Land Use Planning", Report.
41. Sandercock, L. (1999) "Expanding the Language of Planning: A Meditation on Planning Education for the 21st Century", European Planning Studies, Abingdon: Vol. 7, pp. 528-533.
42. Urban Task Force. (1999), Towards an Urban Renaissance", Department of Environment, Transportation and the Regions, London.

ضرورت انجام مطالعات اِتا برای پروژه‌ها و طرح‌های شهری

محمد رضا چیت ساز^۱، ناهید زرگرسرای^۲

۱- دکترای مطالعات فرهنگی (استاد دانشگاه تربیت مدرس)،

۲- دکترای طب کار

chitsaz_awan@yahoo.com

چکیده

هر پروژه شهری که به اجرا درمی‌آید، صرف نظر از موضوع آن، آثار و پی‌آمدهایی به دنبال خواهد داشت. اِتا، علمِ چگونگی ارزیابی آثار مثبت ناشی از پروژه‌ها و به کارگیری روش‌هایی علمی جهت گسترش و افزایش این آثار مثبت است. البته اهمیت و ارزش اِتا در وظیفه‌ی دیگر اوست که همانا، علمِ چگونگی ارزیابی آثار منفی پروژه‌ها و به کارگیری روش‌هایی علمی جهت کاستن و یا محدود کردن آن آثار است. به این روش علمی، پیوست فرهنگی یا ارزیابی تأثیرات اجتماعی می‌گویند، اما متخصصین این فن در ایران، بیشتر از واژه اِتا استفاده می‌کنند که از پیوستن حروف ابتدای ارزیابی تأثیرات اجتماعی، پدیدآمده است. در انگلیسی به آن SIA می‌گویند که مخفف Social Impact Assessment یعنی ارزیابی تأثیرات اجتماعی است. در کشورهای پیشرفته صنعتی، اِتا از حدود سال ۱۳۶۹ ش/م، به صورت جدی مورد استفاده مدیران پروژه‌های شهری و عمرانی قرار گرفته است. اما اِتا در ایران از سال ۱۳۸۶ توسط شهرداری تهران به کار گرفته شد و اینک شهرهای بزرگی در ایران مانند تهران، اصفهان، مشهد، اهواز، قزوین، شیراز و مانند آن، چند سالی است که پروژه‌ها و طرح‌های شهری خود را به همراه پیوست فرهنگی، انجام می‌دهند. کلان شهر کرج، که از آن با عنوان ایران کوچک یاد می‌شود، طی سال‌های اخیر، رشدی همه جانبه داشته است. این رشد، بویژه پس از آن که این شهر، به مرکزیت استان البرز ارتقاء یافت، اهمیتی دوچندان یافت. این مقاله با عنوان ضرورت انجام مطالعات اِتا برای پروژه‌ها و طرح‌های شهری، به دنبال آن است که ضمن توجه دادن مدیران ارشد شهر کرج و استان کرج، در خصوص اهمیت و لزوم انجام مطالعات اِتا برای پروژه‌ها و طرح‌های شهری، تجربیات مفید و عملیاتی بدست آمده در این مورد را که طی سال‌های اخیر، در تهران و سایر شهرهای بزرگ، با صرف هزینه‌های قابل توجه ریالی، علمی و زمانی، فراهم شده است، برای منطقه ایران کوچک، با عنوان، تأکیدات موکد، پیشنهاد نماید. این مقاله دارای یک پیش‌گفتار و ۵ بخش است.

واژه‌های کلیدی: اِتا، پروژه‌های شهری، تأثیرات اجتماعی، کرج

مقدمه

از دیرباز برای ساخت پروژه‌های شهری، تمرکز جدی و اصلی بر مباحث فنی و اقتصادی بوده است و بدین ترتیب، نسبت به ماهیت اجتماعی و تأثیرات گسترده‌ای که می‌تواند این پروژه‌ها بر محیط اجتماعی و زیستی داشته باشد، بی‌تفاوتی وجود داشته است. تقریباً عموم پروژه‌های شهری با عدم نگرانی یا بی‌توجهی و یا لاقط کم‌توجهی تصمیم‌گیران، نسبت به پی‌آمدهای اجتماعی و زیست محیطی آنها همراه بوده است. ممکن است پرسیده شود که اصلاً چرا باید نگرانی وجود داشته باشد، بویژه هنگامی که می‌خواهیم یک مدرسه یا مثلاً یک پارک بسازیم، دیگر نگرانی چرا باید باشد، کافی است، زمین و سرمایه لازم و نقشه‌ها، آماده باشد، آن وقت به سرعت دست به کار خواهیم شد تا خدمت رسانی به مردم آن محله و منطقه را، زودتر به مرحله اجرا درآوریم. باید دانست که، اشکال اصلی و اساسی هم، از همین جا آغاز می‌شود. هنگامی که یک یا چند نفر مدیر، تصمیم‌ساز و یا تصمیم‌گیر، در، نبود یا کمبود اطلاعات و آمارهای کلیدی، لازم و ضروری، دست به اقدامات عملیاتی در زمینه

اجرای پروژه‌های شهری و غیرشهری می‌زنند. این‌گونه تصمیم‌گیری‌ها و در حقیقت، نگاه به جامعه و اجتماع شهری و روستایی، نه تنها دیگر کارساز نیست، که معضلات و مشکلات بسیاری را نیز، برای جوامع امروزی پدید می‌آورد. اولین و مهم‌ترین اشکالی که این نوع نگاه مدیریتی دارد، آن است که اجزای به هم پیوسته و وابسته اجتماع انسانی و نیز محیط طبیعی را، به صورتی جدا جدا، مُنفک و بی‌ارتباط و یا حداقل کم‌ارتباط با هم، قلمداد می‌کند. در این وضعیت است که، موضوعات مهم و ضروری حیات اجتماعی و طبیعی، به فراموشی سپرده می‌شوند. موضوعات مهمی که با راه‌اندازی و بهره‌برداری پروژه‌ای جدید، واکنش نشان داده و با شدت و ضعف‌هایی، تغییر می‌یابند، مانند: بار ترافیکی، رفاه و سلامت، شیوه زندگی، امنیت اجتماعی و انتظامی، هویت و تعلق محله‌ای و فرهنگی، معیشت، اشتغال و کسب و کار، به‌سازی و نوسازی بافت‌های فرسوده، منظر شهری، روابط خانوادگی، نظام همسایگی، تعارضات اجتماعی، زیرساخت‌های اجتماع، جمعیت و ترکیب جمعیتی، شبکه‌های اجتماعی، ساختار قدرت، فراغت و تفریح، نابرابری اقتصادی و اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی و زیست محیطی، قیمت املاک، خدمات و کالا، میراث فرهنگی، تاریخی و گردشگری، پی‌آمدهای خاص و مانند آن. نادیده گرفتن این مسائل مهم، که اغلب آنها ضمن استقلال موضوعی، با دیگر مسائل اجتماعی، ارتباطی تنگاتنگ، معنادار و موثر دارند، در طراحی، اجرا و بهره‌برداری پروژه‌ها و طرح‌های شهری و غیر شهری، ضمن کاستن از فواید و امتیازات آن پروژه، معضلات و مشکلات پیدا و پنهان قابل توجهی را به اجتماع انسانی و محیط طبیعی، تحمیل ساخته است. معضلات و مشکلاتی که آثار منفی‌یشان، هزینه‌های مادی و غیرمادی گزاف و گاه غیرقابل جبرانی را، باعث گردیده، هدر رفتن سرمایه‌های ملی، شهری و محله‌ای شهروندان را، در پی داشته است. در مدیریت‌های جدید اما دیگر، تصمیم‌سازی و اجرای عملیات و راه‌اندازی پروژه‌ها به شیوه آزمون و خطا و یا تنها با در دست داشتن حداقل اطلاعات و با نگاهی جزئی‌نگر، بسته و محدود، امکان پذیر نیست. زمان آن فرا رسیده تا با استفاده دقیق از تجربیات تلخ و شیرین گذشته و با به کار بردن روش‌هایی علمی، تایید شده، همه جانبه نگر، پویا، موثر، پایدار و البته بومی شده، اقدامات عملیاتی را در حوزه شهری و در راستای توسعه پایدار، به اجرا درآورد. بدین ترتیب در محیطی انسانی‌تر و طبیعی‌تر، فرصت‌های جدیدتر و تازه‌تری پدید خواهد آمد تا توسعه اجتماعی را با توسعه اقتصادی هماهنگ نموده و این دو را در راستای حفظ محیط طبیعی، همراه سازد (Finsterbusch, Wolf, 1981: xiv ; ICGPSIA, 2003: 231-251 ; Berube, 2007: 101-109).

۱- بخش اول: ما اِتا نمی‌خواهیم

۱-۱- مقدمه

شاید گفته شود که در ابتدا لازم است تا، اِتا و روش‌های انجام آن، بازگو گردد و سپس به بیان نظریات مخالفین با انجام اِتا پرداخته شود، اما از آنجا که در پیش‌گفتار، اِتا و موضوعات مرتبط با آن، تا حدودی روشن گردید، لذا در اینجا، به همین اندازه از شناخت کلی اِتا اکتفا کرده، به بیان دیدگاه‌های مخالف با انجام اِتا پرداخته می‌شود. در بخش بعدی، البته اِتا و چگونگی مراحل اجرایی آن، با جزئیات بیشتری مورد بررسی قرار خواهد گرفت. باید دانست که بستر اجرا و توسعه اِتا در ایران با موانع متعددی روبه‌رو بوده که برخی از آنها، هنوز در ایران و کشورهای دیگر نیز وجود دارند و از موانع کلی توسعه اِتا به شمار می‌آیند (Rickson, Burdge, Hundloe, McDonald, 2004: 255-266 ; Burdge, 2002: 3-9). هنوز در گفته‌های مدیران و مجریانی که اغلب، رویکردهای فنی دارند و مایل‌اند، فایده اقتصادی مداخلات توسعه‌ای را در اولویت اول قرار دهند، در مواجهه با لزوم اِتا یا همان، ارزیابی تأثیرات اجتماعی و زیست محیطی ناشی از اجرای پروژه‌ها، نوعی تقابل و ایستادگی و عدم پذیرش، دیده می‌شود. این واکنش‌ها، می‌تواند ناشی از عوامل زیر باشد.

۱-۲- تأثیرات اجتماعی، کم‌اهمیت و قابل چشم‌پوشی‌اند

در این تصور، تأثیرات اجتماعی، کوچک و کم‌اهمیت دانسته شده و لذا قابل چشم‌پوشی خواهند بود. برنامه‌ریزان توسعه و مدیران اجرایی پروژه‌ها که اغلب به رویکردهای فنی مجهزند، در بسیاری از موارد، فاقد توانایی و ابزار علمی مناسب جهت درک دقیق و صحیح و به موقع تأثیرات اجتماعی و چرخه پیچیده اثرگذاری آنها بر کُند و یا گاه متوقف کردن فرآیندهای توسعه‌ای‌اند. این گروه، به ابزارهای مفهومی و فرهنگ سازمانی خاصی که به این عوامل اهمیت بدهند، مجهز نیستند و از طرفی، فضای بوروکراسی اداری، که آنان را به غیرپاسخگو بودن، عادت داده است، این تمایل آنان را به چشم پوشیدن از مطالعات اِتا، تقویت می‌نماید (Burdge, 2002: 3-9 ; Rickson, Burdge, Hundloe, McDonald, 2004: 255-266).

۳-۱- تأثیرات اجتماعی، ساده، آشکار و غیر تخصصی‌اند و شناسایی آنها نیازی به مطالعات اِتا ندارد

برخی بر این باورند که چون در جامعه زندگی می‌کنند و از طرفی چون مسائل و مفاهیم اجتماعی، ساده، آشکار و غیر تخصصی‌اند، لذا شناسایی آنها نیازی به مطالعات و دانش ویژه نداشته و همگان، این توانایی و دانش را دارند که به شکل دقیق و تخصصی، درباره مسایل اجتماعی اظهار نظر کرده، آنها را مورد شناسایی و تجزیه و تحلیل قرار دهند. این افراد، تقریباً تفاوتی میان محیط‌های اجتماعی گوناگون، قائل نبوده و توجهی به این موضوع مهم ندارند که هر محیط اجتماعی، ویژگی‌های بومی خود را داشته و شاخصه‌های گاه منحصر به خود را داراست، ویژگی‌های و شاخصه‌هایی که تنها از طریق پژوهش اجتماعی و مطالعات دقیق و تخصصی اِتا، آشکار می‌گردد. در بخش بعدی، خواهیم دید که انجام مطالعات اِتا، کاری تیمی و بین رشته‌ای است و لذا انجام آن صرفاً توسط یک یا چند متخصص اجتماعی یا حتی جامعه شناس، امکان پذیر نیست، بلکه تخصص‌های متنوع و گوناگونی در به ثمر رسیدن مطالعات اِتا، دخالت دارند (فاضلی، ۱۳۸۹: ۲۰۳-۲۰۴).

۴-۱- تأثیرات اجتماعی آن قدر پیچیده‌اند که قابل اندازه‌گیری دقیق نیستند

این تصور، نقطه مقابل تصور پیشین است. تصویری که در آن، تأثیرات اجتماعی آن قدر پیچیده، قلمداد شده‌اند که دیگر قابل اندازه‌گیری دقیق نیستند. باید دانست که پیچیدگی تأثیرات اجتماعی البته موضوعی درست و اثبات شده است اما همواره روش‌ها، شاخص‌ها و ابزارهایی برای سنجش نسبتاً دقیق تأثیرات اجتماعی وجود داشته و دارد که با به کار بستن آنها توسط محققین اِتا، می‌توان، موضوعات مفهومی و کیفی را، البته با درصد خطایی کم و قابل قبول، به ارقام و اعداد ریاضی قابل درک و اندازه‌گیری، تبدیل نمود (Baines et al, 2003: 187-194 ; Brown et al, 2003: 205-213).

۵-۱- انجام دادن مطالعات اِتا، هزینه‌های انجام پروژه را، بی‌مورد، افزایش می‌دهد

این تصور بر آن است که انجام دادن مطالعات اِتا، هزینه‌های انجام پروژه را، بی‌مورد، افزایش می‌دهد و هزینه‌های انجام شده برای مطالعات اِتا، نتیجه مناسب را در بر نخواهد داشت. بخش ابتدایی این تصور البته درست است زیرا انجام مطالعات اِتا، هزینه بر خواهد بود، اما بر اساس آمارهای انجام گرفته، این افزایش، تنها بین ۱/۵ تا ۲ درصد خواهد بود. اما نکته مهم و حیاتی آن است که، افزایش ۱/۵ تا ۲ درصدی هزینه‌های اِتا، در بسیاری از موارد، ضمن آن که باعث کاهش بسیاری از هزینه‌های دیگر و گراف پروژه خواهد شد، اثرات منفی و مخرب ناشی از اجرای پروژه را نیز، به حداقل رسانده، سبب تقویت و افزایش آثار مثبت پروژه در سطح محله، ناحیه، منطقه و شهر می‌شود (Burdge, 2003: 228 توماس، ۱۳۸۵: ۳۳).

۶-۱- انجام دادن مطالعات اِتا، مدت زمان انجام پروژه را، بی‌مورد، افزایش می‌دهد

این که طول زمان اجرای بسیاری از پروژه‌ها، با تاخیر روبروست، امری است که به عوامل گوناگون و متنوعی مربوط است و البته ربطی به انجام مطالعات اِتا نخواهد داشت، زیرا بسیاری از پروژه‌هایی که مطالعات اِتا در آنها انجام نشده است نیز، با تاخیرات مختلفی روبرو بوده و هست. از طرفی باید توجه داشت، در صورتی که انجام مطالعات اِتا با فرآیند برنامه ریزی همراه باشد، اِتا خواهد توانست، برای بسیاری از مقاومت‌های مردمی و یا تأثیرات اجتماعی پیش بینی نشده‌ای که در تقابل با اجرای پروژه قرار می‌گیرند و سبب تاخیر در انجام پروژه می‌شوند، با ارایه راه کارهای مناسب و عملیاتی، ضمن حل مشکل، از تاخیر زمان انجام پروژه نیز، بکاهد. از طرفی در مطالعات اِتا، به تبعات و تأثیرات کلی و جزئی که در حین اجرای پروژه، پیش می‌آید توجه لازم شده و هر چند روز، گزارشی کوتاه و مفید در دو یا سه صفحه که بیانگر مشکلات و ارایه راه کارهای برون رفت از آن مشکلات است، توسط گروه مطالعات اِتا تهیه شده و در اختیار کارفرمایان قرار می‌گیرد (Harrison, Thomas, 2003: 157 ; فاضلی، ۱۳۸۹: ۲۰۴-۲۰۵).

۷-۱- مدیران فنی و اقتصادی، دانش و تجربه کافی داشته و لذا نیازی به مطالعات اِتا ندارند

برخی از تصمیم سازان، برنامه‌ریزان توسعه و مدیران اجرایی پروژه‌ها، که اغلب به رویکردهای فنی و اقتصادی مجهزند، مراحل مختلف یک پروژه را، از طراحی تا ساخت و بهره‌برداری آن، صرفاً اقداماتی در حوزه‌های فنی و اقتصادی دانسته و معتقدند با دانش و تجربه کافی که

دارند، همین که پروژه‌ای را از نظر فنی و تکنیکی، به مرحله پایانی آن برسانند، کار تمام شده تلقی شده و موضوع مهم دیگری برای بررسی و مطالعه، باقی نمی‌ماند. در نگاه این افراد، تاثیرات اجتماعی، ارتباط مستقیمی با موضوع پروژه آنها نداشته و لذا انجام مطالعاتی تحت عنوان اِتا، غیر لازم و بی مورد است. نادرستی این نگاه، اکنون کاملاً ثابت شده است (DeTombe, 1994: 7-29 ; Ibid, 1999: 119-128)؛ بکر، ونگلی، ۱۳۸۸: ۳۶۵-۳۶۹.

۸-۱- انجام مطالعات اِتا، به معنای افزایش احتمال لغو اجرای پروژه است

واقعیت این است که مطالعات اِتا به ندرت سبب لغو برخی اقدامات توسعه‌ای^۱ شده است. باید دانست که مطالعات اِتا، در وهله اول و در اغلب موارد باعث بهبود در طراحی و یا در پیش گرفتن سیاست‌های تعدیل و جبران است، اما اگر اقدامات توسعه‌ای دارای چنان تاثیرات منفی شدیدی باشند که لغو آنها، ضروری به نظر برسد، چرا باید از این کار، طفره رفت. به هر حال، بر اساس آمارهایی که از انجام مطالعات اِتا در داخل و خارج از ایران، منتشر شده است، باید گفت مطالعات اِتا، توانسته است با اقدامات توسعه‌ای که تاثیرات منفی و مخربی دارند، نه با لغو آنها بلکه با سیاست‌های جبرانی و تعدیلی، ضمن اجرای پروژه، آثار تخریبی ناشی از آنها را به حداقل برساند (اروین، ۱۳۸۶: ۲۲۶).

۲- بخش دوم: اِتا چیست و اِتا کار چیست

۲-۱- مقدمه

هر پروژه شهری یا غیر شهری که به اجرا درمی‌آید، صرف نظر از موضوع آن، آثار و پی‌آمدهایی به دنبال خواهد داشت. اِتا، علمِ چگونگی ارزیابی آثار مثبتِ ناشی از پروژه‌ها و به کارگیری روش‌هایی علمی جهت گسترش و افزایش این آثار مثبت است. البته اهمیت و ارزش اِتا در وظیفه‌ی دیگر اوست که همانا، علمِ چگونگی ارزیابی آثار منفیِ پروژه‌ها و به کارگیری روش‌هایی علمی جهت کاستن و یا محدود کردن آن آثار است. این مطالعات در برهه‌های زمانی پیش از اجراء، حین اجراء و پس از بهره‌برداری پروژه‌ها، انجام می‌شود. به این روش علمی، اغلب، پیوست فرهنگی یا ارزیابی تاثیرات اجتماعی می‌گویند، اما متخصصین این فن در ایران، بیشتر از واژه اِتا استفاده می‌کنند که از به هم پیوستن حروف ابتدای واژه‌های ارزیابی تاثیرات اجتماعی، پدیدآمده است. در انگلیسی به آن SIA می‌گویند که مخفف Social Impact Assessment یعنی ارزیابی تاثیرات اجتماعی است. باید دانست که، عدالت، مشارکت، شفافیت و مسئولیت‌پذیری، چهار ارزش اساسی در ارزیابی تاثیرات اجتماعی است. اما چرا عدالت مهم است؟ در ارزیابی تاثیرات اجتماعی، ایده محوری آن است که هر پروژه یا اقدام توسعه‌ای می‌تواند برندگان و بازندگان داشته باشد. عده‌ای از مردم برای احداث یک پروژه ممکن است ناگزیر به مهاجرت از محل زندگی خود شوند. عده‌ای دیگر محل کسب‌شان تهدید شود و در مقابل، بر قیمت املاک عده‌ای دیگر افزوده شود. به کمک ارزیابی تاثیرات اجتماعی می‌توان منافع برندگان و بازندگان را به هم نزدیک کرد، به گونه‌ای که همه به طور عادلانه از منافع هر اقدام توسعه‌ای بهره‌مند شوند. ارزیابی تاثیرات اجتماعی که در ایران با عنوان پیوست فرهنگی یا اِتا، معروف شده است در واقع ارزیابی همین تبعات و پی‌آمدهای سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای است. روشن است که وجود کلمه «اجتماعی» در ارزیابی تاثیرات، نشان می‌دهد که حیطه مطالعات، همانا اجتماع و مردم‌اند. در واقع، هدف اصلی ارزیابی تاثیرات اجتماعی، بررسی ظرفیت‌های اجتماعی، پذیرش پروژه‌های شهری، بررسی دلایل ضعف یا قوت این ظرفیت‌ها و در نهایت، ارایه سازوکارهای علمی برای تقویت پذیرش اجتماعی و مشارکت بیشتر شهروندان در پروژه‌های شهری است. مهم‌ترین مزیت انجام مطالعات اِتا، پیش از آغاز فاز عملیاتی یک پروژه، پیش‌بینی پی‌آمدهای ناخواسته و غیر قابل انتظار برای مسئولان است. روشن است که مواجهه با پی‌آمد های ناخواسته، همیشه ریسک‌های فراوانی را متوجه تصمیم‌گیران و مجریان خواهد کرد، هزینه‌های بسیاری را بر آنان تحمیل می‌کند و حتی ممکن است کلیت یک ساختار سیاسی، اداری یا اقتصادی را دچار مخاطره نماید. بر مبنای آن چه گفته شد می‌توان گفت اِتا پژوهشی بین‌رشته‌ای با محوریت علوم اجتماعی است که می‌کوشد با سهیم شدن در همه مراحل برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی نتایج اقدامات توسعه‌ای، سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها، شناخت معتبری از تغییراتی که این اقدامات در محیط طبیعی و اجتماعی ایجاد می‌کنند ارایه داده، پیش از اجرا شدن اقدامات توسعه‌ای، تاثیرات اجتماعی ناشی از اجرای آن‌ها را برآورد نماید. هم‌چنین اِتا می‌کوشد شرایط اجتماعی موفقیت اقدامات توسعه‌ای را مطالعه کرده، تاثیرات منفی

^۱. No-Action Alternative

این اقدامات را پیش‌بینی نموده، راه‌کارهایی عملی و عملیاتی، برای حذر کردن یا کاستن از تأثیرات منفی و تقویت تأثیرات مثبت ارایه دهد (Becker, 1997: 2 ; ICGPSIA, 1994: 1-3 ; Ibid, 1995: 11-13).

۲-۲- روند شکل‌گیری مطالعات اِتا در جهان

موضوع ارزیابی واکنش اجتماعات انسانی، نسبت به مداخلات و اقداماتی که بر مدار سیاست‌های توسعه‌ای انجام می‌شوند، جدید نیست. تصویب قانون ملی سیاست زیست‌محیطی^۱ ایالات متحده در سال ۱۳۴۸ ش/۱۹۶۹ م، ارزیابی اثرات محیطی هر برنامه و پروژه‌ای را برای مداخلات توسعه‌ای الزامی ساخت. هنگامی که قرار شد خط لوله‌ای در آلاسکا ایجاد شود، یکی از بخش‌های اصلی گزارشی که بر اساس قانون فوق تهیه شد، به بررسی تأثیرات این خط لوله بر فرهنگ بومیان آن منطقه می‌پرداخت. از آن زمان به بعد، بحث درباره مسائل اجتماعی فرهنگی، به یکی از عناصر اصلی در ارزیابی تأثیرات طرح‌های توسعه بدل شد. در سال ۱۳۴۹ ش/۱۹۷۰ م، پس از آن که بعد از کش و قوس‌های فراوان، مجوز احداث خط لوله آلاسکا صادر شد، یکی از رهبران محلی اسکیموها از مجریان پروژه پرسید: «اکنون که مشکلات زمین یخ بسته و گوزن‌های شمالی این منطقه را حل کردید و دانستیم که با نفت داغ چه کنیم، تغییر رسوم و شیوه زندگی مردم من چه می‌شود؟» این پرسش، بسیاری را به این فکر واداشت تا به آثار پروژه‌های توسعه‌ای بر زندگی جاری مردم توجه بیشتری کنند. نتیجه این توجهات، شکل‌گیری و گسترش ادبیات ارزیابی تأثیرات اجتماعی (SIA)^۲ در کشورهای صنعتی طی حدود نیم سده اخیر بوده است. ارزیابی پی‌آمدهای اجتماعی در طول دهه ۱۳۶۰ ش/۱۹۸۰ م، رشد کرد و با اقبال ویژه‌ای در کشورهای استرالیا و نیوزلند، جایی که طرح‌های توسعه‌ای گسترده‌ای بر روی اراضی طبیعی اجرا می‌شد، مواجه گردید. در سال ۱۳۶۰ ش/۱۹۸۱ م، انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیرات اجتماعی (IAIA)^۳ شکل گرفت و تا پایان دهه ۱۳۶۰ ش/۱۹۸۰ م، سازمان‌های بین‌المللی دیگر، نظیر اتحادیه اروپا و بانک جهانی، «بیانیه ارزیابی نتایج زیست‌محیطی» که بررسی ابعاد اجتماعی را نیز در بر می‌گرفت، پذیرفته و در طرح‌های خود به کار بستند (Burdge, 2002: 3-9 ; Ibid, 2004: 4-8 ; Bond et al, 1999: 157-164 ; Freudenberg, 1986: 451-). 478 ; فاضلی، ۱۳۸۹: ۲۰۵-۲۰۸ ; روچ، ۱۳۸۷: ۳۹-۴۱).

۲-۳- روند شکل‌گیری مطالعات اِتا در ایران

شورای اسلامی شهر تهران، بر اساس مصوبه شماره ۱۶۰/۹۲۴/۱۰۳۵۹ در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۸۶ برای کنترل و یا کاهش معضلات زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی زندگی شهری، شهرداری تهران را موظف نمود تا جهت طرح‌ها و پروژه‌هایی که مطالعات زیست محیطی و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی آنها انجام نشده است، از محل اعتبارات همان پروژه، اقدام به تهیه «پیوست فرهنگی» نماید. سه ماه بعد، مقام معظم رهبری در سخنان خود خطاب به شورای عالی انقلاب فرهنگی، در تاریخ ۱۷ آذر ۱۳۸۶ لزوم توجه و الزام به انجام «پیوست فرهنگی» را برای کلیه پروژه‌ها، گوشزد نمودند. به این ترتیب، شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۶۱۸ و در تاریخ ۲ بهمن ۱۳۸۶ «لزوم پیش‌بینی پیوست فرهنگی برای طرح‌های اقتصادی و عمرانی» را تصویب نمود. این شورا در تاریخ ۲۴ بهمن ۱۳۸۶ طی ابلاغیه شماره ۵/۷۰۷۷ د.ش، مقرر نمود، تمامی دستگاه‌های اجرایی کشور این مصوبه را اعمال نمایند. پنج ماه پس از این مصوبه، محمدباقر قالیباف شهردار تهران، در تاریخ ۳۱ تیر ۱۳۸۷ «لزوم تهیه پیوست اجتماعی فرهنگی» را به واحدهای تابعه شهرداری تهران ابلاغ نمود. استدلال بر آن بوده است که تهیه پیوست اجتماعی و فرهنگی طرح‌ها و پروژه‌های شهری که سالانه توسط بخش‌های مختلف شهرداری تهران طراحی، تصویب و اجراء می‌گردد، می‌تواند منجر به حذف یا کاهش چشمگیر پی‌آمدهای منفی و ناخواسته برای شهر و شهروندان تهرانی شود. در این مدت، معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، گام‌های مثبتی در جهت غنی‌تر کردن ایده ارزیابی تأثیرات اجتماعی در مجموعه شهرداری تهران به طور خاص و در کل کشور به طور عام، برداشته است. در سال ۱۳۸۷ اولین کتاب در زمینه مبانی نظری و دستورالعمل‌های اجرایی مطالعات اِتا توسط معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، انتشار یافت. در همان سال و سال بعد، اولین دوره‌های آموزشی چگونگی مطالعات اِتا برای محققین واجد شرایط در تهران و با کمک محققین دانشگاهی اِتاکار، برگزار شد. سال ۱۳۸۸ کتابچه آموزشی و کارگاهی در زمینه انجام مطالعات اِتا توسط معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، منتشر گردید. از همین سال، مطالعات اِتا و تهیه پیوست فرهنگی پروژه‌های شهرداری تهران توسط محققین واجد

1. National Environmental Policy Action (NEPA)

2. Social Impact Assessment(SIA)

3. International Association for Impact Assessment(IAIA)

شرایط انجام اِتا به صورت جدی آغاز شد. در سال ۱۳۸۹ش/۲۰۱۰م، اولین دوره آموزشی بین المللی مطالعات اِتا در تهران توسط انجمن بین المللی ارزیابی تأثیرات اجتماعی، برگزار گردید. در همان سال، در ۲۸ و ۲۹ مهرماه، نخستین همایش ملی ارزیابی تأثیر اجتماعی (سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها) توسط معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران و با کمک انجمن جامعه شناسی ایران و تعدادی از دانشگاه‌ها، وزارت‌خانه‌ها و نهادهای علمی و اجرایی دیگر، در دانشگاه شهید بهشتی تهران، برگزار شد. به موازات این اقدامات، در ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه کشور، از سوی مقام معظم رهبری خطاب به ریاست جمهور (فصل امور فرهنگی، بند ۱) و همچنین در لایحه نهایی برنامه پنجم توسعه کشور (فصل اول، ماده ۲) اهمیت و لزوم انجام «پیوست فرهنگی» گوشزد شده است. در ابلاغ بخش‌نامه بودجه سال ۱۳۹۰ از سوی معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهور به تمامی دستگاه‌های اجرایی کشور (بخش دوم، بودجه سرمایه ای، بند «و») بر تهیه «پیوست فرهنگی» طرح‌ها تأکید شده است. طی سال‌های اخیر مطالعات اِتا نه تنها در تمامی مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران به اجرا درآمده است بلکه در شهرهای دیگری چون اصفهان، مشهد، شیراز، قزوین، اهواز، بوشهر و ... نیز، آغاز شده است (فاضلی، ۱۳۸۹: ۶۲-۶۴).

جدول شماره ۱ رخدادهای مهم در تاریخ ارزیابی زیست محیطی و اِتا

(Burdge, 2004: 6; فاضلی، ۱۳۸۹: ۶۲-۶۴)

سال	رخدادهای مهم در تاریخ ارزیابی زیست محیطی و اِتا
۱۳۴۸ش/۱۹۶۹م	تصویب قانون ملی سیاست زیست محیطی آمریکا
۱۳۴۹ش/۱۹۷۰م	اعتراض به صدور مجوز ساخت خط لوله انتقال نفت آلاسکا
۱۳۵۰-۵۵ش/۷۶-۱۹۷۱م	تعیین ملزومات اِتا و ارزیابی زیست محیطی در دادگاه‌های آمریکا
۱۳۵۲ش/۱۹۷۳م	الزامی شدن ارزیابی زیست محیطی در کانادا
۱۳۵۹ش/۱۹۸۰م	انتشار اولین شماره مجله ارزیابی زیست محیطی و اِتا (EIAR)
۱۳۶۰ش/۱۹۸۱م	تاسیس انجمن بین المللی ارزیابی تأثیرات اجتماعی (IAIA)
۱۳۶۱ش/۱۹۸۲م	برگزاری اولین کنفرانس بین المللی اِتا در ونکوور کانادا
۱۳۶۵ش/۱۹۸۶م	بانک جهانی، ارزیابی زیست محیطی را برای کلیه وام‌ها الزامی می‌کند
۱۳۶۸ش/۱۹۸۹م	اتحادیه اروپا، ارزیابی زیست محیطی را برای کلیه اعضا الزامی می‌سازد
۱۳۷۱ش/۱۹۹۲م	برگزاری کنفرانس زمین در ریودوژانیروی برزیل
۱۳۷۲ش/۱۹۹۳م	اِتا به عنوان بخشی از ارزیابی زیست محیطی (EIA) در آمریکا الزامی می‌شود
۱۳۷۸ش/۱۹۹۹م	انتشار راهنمای انجام مطالعات اِتا توسط بانک جهانی، برای انجام طرح‌های بانک
۱۳۷۹ش/۲۰۰۰م	انتشار راهنمای انجام اِتا توسط اتحادیه اروپا
۱۳۸۲ش/۲۰۰۳م	انتشار نسخه بازنگری شده راهنمای انجام اِتا در آمریکا
۱۳۸۲ش/۲۰۰۳م	انتشار اولین نسخه اصول بین المللی اِتا توسط انجمن بین المللی ارزیابی تأثیرات اجتماعی
۱۳۸۶ش/۲۰۰۷م	شورای شهر تهران خطاب به شهرداری: الزامی بودن مطالعات اِتا برای تمامی پروژه‌های شهرداری
۱۳۸۶ش/۲۰۰۷م	رهبر انقلاب خطاب به شورای عالی انقلاب فرهنگی: الزامی بودن مطالعات اِتا برای تمامی پروژه‌ها
۱۳۸۷ش/۲۰۰۸م	ابلاغیه شهرداری تهران به تمامی واحدهای تابعه: الزامی بودن مطالعات اِتا برای تمامی پروژه‌ها
۱۳۸۷ش/۲۰۰۸م	انتشار اولین کتاب در زمینه مطالعات اِتا توسط معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران
۱۳۸۷-۸۸ش/۹-۲۰۰۸م	آغاز برگزاری دوره‌های آموزشی مطالعات اِتا برای محققین واجد شرایط در تهران
۱۳۸۸ش/۲۰۰۹م	انتشار اولین کتابچه آموزشی در زمینه انجام مطالعات اِتا توسط معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران
۱۳۸۸ش/۲۰۰۹م	آغاز انجام مطالعات اِتا و تهیه پیوست فرهنگی پروژه‌های شهرداری تهران توسط محققین واجد شرایط اِتا
۱۳۸۹ش/۲۰۱۰م	برگزاری اولین دوره آموزشی بین المللی مطالعات اِتا در تهران توسط انجمن بین المللی ارزیابی تأثیرات اجتماعی
۱۳۸۹ش/۲۰۱۰م	برگزاری نخستین همایش ملی ارزیابی تأثیر اجتماعی (سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها) در ایران، توسط معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران و با کمک انجمن جامعه شناسی ایران و نهادهای دیگر
۱۳۸۹-۹۰ش/۱۱-۲۰۱۰م	آغاز انجام مطالعات اِتا و تهیه پیوست فرهنگی پروژه‌های شهرهای دیگر توسط محققین واجد شرایط اِتا

۲-۴- چگونگی ارزیابی نیاز به اتای یک پروژه

دو پرسش اساسی در این مورد وجود دارد. آیا همه طرح‌ها و پروژه‌ها، نیازمند به مطالعات اتا هستند؟ چگونه سطح لازم و ضروری برای مطالعات اتای یک پروژه، از نظر برآورد هزینه‌های زمانی، ریالی، تخصص‌های لازم انسانی و مانند آن، تعیین می‌گردد؟ باید دانست که، سازمان‌ها و نهادهای مختلف، بنا به ماهیت اقداماتشان می‌توانند، با مشاوره گرفتن از متخصصین اتا، شاخص‌هایی برای داوری درباره ضرورت انجام یا عدم انجام مطالعات اتای طرح‌ها و پروژه‌های خود، تنظیم کنند. در این کار، باید منابع اجتماع، سازمان اجتماعی و شاخص‌های کیفیت زندگی، مورد توجه قرار داشته باشند و این نکته نیز، مد نظر قرار گیرد که تاثیرات، از نظر چرخه عمر اقدام، در چهار مرحله، مد نظر قرار خواهند گرفت:

- مرحله تاسیس و احداث
- مرحله نوسازی و بازسازی
- مرحله توسعه و تجهیز
- مرحله جمع‌آوری و حذف

باید توجه داشت که برخی از اقدامات و برنامه‌ها، حتی پیش از آن که به اجرا درآیند، می‌توانند تاثیرات خود را در جامعه مورد نظر، بوجود آورند، مانند خبر و اطلاع رسانی در خصوص ساخت یک خیابان اصلی در بافتی سنتی و کوچک و یا افزایش یا کاهش میزان تراکم ساخت در مناطق شهری و روستایی. کارشناسان اتا بسیاری از موضوعات مهم زندگی اجتماعی را که یک اقدام توسعه‌ای می‌تواند بر آنها تاثیر داشته باشد، در ۱۸ شاخص، تعیین و تبیین نموده‌اند. هر اقدام توسعه‌ای، با توجه به ویژگی‌هایش، می‌تواند تاثیراتی با سه سطح شدت زیاد، متوسط و کم، بر هر یک از این ۱۸ شاخص، داشته باشد. با بررسی و پژوهش اسنادی، تحقیقات میدانی و مطالعات تطبیقی بر روی پروژه‌ای خاص، به هر یک از شاخص‌های ۱۸ گانه مذکور، عددی تعلق خواهد گرفت. این عدد، برای سطح تاثیرات با شدت زیاد، از ۱۳ تا ۱۸، برای سطح تاثیرات با شدت متوسط، از ۷ تا ۱۲ و برای سطح تاثیرات با شدت کم، از ۱ تا ۶ خواهد بود. پس از این مرحله، و بر اساس اعداد جدول، ضرایب فنی آنها و جمع‌بندی نهایی، لزوم یا عدم لزوم انجام مطالعات اتا برای پروژه مشخص می‌گردد. هم‌چنین سطح‌بندی مطالعات اتای مورد نیاز برای پروژه، در یکی از چهار سطح جامع، متوسط، محدود و یا کوچک، تعیین می‌شود (Howitt, Jackson, 2000: 257-294 ; Branch, Ross, 2000: 93-126 ; فاضلی، ۱۳۸۹: ۱۰۳-۱۱۱).

ملاحظات	گستره پی‌آمدهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پروژه												نوع فعالیت
	تاسیس و احداث			توسعه و بازسازی			توسعه و تجهیز			جمع‌آوری و حذف			
	شدت			شدت			شدت			شدت			
	ک	م	ز	ک	م	ز	ک	م	ز	ک	م	ز	
	نمره ۱ تا ۶	نمره ۷ تا ۱۲	نمره ۱۳ تا ۱۸	نمره ۱ تا ۶	نمره ۷ تا ۱۲	نمره ۱۳ تا ۱۸	نمره ۱ تا ۶	نمره ۷ تا ۱۲	نمره ۱۳ تا ۱۸	نمره ۱ تا ۶	نمره ۷ تا ۱۲	نمره ۱۳ تا ۱۸	
													بار ترافیکی
													رفاه و سلامت
													امنیت اجتماعی، انتظامی
													هویت محله‌ای و فرهنگی
													معیش و اشتغال
													منظر شهری
													روابط خانوادگی
													تعارضات اجتماعی
													زیر ساخت های اجتماع
													جمعیت و ترکیب جمعیتی
													شبکه‌های اجتماعی
													ساختار قدرت
													فراغت و تفریح
													نابرابری اقتصادی و اجتماعی
													آسیب‌های اجتماعی
													قیمت املاک، خدمات، کالا
													میراث فرهنگی و تاریخی
													پی‌آمدهای خاص
													جمع فعالیت‌های موثر
	با توجه به اعداد ستون‌های جدول، انجام مطالعات اِتا برای پروژه، لازم □ غیر لازم □ به نظر می‌رسد.												بررسی نهایی و جمع‌بندی
	بر اساس اعداد ستون‌های جدول و شاخص‌های ویژه پروژه، انجام مطالعات اِتا ی سطح جامع □ متوسط □ محدود □ کوچک □ برای پروژه، پیشنهاد می‌شود.												سطح اِتا ی لازم

جدول شماره ۲ ارزیابی نیاز به اِتا و تعیین سطح مطالعات اِتا برای طرح‌های مدیریت شهری

۲-۵- تقسیم‌بندی پروژه‌های شهری، جهت تعیین سطح مورد نیاز مطالعات اِتا

کارشناسان اِتا بسیاری از موضوعات مهم زندگی اجتماعی را که یک اقدام توسعه‌ای می‌تواند بر آنها تاثیر داشته باشد، در ۱۸ شاخص، تعیین و تبیین نموده‌اند. هر اقدام توسعه‌ای، با توجه به ویژگی‌هایش، می‌تواند تاثیراتی با سه سطح شدت زیاد، متوسط و یا کم، بر هر یک از این ۱۸ شاخص، داشته باشد. با بررسی و پژوهش اسنادی، تحقیقات میدانی و مطالعات تطبیقی بر روی پروژه‌ای خاص، به هر یک از شاخص‌های ۱۸ گانه مذکور، عددی تعلق خواهد گرفت. این عدد، برای سطح تاثیرات با شدت زیاد، از ۱۳ تا ۱۸، برای سطح تاثیرات با شدت متوسط، از ۷ تا ۱۲ و برای سطح تاثیرات با شدت کم، از ۱ تا ۶ خواهد بود. پس از این مرحله، و بر اساس اعداد جدول، ضرایب فنی آنها و جمع‌بندی نهایی، سطح‌بندی مطالعات اِتا ی مورد نیاز برای پروژه، در یکی از چهار سطح جامع، متوسط، محدود و یا کوچک، تعیین می‌شود. به عنوان نمونه، پروژه‌های به‌سازی شهری و بافت فرسوده، ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی، توسعه مناطق گردشگاهی، احداث ترمینال برون شهری و ساخت دریاچه مصنوعی،

پروژه‌هایی هستند که مطالعاتِ اتای مورد نیاز آنها، سطح جامع است. ساخت پل‌های سواره در مراکز پُرتراфик، ساخت پارک و بوستان، مکانیزه کردن جمع‌آوری و حمل زباله، پارک‌سوار، خطوط اتوبوس‌های تندرو (بی.آر.تی)، ساخت پردیس سینمایی، گرم‌خانه (اسکان شبانه بی‌خانمانان) و فروشگاه زنجیره‌ای، پروژه‌هایی هستند که مطالعاتِ اتای مورد نیاز آنها، سطح متوسط است. مجتمع‌های تجاری، فرهنگی، آموزشی، ورزشی، احداث خطوط دوچرخه سواری، اسکان کارگران، ایستگاه بازیافت و تفکیک زباله و پسماند، پروژه‌هایی هستند که مطالعاتِ اتای مورد نیاز آنها، سطح محدود است. پل عابر، دروازه شهری، مسجد، سرای محله، خانه فرهنگ، خانه اسباب بازی، ایستگاه آتش نشانی، ایستگاه اتوبوس و توالی عمومی، پروژه‌هایی هستند که مطالعاتِ اتای مورد نیاز آنها، سطح کوچک است. البته باید توجه داشت که این دسته‌بندی، نوعی تقسیم‌بندی کلی و عمومی است، چرا که، برخی از پروژه‌ها، بنا بر شرایط و ویژگی‌های خود، در این چارچوب قرار نگرفته و ساز و کار مخصوص به خود را در مورد سطح مطالعاتِ اتای مورد نیاز خود، خواهند داشت (ICGPSIA, 2003: 231-250).

جدول شماره ۳ پروژه‌های شهری با لزوم مطالعاتِ اتای سطح جامع

ردیف	سطح طرح‌ها و پروژه‌های شهری با لزوم مطالعاتِ اتای جامع
۱	پروژه‌های به‌سازی شهری و بافت فرسوده
۲	ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی
۳	توسعه مناطق گردشگاهی
۴	ایجاد شهرک‌ها و شهرهای جدید
۵	ساخت بزرگراه
۶	ساخت ورزشگاه بالای ۵ هزار نفر
۷	ساخت ترمینال برون شهری
۸	دریاچه مصنوعی

جدول شماره ۴ پروژه‌های شهری با لزوم مطالعات اِتای سطح متوسط

ردیف	سطح طرح‌ها و پروژه‌های شهری با لزوم مطالعات اِتای متوسط
۱	پل‌های سواره در مراکز پُر ترافیک
۲	ساخت پارک و بوستان
۳	مکانیزه کردن جمع‌آوری و حمل زباله
۴	پارک‌سوار
۵	خطوط اتوبوس‌های تندرو (بی.آر.تی)
۶	ساخت خیابان
۷	ساخت ترمینال داخل شهری
۸	ساماندهی گورستان
۹	ساخت پردیس سینمایی
۱۰	پیاده‌رو سازی
۱۱	معاینه فنی خودرو
۱۲	ساخت گرم‌خانه (اسکان شبانه بی‌خانمانان)
۱۳	مرکز عرضه و فروش پرندگان و دام
۱۴	مسیل
۱۵	ساماندهی رود دره‌ها
۱۶	جنگل و جنگل‌کاری
۱۷	ساخت نمایشگاه
۱۸	ساخت تونل
۱۹	فروشگاه زنجیره‌ای

جدول شماره ۵ پروژه‌های شهری با لزوم مطالعات اِتای سطح محدود

ردیف	سطح طرح‌ها و پروژه‌های شهری با لزوم مطالعات اِتای محدود
۱	ساخت پارکینگ
۲	مجتمع‌های تجاری، فرهنگی، آموزشی، ورزشی
۳	شهرک آموزشی
۴	ساخت خطوط دوچرخه سواری
۵	ساخت موزه
۶	ساخت کلینیک درمانی
۷	اسکان کارگران
۸	بازارچه خود اشتغالی
۹	ایستگاه بازیافت و تفکیک زباله و پسماند
۱۰	ساخت میدان
۱۱	ساخت زائر سرا

جدول شماره ۶ پروژه‌های شهری با لزوم مطالعات اتای سطح کوچک

ردیف	سطح طرح‌ها و پروژه‌های شهری با لزوم مطالعات اتای سطح کوچک
۱	پل عابر
۲	دروازه شهری
۳	سرای محله
۴	اماکن ورزشی
۵	سالن چند منظوره
۶	خانه فرهنگ
۷	خانه اسباب بازی
۸	مراکز فرهنگی آموزشی
۹	مساجد
۱۰	مجتمع قرآنی
۱۱	خانه شهید
۱۲	خانه سلامت
۱۳	کلینیک آموزشی
۱۴	ایستگاه اتوبوس
۱۵	ایستگاه آتش نشانی
۱۶	توالت عمومی

۳- بخش سوم: آسیب شناسی وضع موجود

۳-۱- مقدمه

در این مختصر، البته یک بررسی موشکافانه، علمی، دقیق، همه‌جانبه و کامل، از چگونگی وضعیت مدیریت پروژه‌های شهری، تاثیرات اجتماعی و زیست محیطی آنها بر زندگی فردی و اجتماعی شهروندان، شدت و میزان این تاثیرات و مسائلی از این دست، مورد نظر نیست. حتی برخلاف عنوان این بخش، به طور دقیق، شاید درصدد آسیب‌شناسی وضع موجود نیز نباشیم. این بخش می‌خواهد با نگاهی به حال و گذشته شهر، مدیریت شهری، تجارب تلخ و شیرین به دست آمده، مقایسه پروژه‌های شهری کشورمان با کشورهای دیگر (هم‌سطح، بالاتر و پایین‌تر از ایران)، چشم‌انداز آینده، مفهوم توسعه پایدار و سرانجام با توجه به ظرفیت‌های داخلی کشور و شرایط بومی، محلی، فرهنگی و طبیعی ایران، به دادهایی اشاره کند (داد در اینجا می‌تواند به هر دو معنی خود به کار رود. درستی، حق و نیز فریاد با صدای بلند).

۳-۲- بدون انجام مطالعات اتا، تصمیم نگیرید

ایجاد گفت‌وگو، ضرورت ارزیابی اجتماعی و مطالعات اتا و ترویج این مطالعات در میان مدیران شهری، سرمایه‌گذاران پروژه‌های شهری و هم‌چنین افزایش دانش پژوهشگران و دانش پژوهان این حوزه است. در چند سال گذشته به جز شهرداری تهران به عنوان یکی از نهادهای اصلی و البته به شکل ناقص و پراکنده در یکی دو وزارتخانه دیگر، به مطالعات اتا در ارتباط با سیاست‌ها، تصمیمات، برنامه‌ها و پروژه‌های اجرایی، توجه چندانی نشده است. کم نبوده‌اند سیاست‌ها و پروژه‌هایی که از نظر فنی، بسیار مطلوب طراحی شده بودند اما دقیقاً به دلایل غیر فنی و اغلب اجتماعی، زمین‌گیر شده و موجب اتلاف سرمایه‌های ملی شده‌اند. عدم توجه به تاثیرات غیر آشکار و غیرارادی پروژه‌های شهری، نابسامانی‌های زیادی را به اجتماع و شهروندان کشور ما تحمیل کرده است. لزوم شناخت درست از اقدامات مداخله‌ای و تاثیرات اجتماعی و زیست محیطی ناشی از اجرای یک پروژه بر زندگی شهروندان، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های امروزی یک مدیر شهری است. چنین مدیری دیگر بدون مطالعات لازم، تصمیم‌گیری نکرده، دست به اجرا نخواهد زد. امروزه دیگر ثابت شده است که اجرای پروژه به صورت دقیق، صحیح و با کم‌ترین تاثیرات منفی، تنها با کمک پژوهش، برنامه‌ریزی دقیق و علمی، ممکن خواهد بود که همانا انجام مطالعات اتاست (روچ، ۱۳۸۷: ۴۵-۵۰).

۳-۳- مطالعات اتای پروژه‌ها، گام اول توسعه پایدار شهری است

مطالعات اتا باید مبنای اجرای پروژه‌های شهری باشد. صرف داشتن یک نیت خوب و انتخاب ابزاری مناسب برای اجرای پروژه شهری، دیگر کافی نیست. تجربیات بدست آمده ثابت کرده است که باید این طرح‌ها به لحاظ اثربخشی و کارایی، ارزیابی شوند. برخی تصور می‌کنند داشتن یک نقشه راه و استفاده از ابزار مناسب در طراحی، اجرا و بهره‌برداری از پروژه های شهری، کافی است، در حالی که داشتن چنین دیدگاهی نسبت به مساله توسعه، نوعی خوش‌بینی نامشروط در رابطه با برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های شهری است. باید توجه داشت که دوران مدیریت‌های آزمون و خطا سپری شده است. ما دیگر حق تصمیم‌گیری‌های مشروط، شخصی، غیرکارشناسی، بدون برنامه و ناسنجیده را نداریم. نتایج خوب، حاصل برنامه‌های سنجیده است، بنابراین تصمیم‌گیری‌ها باید بر مبنای مطالعات باشد. به یاد داشته باشیم که همیشه در پشت صحنه اجرای یک پروژه، مجموعه‌ای از ارزیابی‌ها، مطالعات و برنامه‌ریزی‌ها وجود دارد که برای موفقیت یک پروژه بسیار مهم است، نکته‌ای که لزوم جدی گرفتن تاثیرات اجتماعی پروژه‌ها را به عنوان گام اول توسعه، تبیین می‌نماید (گای، ۱۳۷۱: ۶۰-۶۲؛ فاضلی، ۱۳۸۹: ۲۹-۳۹؛ Colantonia, 2007: 2-7).

۳-۴- تاثیر غفلت از تاثیرات اجتماعی پروژه‌های شهری

غفلت از تاثیرات اجتماعی پروژه‌های شهری و تاثیر آن بر زندگی شهروندان، مهم‌ترین موضوعی است که اینک شوراهای تخصصی شهرها و مدیران و مشاورین پروژه‌های شهری، متوجه اهمیت آن شده‌اند. در ساخت و سازها و پروژه‌های شهری، تمرکز جدی تاکنون، بر بحث‌های فنی و اقتصادی بوده و در مقابل، به ماهیت اجتماعی مسائل مرتبط با پروژه‌های شهری و تاثیرات آنها بر زندگی شهروندان، اغلب بی‌توجهی و یا کم‌توجهی شده است. مطالعات اتای پروژه‌های شهری، در مراحل مختلف مربوط به نظارت، تحلیل و مدیریت پی‌آمدهای اجتماعی، در سه مقطع پیش از اجرا، حین اجرا و پس از بهره‌برداری پروژه، انجام می‌گردد. این مطالعات، سرانجام به ارایه راه‌کارهای اجرایی و تعدیل جهت، تقویت آثار مثبت ناشی از پروژه و به کارگیری روش‌هایی علمی برای گسترش و افزایش این آثار و همچنین محدود نمودن آثار منفی پروژه و به کارگیری روش‌هایی علمی جهت کاستن و یا محدود کردن آن آثار خواهد انجامید. اگرچه هنوز بخشی از مدیریت اجرایی کشور، به ضرورت انجام ارزیابی آثار اجتماعی و نتایج مثبتی که مطالعات اتا می‌تواند بر روند کلی توسعه کشور داشته باشد، ایمان نیاورده است، اما روز به روز، بر اهمیت لزوم انجام چنین مطالعاتی، افزوده می‌گردد (آتش، ۱۳۸۵: ۴۳-۷۲؛ فاضلی، ۱۳۸۹: ۴۶-۵۵).

۳-۵- تاثیر غفلت از تاثیرات اجتماعی پروژه‌های شهری بر شهر

با درهم آمیختگی شدید پدیده‌های اجتماعی در زندگی امروزی و روابط و تاثیرات مشخص و مستقیمی که این پدیده‌ها بر زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها دارند، ارزیابی تاثیرات اجتماعی در اولویت برنامه‌های مدیریت پروژه‌های شهری قرار گرفته است، اولییتی که در صورت غفلت، تاثیرات منفی زیادی را بر اجتماع، شهروندان و ساختارهای جامعه، تحمیل خواهد کرد. در آن صورت، شرایط تحقق توسعه پایدار با خطراتی جدی مواجه شده، با بیشترین آسیب و کمترین موفقیت روبرو خواهد شد زیرا، در نبود مطالعات اتا، هم، تاثیرات منفی پروژه‌ها، پیش‌بینی نشده باقی مانده و راه‌کارهایی برای حذف یا کاستن این اثرات منفی و نیز تقویت اثرات مثبت طرح‌های عمران شهری، ارایه نخواهند شد و هم، انسجام و هماهنگی معنادار و ضروری میان کارکردهای مختلف پروژه‌های شهری، که در موفقیت آنها بسیار موثر است، دیگر فرصت بروز و ظهور، نخواهند یافت (ICGPSIA, 2003: 231-250؛ روچ، ۱۳۸۷: ۷۴-۷۵؛ بیر، ۱۳۸۵: ۱۷۱-۱۷۹).

۳-۶- تاثیر غفلت از تاثیرات اجتماعی پروژه‌های شهری بر شهروندان

هر حرکتی که در قالب پروژه‌های شهری انجام می‌شود، پیامی را به فرد در جامعه منتقل می‌کند و تاثیری را در روحیات شهروندان خواهد داشت. آموزه‌های امروزی، توجه به علوم اجتماعی و تاثیرات ناشی از محیط اجتماع و طبیعت، بر انسان‌ها و نیز تاثیرات انسان‌ها بر محیط اجتماع و طبیعت را همواره مورد تاکید قرار داده‌اند. توجه به تاثیرات غیرارادی و غیرآشکار پروژه‌ها، دغدغه مدیران شهری، برنامه‌ریزان و فعالان این حوزه است. کاهش یا افزایش حس تعلق شهروندان به شهر و محله، درک هویت شهروندی، میزان مشارکت، اعتماد به مدیران شهری، نوع روابط میان شهروندان، چگونگی کارکرد حقوق شهروندی و مسائلی از این دست، موضوعاتی مهم و حیاتی‌اند که غفلت یا عدم غفلت از تاثیرات اجتماعی

پروژه‌های شهری بر شهروندان، بر میزان کاهش یا افزایش آنها، تاثیر مستقیم خواهد داشت (Becker, 1997: 36-38; استولپ، ۱۳۸۸: ۳۰۷-۳۴۰; Husband, Dey, 2002: 215-223; Branch, Ross, 2000: 93-126; بکر، ونکلی، ۱۳۸۸: ۳۰۷-۳۴۰).

۳-۷- بررسی تاثیرات اجتماعی پروژه پیش از اجرای آن

یکی از مهم ترین الزامات اجرای طرح‌ها و پروژه‌های شهری، ارزیابی تاثیرات اجتماعی پروژه بر شهر و چاره اندیشی درباره برخی از اثرات نامطلوب آن است. شهر یک واحد فرهنگی، دارای مصرف همگانی و کلیتی به هم پیوسته است، اما پیش از همه اینها، شهر، یک موجود به معنای واقعی زنده، پویا و ذی‌شعور است. به همین دلیل است که حتی زمانی که هنوز، ساخت پروژه‌ای آغاز نشده، شهر، واکنش نشان داده، تاثیرات اجتماعی و زیست محیطی ناشی از آن را، بر شهر و شهروندان، عرضه می‌کند. مطالعات اِتا، با ساز و کارهای پیش بینی شده خود، مشاوره امین، مطلع، تیزبین و خلاق است که می‌تواند تاثیرات اجتماعی پروژه را پیش از اجرای آن، بررسی کرده، نتایج عملیاتی آن را به کارفرما ارایه نماید، نتایجی که نوعی آینده‌نگری را بر اساس مطالعات علمی، به همراه دارد (هامر، ۱۳۷۶: ۱۶۹-۱۷۷).

۳-۸- بررسی تاثیرات اجتماعی پروژه هم‌زمان با اجرای آن

هر پروژه‌ای، هم‌زمان با اجرا، سبب بروز آثار و پی‌آمدهایی در محیط بیرونی اجتماعی که در آن قرار دارد، خواهد شد. این آثار البته و با توجه به ماهیت اجرایی پروژه‌ها، بیشتر منفی و آزار دهنده‌اند. در مطالعات اِتای پروژه، این آثار منفی ناشی از ساخت پروژه، شناسایی، طبقه بندی و بازتعریف شده، با ارایه راه‌کارهای علمی و عملیاتی، به صورت پیشنهاد مکتوب و در سه بازه زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت، جهت اجرا، به مدیران بهره‌بردار پروژه ارایه می‌گردد. در تمامی این برنامه‌های سه‌گانه، مخاطب اصلی، شهروندان خواهند بود (Burdge, Johnson, 2004: 15-29; روچ، ۱۳۸۷: ۴۴-۵۰).

۳-۹- بررسی تاثیرات اجتماعی پروژه پس از اجرای آن

هر پروژه شهری یا غیر شهری که به اجرا درمی‌آید، صرف نظر از موضوع آن، آثار و پی‌آمدهایی به دنبال خواهد داشت. در مطالعات اِتای پروژه، آثار مثبت ناشی از پروژه، شناسایی، طبقه‌بندی و بازتعریف گردیده، سپس با به کارگیری روش‌هایی علمی و عملیاتی، آن آثار مثبت، اعم از ملموس و غیرملموس، گسترش افقی، افزایش کمی و ارتقاء کیفی خواهند یافت. هم چنین مطالعات اِتای پروژه، آثار منفی ناشی از پروژه را نیز، شناسایی، طبقه بندی و بازتعریف کرده، با به کارگیری روش‌هایی علمی و عملیاتی، آن آثار منفی را، اعم از ملموس و غیرملموس، تحدید افقی، کاهش کمی و نزول کیفی خواهند نمود. این آثار و نتایج، در قالب یک برنامه عملیاتی به مدیران بهره‌بردار پروژه، ارایه خواهد شد (Burdge, Johnson, 2004: 15-29; روچ، ۱۳۸۷: ۴۴-۵۰).

۳-۱۰- لزوم برقراری ارتباط بین موضوعات گوناگون مباحث شهری

موضوعاتی نظیر انسجام اجتماعی، احساس هویت اجتماعی، حس تعلق به محله و شهر، تعارض اجتماعی، مشارکت‌های اجتماعی، عدالت و بی‌عدالتی اجتماعی، اعتماد شهروندان نسبت به مدیریت شهری، احساس امنیت، سرمایه اجتماعی، هویت ملی، مهاجرت، نارضایتی عمومی، آسیب‌های اجتماعی، حاشیه‌نشینی، و مواردی از این قبیل، چنان در هم تنیده‌اند که ساخت و راه‌اندازی پروژه‌ای مربوط به یکی از این حوزه‌ها، تاثیرات مختلف و با شدت و ضعف‌های گوناگونی را، در سایر موضوعات دیگر، پدیدار می‌سازد. موضوعی که نادیده انگاشتن آن، خود مشکلات کوچک و بزرگی را، پیش روی مدیریت شهری قرار می‌دهد. مبنای شکل‌گیری ارزیابی تاثیرات اجتماعی، برقراری ارتباط بین موضوعات مذکور و مباحث شهری در انجام مطالعات اِتای هر پروژه‌ای است (Vanclay, 2002: 387-393; Ibid, 2003: 1-9; بکر، ونکلی، ۱۳۸۸: ۱۸).

۳-۱۱- ارتقای نظام تفکر مجموعه مدیریتی شهر با کمک متخصصین اِتا

آثار اجتماعی پروژه‌های شهری، به حوزه اِتا و تصمیم‌گیری مدیریت شهری، به حوزه برنامه‌ریزی شهری مربوط است. بحث آثار اجتماعی پروژه‌های شهری، یکی از مباحث روز جهان است. این برداشت سطحی که طراحی، اجرا و بهره‌برداری از پروژه‌های شهری را، بیشتر مباحثی کالبدی، فیزیکی و مستقل و منفک از سایر بخش‌های شهری می‌داند، روز به روز، کارایی خود را بیشتر از دست می‌دهد. در نظام‌های مدیریتی

پویا، تمام اقدامات توسعه‌ای، در قالب پروژه قرار گرفته و مورد بررسی و ارزیابی دقیق قرار می‌گیرد، موضوعاتی مانند پایداری محیط زیست، امنیت، عدالت، منظر شهری، ذی‌نفعان و متضرران. بدین ترتیب، انتخاب درست ابزارها، خود به تنهایی برای موفقیت طراحی، اجرا و بهره‌برداری از یک پروژه، موثر نبوده لازم است هدف‌گذاری مناسب و متناسبی با ابزارها ایجاد شود تا اثرها از حیث اثربخشی‌شان، مورد ارزیابی دقیق قرار گیرند (Vanclay, 2003: 5-11 ; Becker, 1997: 54-56,86-88).

۱۲-۳- تهیه جدول SWOT

یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین مراحل اولیه انجام مطالعات ای‌تای یک پروژه، تهیه و تدوین جدول Swot است. در این جدول، قوت‌ها و فرصت‌های یک پروژه در مقابل ضعف‌ها و تهدیدهای آن پروژه قرار داده می‌شود. این چهار ویژگی یعنی قوت‌ها (strength)، ضعف‌ها (weakness)، فرصت‌ها (opportunity) و تهدیدها (threat) بر اساس ویژگی‌ها و کارکردهایی که در پروژه خواهند داشت، ارزش‌گذاری شده، میزان تاثیر و شدت تأثیری که مرتبط با پروژه خواهند یافت، تعیین می‌گردد (Becker, 1997: 60-69).

۱۳-۳- تفاوت قائل شدن میان تاثیر (effect) و پی‌آمد (impact)

هنگامی که اقدامی توسعه‌ای و اجرای پروژه‌ای، وارد مرحله عملیاتی و یا بهره‌برداری می‌شود، تغییرات، تأثیرات و پی‌آمدهایی را به محیط بیرونی و یا به روابط اجتماعی که در آن قرار دارد، وارد می‌سازد. این تغییرات و تأثیرات و پی‌آمدها، یکسان نیستند. در مطالعات ای‌تای، برای بیان آثاری که عینی، قابل مشاهده و ملموس‌اند و بیشتر بر محیط بیرونی، اثر می‌گذارند و خیلی زود خود را نشان می‌دهند، از اصطلاح تأثیر (effect) استفاده می‌شود. این تأثیرات به طور مستقیم، ناشی از اجرای پروژه‌اند، مانند صدا، بو، زباله و ترافیک. اما پی‌آمدها (impact) بیشتر ذهنی، کمتر قابل مشاهده و تا حدی غیرملموس‌اند و به طور مستقیم ناشی از اجرای خود پروژه، نیستند بلکه ناشی از تأثیرات پروژه‌اند، مانند ایجاد بی‌نظمی اجتماعی، اختلال در سلامت شهروندان، ایجاد ناامنی، افزایش بزه‌کاری و مانند آن. پی‌آمدها، معمولاً پس از تأثیرات، خود را نشان می‌دهند (Amour et al, 1981: 24-34 ; بکر، ونکلی، ۱۳۸۸: ۵۴-۵۵؛ فاضلی، ۱۳۸۹: ۱۷۲-۱۷۵).

۱۴-۳- نظام تعدیل و جبران: کاهش پی‌آمدهای منفی و افزایش سودمندی اثرات مثبت پروژه

بر اساس جدول Swot و تعیین میزان گستردگی و شدت قوت‌ها و فرصت‌های یک پروژه در مقابل ضعف‌ها و تهدیدهای آن پروژه و نیز با توجه به نوع ارتباط و در عین حال، تفاوت میان تأثیر (effect) و پی‌آمد (impact)‌های ناشی از پروژه، نظام تعدیل و جبران تدوین می‌گردد. این نظام، راه‌کارهای اصلاحی و عملیاتی جهت کاهش پی‌آمدهای منفی و افزایش سودمندی اثرات مثبت پروژه را، در اختیار بهره‌برداران پروژه، قرار می‌دهد (Simpson, 2000: 129-151 ; ; Burdge, 2004: 161 Carley, Bustello, 1984: 188-190).

۱۵-۳- ضرورت بازگشت تصحیحی و تکمیلی جهت استفاده از دانش بومی

امروزه در سراسر جهان، مناطق مختلف جغرافیایی و فرهنگ‌های گوناگون انسانی، در معرض شدید اقدامات توسعه‌ای قرار گرفته‌اند. باید توجه داشت که این مناطق و فرهنگ‌ها، در طی سده‌های متمادی، از محیط جغرافیایی خود و نیز آداب و سنن و ارزش‌های مورد پذیرش و جاری اجتماع خود، تأثیر پذیرفته و بر آن اساس شکل گرفته‌اند. هم‌چنین در طی این سده‌ها، به راه‌کارهایی جهت مواجهه با مشکلات و معضلات زیستی و انسانی خود، رسیده و آنها را به کار رفته‌اند. این دانش و تجربه بومی و محلی، دارای ارزشمندی بسیار و ظرفیت‌های مختلفی است که نه تنها می‌توان که باید، از آن، برای بهبود تأثیرات ناشی از مداخلات توسعه‌ای، استفاده نمود (Herrera, 1981: 21-35 ; Vanclay, 2003: 5-11)؛ Mazur, Third, 1992: 264-286 ; بکر، ونکلی، ۱۳۸۸: ۴۹-۵۰).

۱۶-۳- نبود یا کمبود الگوی عدالت اجتماعی در توسعه شهری

کشور ما در زمینه عدالت اجتماعی در توسعه شهر، مدل و الگوی مشخصی ندارد. این وضعیت، شرایط کنونی شهرهای ما را، دچار نوعی سردرگمی، نبود نقشه راه و ابهام در رصد چشم‌انداز آینده، نموده، بروز مشکلات زیادی را بویژه در زمینه تشدید فاصله مناطق برخوردار

شهری از مناطق محروم، ایجاد حاشیه‌نشینی، ایجاد و گسترش مناطق آسیب‌خیز، افزایش میزان آسیب‌های اجتماعی، زیست محیطی و مانند آن، باعث شده است (Carle, Bustello, 1984: 188-190; استفانز، ۱۳۸۳: ۱۶۹-۱۹۹).

۳-۱۷- لزوم هماهنگی میان توسعه اجتماعی با پیشرفت اقتصادی برای تمام اقشار جامعه

در برنامه‌ریزی شهری، لزوم هماهنگی میان توسعه اجتماعی با پیشرفت‌های اقتصادی برای تمام اقشار جامعه، مورد توجه روزافزون مدیران ارشد شهری است، زیرا نبود چنین هماهنگی، نه تنها توسعه پایدار شهر را با مشکل جدی روبرو می‌سازد بلکه، به دلیل عدم توازن میان این دو بخش مهم جامعه انسانی، بسیاری از ظرفیت‌ها و کارکردهای بالقوه شهر نیز، اثربخشی مطلوب خود را از دست خواهند داد. با انجام مطالعات اِتا در زمینه سیاست‌ها و اقدامات توسعه‌ای شهری، نقشی اساسی و گامی موثر در ایجاد چنین توازن و هماهنگی، برداشته خواهد شد (Becker, 2003: 129-142; World Bank, 2008: 22; مک لارن، ۱۳۸۴: ۳۲۴-۳۳۵; اکینز، جاکوبز، ۱۳۸۲: ۱-۲۷).

۳-۱۸- هدف نهایی مطالعات اِتا: ایجاد هماهنگی بیشتر میان اقدامات توسعه‌ای با زندگی مردم

شماری از اقدامات توسعه‌ای، هماهنگی میان ساختارهای توسعه شهری را با زندگی شهروندان، دچار اختلال کرده، بروز گونه‌هایی گپ، خلاء و فاصله را میان بخش‌های مرتبط حیات اجتماعی ایجاد کرده، گاه تا مرز ظهور حتی نافرمانی‌های اجتماعی را، سبب شده است. هدف نهایی مطالعات اِتا، ایجاد هماهنگی بیشتر میان اقدامات توسعه‌ای با زندگی مردم است (Vanclay, 2003a: 1-9).

۳-۱۹- عدم توجه به مطالعات اِتا، کاستن از توانایی نسل آینده

دستیابی به رشد و توسعه پایدار شهری، دستیابی به رشد اقتصادی مطلوب در شهر و مواردی از این قبیل، از اهداف نسل‌های کنونی و آینده است. مدیریت شهری، حق این را نخواهد داشت که از توانایی نسل آینده برای رسیدن به اهدافش، بکاهد. امروزه، ثابت شده است که در صورت عدم توجه به مطالعات اِتا، نسل آینده، توانایی خود را به میزان زیادی در مسایلی چون، حق انتخاب، به کارگیری ظرفیت‌ها، امید به آینده، ایجاد فرصت‌های جدید و مواردی از این قبیل، از دست خواهد داد (Burdge, Field, Wells, 2004: 161-171; Becker, 1997: 10; دکرس، ۱۳۸۸: ۲۴۵-۲۶۳).

۳-۲۰- مردم، صاحبان حق یا تنها، تاثیر پذیرفتگان پروژه‌ها

دوران نگاه مدیریتی به مردم، به مثابه تاثیرپذیرفتگان اقدامات توسعه‌ای، رو به پایان است. در نگاه مدیریت شهری هوشمندانه، مشارکتی و همه جانبه‌گر امروزی، مردم در ابتدا و پیش از هیچ تعریف دیگری، صاحبان حق شمرده شده‌اند. با پذیرش چنین رویکردی، انتخاب‌ها و تصمیم‌سازی‌های فاقد مبنای علمی و مطالعاتی، که اغلب بر روش آزمون و خطا، استوارند، دیگر وجهتی برای طرح و اجرا در شهر و مدیریت شهری، پیدا نخواهند نمود (Enserink, 2000: 15-22; Branch, Ross, 2000: 93-126; Husbands, Dey, 2002: 215-223; هال، ۱۳۷۶: ۱۹۸-۲۰۷).

۳-۲۱- مشارکت یا عدم مشارکت مردمی

این که شهروندان چگونه به یک طرح عمرانی واکنش مثبت یا منفی نشان می‌دهند، بستگی زیاد به این خواهد داشت که، پیش از اجرای طرح، بازخوردها و نتایج اجتماعی آن طرح، چگونه بررسی شده باشد. یکی از امتیازات مهم و اساسی انجام مطالعات اِتای پروژه‌های شهری، ارتقاء و افزایش سطح مشارکت اجتماعی شهروندان در پروژه است. ارزیابی تاثیر اجتماعی این فرصت را به مردم خواهد داد تا نظر، نیاز و خواسته خود را در خصوص آن پروژه شهری ابراز کنند، اقدامی که کوچک‌ترین فایده آن، این خواهد بود که پیش از بروز آثار منفی خواسته یا ناخواسته پروژه، چاره‌ای برای آنها، اندیشیده شود. بدین ترتیب، مشارکت که یکی دیگر از ویژگی‌های ارزیابی تاثیرات اجتماعی است، به هر یک از افراد حقیقی یا حقوقی شهروندان، که به شکلی با اقدام توسعه‌ای ربط می‌یابد، این امکان را می‌دهد تا فرصت مشارکت و اثرگذاری در فرآیند شکل‌گیری و انجام آن اقدام توسعه‌ای را داشته باشد. در این میان اهمیت انعکاس نظر و مشارکت اقشار آسیب‌پذیر و افراد خاموش (voiceless people) بسیار

بیشتر است. مشارکت ذی‌ربطان یک اقدام توسعه‌ای، موجب خواهد شد تا پروژه‌ها با مردم و برای مردم ساخته شده و مورد بهره‌برداری قرار گیرند (Branch, Ross, 2000: 93-126; مک‌لارن، ۱۳۸۴: ۳۳۵-۳۲۴; ویلر، بیتلی، ۱۳۸۴: ۴۴-۳۹; بکر، ونکلی، ۱۳۸۸: ۳۶۴-۳۴۱).

۳-۲۲- شفافیت

شفافیت یکی دیگر از ویژگی‌های مطالعاتِ اتاست. اطلاع داشتن در حقیقت، یک حق است. هر کس، این حق را دارد که از پروژه‌ای که قرار است زندگی او را دست‌خوش تغییر کند، اطلاع کافی و روشن داشته باشد. لذا برای هر پروژه‌ای، ابتدا باید این پرسش مطرح شود که تصمیم‌سازان، به چه میزانی و چگونه، مردم را در جریان اتخاذ تصمیمات و روند آتی پروژه، قرار داده و خواهند داد؟ این موضوعی کلیدی، مهم و قابل توجه است (بانک جهانی، ۱۳۸۳: ۳۳۵-۳۴۰، ۵۲۹-۵۳۳).

۳-۲۳- مسئولیت پذیری تصمیم‌سازان

مسئولیت‌پذیری، ویژگی نهاییِ نهفته در مطالعاتِ اتاست. تصمیم‌سازان باید مسئولیت تصمیمات خود را بپذیرند. اجتماع محلی که فرصت مشارکت در اقدام توسعه‌ای را داشته است نیز باید مسئولیت آگاهی خود را بپذیرد. در واقع، در صورت ایجاد مشکلات برای هر اقدام توسعه‌ای و به شرط ایجاد فرصت‌های برابر برای اثرگذاری در روند طرح‌ها، هم سطوح مدیریتی و هم سطوح مردمی، مسئول تصمیمات خود خواهند بود. کم‌ترین و کوچک‌ترین تاثیر مثبت چنین اقدامی، این خواهد بود که مدیران و تصمیم‌سازان و نیز شهروندان، در انتخاب راه‌کارها و تصمیمات خود، دقت، بصیرت و وسواس بیشتری، به خرج دهند (Branch, Ross, 2000: 93-126; مک‌لارن، ۱۳۸۴: ۳۳۵-۳۲۴; ویلر، بیتلی، ۱۳۸۴: ۴۴-۳۹; بکر، ونکلی، ۱۳۸۸: ۳۶۴-۳۴۱).

۳-۲۴- درباره پیش فرض‌هایی که با آنها کار می‌کنید بیشتر تامل کنید

اقدام و مداخله توسعه‌ای، به همان اندازه که شفاف‌بخش است، می‌تواند دژخیم نیز باشد. این دژخیمی هنگامی می‌تواند بروز نماید که با پیش‌فرض‌هایی نادرست، ضعیف، به روز نشده و یک‌سویه، دست به انتخاب، تصمیم‌سازی و اقدام زد. پیچیدگی ساختارهای اجتماعی و انسانی و درهم تنیدگی موضوعات مختلف آنها، بسیاری از پیش‌فرض‌های ما را، با تغییر و تبدیل رویرو ساخته است. تامل، تفکر، استفاده از تجارب گذشته، نگاه به دیگران، بومی‌سازی، دانش‌افزایی، مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای، مشارکت‌جویی، و در یک کلام، استفاده از دانش و تجربه متخصصین و اجدشراط، از مهم‌ترین عواملی‌اند که انسان را در تغییر و تبدیل صحیح، به روز و به هنگام این پیش‌فرض‌ها، یاری می‌رسانند (بکر، ونکلی، ۱۳۸۸: ۳۱، ۳۶۹; روچ، ۱۳۸۷: ۱۵۵-۱۵۶).

۳-۲۵- نگاه آرمان‌گرایانه محض، تهدید تا فرصت

این نظریه که نگاه آرمان‌گرایانه محض، در اجرای پروژه‌های شهری، می‌تواند آثار مثبتی در بر داشته باشد، امروزه کاملاً مردود دانسته شده است. بررسی تجربیات گذشته مدیریت شهری در داخل و خارج از کشور، ثابت می‌کند که نگاه آرمان‌گرایانه محض، به دلیل عدم درک صحیح و دقیق مناسبات اجتماعی، مشکلات گوناگونی را پدید آورده و می‌آورد. مدیریت شهری عصر حاضر، متکی بر نگاه واقع‌بینانه به شهر، ساختار آن و نیازهای آن است. اگرچه شاید بتوان ادعا کرد که هنوز در برخی از بخش‌ها و مدیریت‌ها، نگاه غالب، همان نگاه آرمان‌گرایانه محض است، اما به هر حال، بیشتر مدیریت‌ها، خواسته یا ناخواسته، به سوی نگاه واقع‌بینانه در حرکتند. از اقداماتی که انجام آنها، تاثیر مثبتی بر این تغییر و تبدیل، خواهند داشت، بردباری، حوصله، عدم شتاب‌زدگی و سرانجام، بالا بردن نظام تفکر مجموعه مدیریتی است، اقداماتی که با دانش‌افزایی و توجه به مطالعات محققین و پژوهشگران، به دست خواهد آمد. نگاه خوش‌بینانه‌ای که در بین برخی از متخصصان و برنامه‌ریزان پروژه‌ها وجود دارد، عاملی اساسی برای نادیده انگاشتن بسیاری از این تاثیرات مخرب و ناپیدای پروژه‌هاست (Carley, Bustelo, 1984: 98-102).

۳-۲۶- یک نمونه: عدم ارزیابی تأثیرات اجتماعی پروژه‌ها، مانع نوسازی بافت‌های فرسوده

بر اساس گزارشات مستند نهادهای قانون‌گذار و سازمان‌های اجرایی، عدم ارزیابی تأثیرات اجتماعی پروژه‌ها، یکی از موانع اصلی نوسازی بافت‌های فرسوده شهری و روستایی است. بر اساس این گزارشات، یکی از موانع اصلی در نوسازی بافت‌های فرسوده و تاخیر در پیشرفت این گونه از طرح‌ها، مخالفتی است که مالکین این بافت‌ها و ذی‌نفعان آن، با اجرای طرح‌های به‌سازی دارند. این گزارشات می‌افزایند، چنان‌چه، طرحی به گونه‌ای اجرا شود که ذی‌نفعان در اجرای آن، همکاری داشته و با رضایت، شاهد اجرای آن طرح باشند، بخش اعظمی از مشکلات و مخالفت‌ها، برطرف می‌گردد. وظیفه اصلی مطالعات اِتای پروژه‌های شهری، پیش‌بینی واکنش‌های ذی‌نفعان و پیش‌گیری از خسارت‌های احتمالی و آرایه مشوق‌های موثری است که اعمال آنها، نتیجه بُرد بُرد را برای طرفین، در بر خواهد داشت. این اقدام، نوعی پیش‌بینی از عواقب اجرای طرح را در ذهن مجری آن بوجود می‌آورد تا او بتواند با آگاهی و روشن‌گری کافی، وارد عرصه اجرای طرح شود (عامری سیاهویی، گودرزی، بیرانوندزاده، ۱۳۸۹: ۴۵-۱۵).

۳-۲۷- ظرفیت نهادی

اغلب در ارتباط با پروژه‌های شهری، یک یا چند نهاد مرتبط وجود دارند که وجود و حضورشان، برای تحقق اهداف آن پروژه، لازم و ضروری است. در نقطه مقابل، نهادهایی نیز وجود دارند که بودنشان در منطقه و محل پروژه، می‌تواند مُخل تحقق اهداف آن پروژه، باشد. مطالعات اِتا، راه‌کارهایی جبرانی در خصوص، نبودن نهادهایی که باید باشند و نیستند و نیز، راه‌کارهایی تعدیلی در خصوص، نبودن نهادهایی که نباید باشند اما هستند را، آرایه می‌نماید (Stein, 2008: 140-143; کاظمیان و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۳-۱۷۳).

۳-۲۸- بخش خصوصی نیز نیازمند اِتا است

بررسی مصوبه‌ها، ابلاغیه‌ها و آیین‌نامه‌های مرتبط با مطالعات اِتا در ایران، نشان می‌دهد که این مطالعات، صرفاً محدود به پروژه‌هایی است که به شهرداری‌ها و یا برخی سازمان‌های دولتی تعلق دارند. به عبارت دیگر، ظاهراً بخش خصوصی، از ارزیابی اجتماعی پروژه‌های خود معاف شده و یا محروم گردیده است و شاید قانونی وجود نداشته باشد که بخش خصوصی را به انجام مطالعات اِتا، ملزم نماید. به عنوان نمونه، برای ساخت یک سرای محله، پارکینگ طبقاتی و حتی یک کتابخانه و یا مسجد محلی، انجام مطالعات اِتا، پیش‌بینی شده است، در حالی که، تهیه چنین گزارش‌هایی برای یک مجتمع بزرگ تجاری که برای آن، کاربردی فرامنطقه‌ای نیز مشخص شده و یا یک مجتمع بزرگ مسکونی، انجام مطالعات اِتا، پیش‌بینی نشده است، صرفاً به این دلیل که به بخش خصوصی تعلق داشته و چنین مطالعاتی برای پروژه‌های بخش خصوصی در قانون ایران پیش‌بینی نشده است. در صورتی که، هدف ابتدایی و پایانی مطالعات اِتا، دیده شدن مردم و نیازهای آنان و توجه به متن اجتماعی در یک پروژه شهری است. هنگامی که گفته می‌شود، پروژه‌های شهری است، دیگر تفاوتی بین دولتی یا خصوصی بودن آن وجود نخواهد داشت. اگر ملاحظه نیازهای شهروندان و ایجاد فرصت‌هایی برای مداخله و مشارکت ذی‌مدخلان و ذی‌نفعان در پروژه‌ها ارزش است، دیگر نمی‌توان ارزیابی تأثیرات اجتماعی را صرفاً به پروژه‌های شهرداری و دولتی محدود نمود. غفلت از این مطالعات، موجب صدمه به شهر و شهروندان آن خواهد شد و تفاوتی نمی‌کند که این غفلت، از طرف بخش دولتی باشد یا خصوصی.

۳-۲۹- مطالعات اِتا: علم یا هنر

تعدادی از منابع علمی مربوط به مطالعات اِتا، آن را نه علم که هنر می‌دانند و از آن با عنوان art of impact assessment یاد می‌کنند. استفاده از این اصطلاح، شاید از آن رو باشد که همیشه یک ارزیاب اجتماعی، باید خلاقیت زیادی را در کار خود، به کار بُرد. اِتاکاران باید مشاهده‌گران خوبی باشند و در عین حال، پدیده‌ها را نیز، خوب بفهمند. جامعه و جامعه‌شناسی را در سطح بالایی درک کرده، معماری بدانند، زیست محیط، حمل و نقل، مدیریت، اقتصاد، آسیب‌های اجتماع، هنر، روان‌شناسی و مواردی از این دست را نیز بفهمند و بدانند چگونه در مطالعات اِتا، از آنها استفاده کنند. بدین خاطر است که، انجام مطالعات اِتا، کاری گروهی و تیمی است و تخصصی بین‌رشته‌ای به شمار می‌آید (Bond, Pope, 2012: 1-4).

۳-۳۰- مطالعات اِتا کاری تیمی و بین رشته‌ای

از آن جا که، در انجام مطالعات اِتا، تخصص‌های مختلف و گوناگونی، باید در کنار هم، به بررسی و مطالعه بپردازند، لذا مطالعات اِتا را، باید کاری کاملاً تیمی و بین رشته‌ای دانست. این که عده‌ای ممکن است این گونه فکر کنند که مطالعات اِتا را محققین دانشگاهی در حوزه‌های علوم اجتماعی و یا جامعه‌شناسان و کسانی که تخصصشان مطالعات فرهنگی است، به تنهایی می‌توانند انجام دهند، باوری نادرست و ضد اِتایی است. اِتاکاران، دوره‌های ویژه دیده‌اند و همگی دارای گواهی‌نامه مورد تایید در این حوزه هستند (Taylor et al, 2004: 11-13; Burdge, 2004; Vlachos, 1981: 162-174 Forrester, 1987: 136-149; 56-58; بکر، ونکلی، ۱۳۸۸: ۳۶۸-۳۷۱).

۳-۳۱- اِتاکار

البته چنین اصطلاحی شاید هنوز به کار نرود، اما این واژه را از این بابت ساخته‌ایم که نشان دهیم افرادی که مطالعات اِتا را انجام می‌دهند، ویژگی اصلی‌یشان، داشتن دانش اِتا است. امروزه در همایش‌های خارجی مرتبط با ارزیابی تاثیرات اجتماعی، شرکت کنندگانی دیده می‌شوند که شغل آنان بر روی کارشان (social performer) نوشته شده که می‌توان آن را مجری اجتماعی، یا به زبان ساده‌تر، اِتاکار ترجمه کرد. شغل آنان این گونه است که در هر پروژه‌ای، خصوصی یا عمومی، بسته به اندازه و اهمیت آن پروژه، نقشی شبیه به نقش مهندس ناظر در کشور ما را بر عهده دارند، اما به جای اصول و شاخص‌های فنی و مهندسی هر پروژه، بر رعایت شاخص‌های اجتماعی نظارت می‌کنند. به تعبیری، هر پروژه‌ای، هم دارای مهندس ناظر است و هم به اصطلاح مجری اجتماعی دارد که هر یک وظایف جداگانه و مشخص را بر عهده دارند.

۳-۳۲- اِتاکار، کارآگاه نیست

با یک مثال ساده، بحث در این بخش را به پایان می‌بریم. این که ممکن است برخی فکر کنند، اِتاکار کارآگاهی است که چون قتل صورت گرفته، از او دعوت می‌شود تا بیاید و قاتل را پیدا کند. خیر، چنین نیست. از اِتاکار دعوت شده است تا بیاید و نگذارد تا کسی به قتل برسد.

۳- بخش چهارم: سخنان مدیر انجمن بین المللی مطالعات اِتا در مورد ایران

۳-۱- پروفسور آنا ماریا استیوز: مدیر انجمن بین المللی مطالعات اِتا و انجمن جهانی آنلاین SIAhub

من یک بار به ایران سفر کردم، آن هم برای کنفرانسی در همین خصوص و همان یک بار ایران تاثیری ماندگار بر ذهن و قلب من به جا نهاد.

- تاثیرات اجتماعی همانند تاثیرات زیست محیطی نیستند که تنها زمانی پدید می‌آیند که کاوش و حفاری زمین آغاز می‌گردد. تاثیرات اجتماعی از لحظه‌ای آغاز می‌شوند که حدسی به میان می‌آید. حتی یک شایعه می‌تواند تاثیرات اجتماعی در پی داشته باشد و غالباً هم این گونه است.
- فواید مطالعات اِتا برای اجتماعات: هر چه بیشتر مردم سهمی در تصمیم‌گیری داشته باشند پویاتر می‌شوند، سرمایه اجتماعی ساخته می‌شود و ضمن به حداکثر رسیدن فواید پروژه، از پی آمدهای مُضر آن جلوگیری می‌گردد.
- فواید مطالعات اِتا برای دست اندر کاران پروژه: زمینه تصمیم‌گیری بهبود می‌یابد، روابط بهتر با اجتماعات محلی برقرار شده و از اشتباهات پُر هزینه اجتناب می‌شود.
- فواید مطالعات اِتا برای قانون گذار و دولت: از تصمیمات بهتر سود می‌برند. یعنی اطلاعات بیشتری برای تصمیم‌گیری دارند.
- فواید مطالعات اِتا برای موسسات مالی: موسسات مالی اطلاعات بهتری برای ارزیابی ریسک به دست می‌آورند.
- اما من فکر می‌کنم شما همه این موارد را از پیش می‌دانید. پیام امروز من این است که از شما بخواهم تا به آن چه، پس از مطالعات و طرح‌های پژوهشی و نظرسنجی از گروه‌های مختلف جامعه حاصل می‌شود، فکر کرده، به مفهوم اجرای اجتماعی توسعه‌های شهری فکر کنید (استیوز، ۱۳۸۹: ۲، ۴).

۵- بخش پنجم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: راه‌کار پیشنهادی و نهایی (تاکیدات موکد)

۵-۱- مقدمه

تجارب به دست آمده از بررسی‌ها و اقدامات توسعه‌ای و تاثیرات مثبت و منفی آنها، طی سالیان دور و نزدیک، در ایران و سایر کشورهای جهان، اینک پیش روی مدیران پروژه‌ها و نیز، متخصصین اتا است. برای آن که از این تجرب، استفاده حداکثری، دقیق، هماهنگ، کارا و موثر، به هنگام، عملیاتی، قابل قبول و به دور از بوروکراسی، به دست آید، پیشنهادات زیر ارایه می‌شود. این پیشنهادات، برای مدیریت شهری استان البرز و مرکز آن، کرج، تهیه و تدوین شده است.

۵-۲- ایجاد دفتر مطالعات اتا

از آن جایی که شهر کرج، بزرگ‌ترین شهر نزدیک به پایتخت کشور است و از آن جا که، اقدامات توسعه‌ای در این شهر و استان البرز، با سرعت زیادی در حال انجام است، ایجاد دفتر مطالعات اتا، هماهنگ با شورای شهر و شهرداری کرج، ضروری بوده، ایجاد چنین دفتری، اهمیت بسیار و فواید بی‌شمار خواهد داشت.

۵-۳- ویژگی‌های دفتر مطالعات اتا

دفتر مطالعات اتا، ویژگی‌های زیر را باید داشته باشد:

- مدیریت عالی آن با متخصصین اتا کار با تجربه و دارای گواهی‌نامه معتبر باشد.
- توسط بخش خصوصی اداره شود.
- هماهنگ با معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری کرج باشد.

۵-۴- وظایف دفتر مطالعات اتا

دفتر مطالعات اتا، وظایف زیر را بر عهده خواهد داشت:

- تهیه آیین‌نامه داخلی دفتر
- تهیه نظام‌نامه لزوم انجام مطالعات اتا و چگونگی انجام آن.
- قانون‌مند کردن، هدفمند نمودن و ایجاد و بهبود رویه‌های اجرایی و نظارتی مطالعات اتا
- استانداردسازی فعالیت‌های مطالعات اتا در شهرداری کرج
- مشخص نمودن روندهای اداری، اجرایی مسیر واگذاری، اجرا و کنترل مطالعات اتا
- راه‌اندازی بانک اطلاعات اتا با تهیه، جمع‌آوری و طبقه‌بندی کتب، مقالات مرتبط و بویژه مطالعات اتای انجام شده.
- تهیه فهرست اتاکاران واجد شرایط با تخصص‌های ویژه هر یک، به همراه کارنامه اجرایی علمی (رزومه) آنان.
- برگزاری جلسات تخصصی با مدیران و معاونین مدیریت شهری در خصوص لزوم انجام مطالعات اتا و چگونگی و فواید آن.
- برگزاری همایش‌های عمومی سالیانه برای ارتقاء دانش عمومی شهروندان، در خصوص لزوم انجام مطالعات اتا و چگونگی و فواید آن.
- کلیه وظایف دفتر مطالعات اتا باید، به تایید شورای شهر کرج و معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری کرج برسد.

منابع

۱. آتش، فرهاد (۱۳۸۵)، «شهرهای جدید و آینده شهرنشینی در ایران»، در: دهقان منشادی (۱۳۸۵)، توسعه پایدار در سایه روشن‌های شهر: انتشارات مفاخر، صص ۴۳-۷۲.
۲. اداره کل تدوین قوانین و مقررات شهرداری تهران (۱۳۸۹)، «محیط زیست شهری»، تهران: انتشارات نشر شهر.
۳. اماکن اجتماعی و فرهنگی، (۱۳۸۹)، تهران: انتشارات نشر شهر.
۴. اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران (۱۳۸۸)، «دستورالعمل ارزیابی و پیوست اجتماعی و فرهنگی»، تهران، ویرایش سوم.
۵. کتابچه آموزشی ارزیابی آثار و پی‌آمدهای اجتماعی طرح‌ها و پروژه‌ها: پیوست اجتماعی، (۱۳۸۸)، تهران.
۶. همایش ملی ارزیابی تأثیر اجتماعی: سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها، (۱۳۸۹)، تهران.
۷. اروین، آلکساندر (۱۳۸۶)، «مردم شناسی کاربردی: ابزارها و دیدگاه‌هایی برای امروز»، ترجمه مهرداد وحدتی: نشرافکار.
۸. استفانز، کارولین (۱۳۸۳)، «نابرابری‌های موجود در محیط زیست شهری، بهداشت: بازتاب‌هایی برای تئوری و عمل»، در: سدريگ پایگ (۱۳۸۳)، شهرهای پایدار در کشورهای در حال توسعه، ترجمه ناصر محرم‌نژاد: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۹. استولپ، انلیس (۱۳۸۸)، «برآورد ارزش‌های شهروندان»، در: هنک بکر، فرانک ونکلی (۱۳۸۸)، راهنمای بین‌المللی برآورد پی‌آمدهای اجتماعی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
۱۰. استیوز، آ. م (۱۳۸۹)، «کارکرد اِتا و مسائل آن»، در: همایش ملی ارزیابی تأثیر اجتماعی: سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها، تهران، صص ۲، ۴.
۱۱. اکینز، پل، جاکوبز، مایکل (۱۳۸۲)، «پی‌آمدهای پایداری زیست محیطی برای رشد اقتصادی»، در: سیلوی فوشه و همکاران (۱۳۸۲)، توسعه پایدار: مفاهیم، توجیهات و راهبردها، ترجمه عبدالرسول مرتضوی: انتشارات روستا و توسعه.
۱۲. بارج، رابل، جی (۱۳۸۹)، «راهنمای عملی ارزیابی تأثیرات اجتماعی»، ترجمه محمد علی رضائی و مرتضی قلیچ: نشر جامعه شناسان.
۱۳. بارج، رابل، جی و همکاران (۱۳۹۱)، «مفاهیم، فرآیند و روش‌های ارزیابی تأثیر اجتماعی»، ویراستاران ترجمه: محمد علی زکریایی و علی حاجلی: نشر جامعه و فرهنگ.
۱۴. بانک جهانی (۱۳۸۳)، «توسعه پایدار در جهان در حال تحول: نهادهای انتقالی، رشد و کیفیت زندگی»، ترجمه علی حبیبی، غلامرضا گرائی‌نژاد و نسرین قبادی: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۱۵. بکر، هنک، ونکلی، فرانک (۱۳۸۸)، «راهنمای بین‌المللی برآورد پی‌آمدهای اجتماعی»، ترجمه هادی جلیلی: انتشارات جامعه شناسان.
۱۶. بیرد، وانسا (۱۳۸۵)، «بحران پایداری در شهرها»، در: دهقان منشادی (۱۳۸۵)، توسعه پایدار در سایه روشن‌های شهر: انتشارات مفاخر، صص ۱۷۱-۱۷۹.
۱۷. توماس، یان (۱۳۸۵)، «ارزیابی پی‌آمدهای زیست محیطی در استرالیا: نظریه و عمل»، ترجمه منوچهر طبیبیان: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. دکر، سیخس (۱۳۸۸)، «مدل‌سازی اجتماعی اقتصادی برای برآورد پی‌آمدهای میان‌نسلی»، در: هنک بکر، فرانک ونکلی (۱۳۸۸)، راهنمای بین‌المللی برآورد پی‌آمدهای اجتماعی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
۱۹. روچ، کریس (۱۳۸۷)، «ارزیابی تأثیر پروژه»، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر اختران.
۲۰. عامری سیاهویی، حمیدرضا، تقوی‌گودرزی، سعید و بیرانوندزاده، مریم (۱۳۸۹)، «رویکرد تحلیلی به بافت‌های نامناسب شهری»، فصل‌نامه جغرافیایی آمایش محیط، شماره ۱۲، صص ۱۵-۴۵.
۲۱. فاضلی، محمد (۱۳۸۹)، «ارزیابی تأثیرات اجتماعی»، تهران: نشر جامعه شناسان.
۲۲. کاظمیان، غلامرضا، فرجی‌راد، خدر، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و پورطاهری، مهدی (۱۳۹۲)، «رابطه ظرفیت نهادی و توسعه پایدار منطقه‌ای»، فصل‌نامه بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران، سال ۱۳، شماره ۳۸، صص ۱۵۳-۱۷۳.

۲۳. گای، دارام (۱۳۷۱)، «توسعه مشارکتی: چشم‌اندازهایی از تجربه‌های توده‌های روستایی»، روستا و توسعه، شماره ۴، مهرماه، صص ۵۹-۱۰۷.
۲۴. مک لارن، ویرجینیا (۱۳۸۴)، «ارائه گزارش از پایداری شهری»، در: اس. ام. ویلر، تی. بیتلی (۱۳۸۴)، نوشتارهایی درباره توسعه شهری پایدار، ترجمه کیانوش ذاکر حقیقی: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، صص ۳۲۴-۳۳۵.
۲۵. مودن جامی، م (۱۳۸۹)، «الگوی نقشه فرهنگی شهر تهران بر اساس ارزش های اسلامی»، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲۶. ویلر، اس. ام. بیتلی، تی (۱۳۸۴)، «نوشتارهایی درباره توسعه شهری پایدار»، ترجمه کیانوش ذاکر حقیقی: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۲۷. هال، مالکوم (۱۳۷۶)، «مردم بخشی از الگو هستند»، در: یونسکو (۱۳۷۶)، فرهنگ و توسعه: رهیافت مردم شناختی توسعه، ترجمه نعمت الله فاضلی، محمد فاضلی: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۱۹۸-۲۰۷.
۲۸. هامر، مارگارت (۱۳۷۶)، «چرا طرح‌ها شکست می‌خورند»، در: یونسکو (۱۳۷۶)، فرهنگ و توسعه: رهیافت مردم شناختی توسعه، ترجمه نعمت الله فاضلی، محمد فاضلی: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۱۶۹-۱۷۷.
29. Armour, A., Bowron, B., Miller, E., & Miloff, M. (1981). A Framework for Community Impact Assessment, in Finsterbusch & Wolf, Pp.24-34.
30. Baines, j., Morgan, B., & Buckenham, B.(2003). From Technology-focused Rules to Socially Responsible Implementation: An SIA of Peoposed Home Heating Rules in Christchurch, New Zealand, Impact Assessment & Project Appraisal, vol. 24, No. 3, Pp. 187-194
31. Becker, H.(1997). Social Impact Assessment: Method & Experiences in Europe, North America & the Third World. UCL Press.
32. Theory Formation & Application in Social Impact Assessment, in Henk Becker & Frank Vanclay,(2003) Pp.129-114
33. Berube, M.(2007). Cumulative Effects Assessment at Hydo-Quebec: What Have We Learned? Impact Assessment & Project Appraisal, vol. 25, No. 2, Pp. 101-109.
34. Bond, A.J., Sene, A., Scullion, J. & Francois, M.(1999). Identifying & Appropriate Methodological Approach for Considering Social, Economic & Environmental Problems Caused by Development in Senegal, Impact Assessment & Project Appraisal, vol. 17, No. 2, Pp. 157-164.
35. Branch, K, M., & Ross, H.(2000). Scoping for Social Impact Assessment, in Goldman, L.Ed, (2000), Social Impact Analysis: An Applied Anthropology Manual. Berg. Pp. 93-126
36. Brown, R., Clay, M., Paksima, Sh., Dorius, S. F., & Rowely, K.(2003). Local Flexibility in Spending Mitigation Monies: A Case Studies of Successful Social Impact Mitigation of the Intermountain Power Project in Delta Utah, Impact Assessment & Project Appraisal, vol. 24, No. 3, Pp. 205-213.
37. Burdge, R.J. (2002). Why is Social Impact Assessment the Orphan of the Assessment Process? Impact Assessment & Project Appraisal, vol. 20, No. 1, Pp. 3-9.
38. Benefiting from the Practice of Social Impact Assessment, Impact Assessment & Project Appraisal,(2003) vol. 21, No. 3, Pp. 225-229.
39. The Concepts, Process, & Methods of Social Impact Assessment, (2004)Social Ecology Press.
40. Burdge, R.J., & Johnson, S. (2004). The Comparative Social Impact Assessment Model, in Burdge, Pp. 15-29.
41. Burdge, R.J.,Field, D., & Wells, S.(2004). Utilizing Social History to Identify Impacts of Resource Development on Isolated Communities: The Case of Skagway, Alaska, in Burdge, 161-171.
42. Colantonio, A.(2007). Social Sustainability: An Exploratory Analysis of Its Definition, Assessment, Methods, Metrics & Tools, EIBURS Working Paper Series, Oxford Institute for Sustainable Development, Oxford Brookes University.
43. Carley, M. J., Bustelo, E. S. (1984). Social Impact Assessment and Monitor ing: A Guide to the Literature. Westview Press.
44. DeTombe, D. J.(1994). Defining Complex Interdisciplinary Societal Problems, Thesis Publishers, 1996, M, Pp. 7-29.
45. Facilitating Complex Technical Policy Problems, in E. Stuhler & D.J. DeTombe, (eds),(1999), Pp. 119-128.

46. Finsterbusch, K., & Wolf, C.P.(1981). Methodology of Social Impact Assessment, Hutchinson Ross Publishing Company.
47. Forrester, J.W.(1987). Lessons from System Dynamics Modeling< System Dynamics Review, vol. 3, No. 2, Pp. 136-149.
48. Freudenberg, W.(1986). Social Impact Assessment, Annual Review Of Sociology, 12, Pp. 451-478.
49. Harrison, J., & Thomas, McDonald, G.(2003). SIA in a Regional Development Bank: The Career of a Concept, Impact Assessment & Project Appraisal, vol. 21, No. 2, Pp. 155-160.
50. Howitt, R., & Jackson,S.(2000). Social Impact Assessment & Linear Project, in Laurence R. Goldman. Social Impact Analysis: An Applied Anthropology. Berg, Pp. 257-294.
51. Husbands, C., & Dey, P. K.(2002). Social Impact Assessment of a Sewerage Project in Barabados, Impact Assessment & Project Appraisal, vol. 20, No. 3, Pp. 215-223.
52. ICGPSIA: Interorganizational Committee on Guidelines and Principles for Social Impact Assessment. (1994). Guidelines and Principles for Social Impact Assessment. U.S. Department of Commerce, National Oceanic and Atmospheric Administration (NOAA). www.nmfs.noaa.gov/sfa/social_impact_guide.htm.
53. Interorganizational Committee on Guidelines and Principles for Social Impact Assessment. (1995). Guidelines and Principles for Social Impact Assessment, Environment Impact Assessment Review, Vol. 15, Pp. 11-43.
54. Interorganizational Committee on Guidelines and Principles for Social Impact Assessment. (2003). Principles and Guidelines for Social Impact Assessment, in the U.S.A. Impact Assessment & Project Appraisal, vol. 21, No. 3, Pp. 231-250.
55. Rickson, R., Burdge, R.J., Hundloe, T., & McDonald, G.(2004). The Adaptation of SIA as a Decision & Planning Tool, in Burdge, Pp. 255-266.
56. Stein, H.(2008). Beyond the World Bank Agenda: An Institutional Approach to Development, the University of Chicago Press, Ltd, London.
57. Simpson, G.(2000). Social Impact Assessment Tools for Mitigation and Project Development,In Goldman, Pp.129-151.
58. Taylor, N., Bryan, H., & Goodrich, C.(2004). Social Impact Theory, Process & Techniques, Social Ecology Press.
59. Vanclay, F. (2002). Social Impact Assessment, In M. Tolba(ed), Responding to Global Environmental Change, vol. 4, of Encyclopedia of Global Environmental Change, series ed, Ted Munn, Chichester, Wiley, Pp. 387-393.
60. Vanclay, F. (2003). International Principles for Social Impact Assessment, Impact Assessment & Project Appraisal, vol. 21, No. 1, Pp. 5-11.
61. Vanclay, F. (2003a). Conceptual & Methodological Advances in Social Impact Assessment, in Becker & Vanclay, Pp. 1-9.
62. Vlachos, E.(1981). The Use of Scenarios for Social Impact Assessment, in Finsterbusch & Wolf, Pp. 162-174.
63. World Bank.(2008). Social Analysis in the Urban Sector: A Guidance Note, Social Development Department, The World Bank.

بررسی و مطالعه تطبیقی مدل های مختلف سنجش کیفیت زندگی به منظور دستیابی به اصول طراحی پایدار در بافت های مسکونی

سیماعابدی^{۱*}، مهرداد کریمی مشاور^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی همدان

۲- استادیار و عضو هیئت علمی گروه معماری دانشکده هنر و معماری دانشگاه بوعلی سینا همدان

si.ab.arch.1987@gmail.com

چکیده

رشد، توسعه و دگرگونی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهرهای ایران، منجر به عدم تطبیق بافت های مسکونی با الگوهای جدید شهرنشینی و در نتیجه افت و نزول کیفیت زندگی در این مراکز شد، حال آنکه بافت های مسکونی به عنوان مکانی هدفمند برای زندگی، باید پاسخگوی تمامی نیازهای انسان باشد، لذا، نیاز به بررسی کیفیت زندگی در بافت های مسکونی به منظور شناسایی مؤلفه های پایداری و تلاش در جهت ارتقای کیفی آنها، کاملاً مشهود است. بر این اساس، هدف از پژوهش فوق مطالعه مدل های مختلف سنجش کیفیت زندگی و شناسایی مؤلفه های ارتقا دهنده آن، به منظور طراحی بافت های مسکونی پایدار است. در این پژوهش پس از مرور مفاهیم و نظریات مرتبط با متغیرهای تحقیق، در چارچوب شاخص های کیفیت زندگی، مبنایی کلی از اصول طراحی پایدار در بافت های مسکونی ارائه گردیده و در انتها پیشنهاداتی بیان می شود.

واژه های کلیدی: کیفیت زندگی، شاخص های کیفیت زندگی، توسعه پایدار، پایداری اجتماعی

۱- مقدمه

بررسی و مطالعه فرآیند رشد و توسعه شهرهای کنونی، نمایانگر شکل گیری شرایط کیفی نابسامان و در پاره ای موارد بحرانی در بافت های سکونی به عنوان یکی از مهمترین آثار و پیامدهای سیاست های توسعه نادرست مناطق و بافت های مسکونی است (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۹). بافت های مسکونی که بخش قابل توجهی از پهنه بسیاری از شهرها را تشکیل می دهند، امروزه به لحاظ کیفیت زندگی، با انواع مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، زیرساختی و زیست محیطی مواجه اند (راد جهانبانی، پرتوی، ۱۳۹۰: ۲۶) و ابعاد و کیفیات اجتماعی و فرهنگی در آن ها تنزل نموده است (عباس زادگان و همکاران، ۱۳۸۸). بنابراین، از بین رفتن مؤلفه های کیفی در این نواحی، منجر به زدوده شدن خاطرات جمعی و افول حیات اجتماعی در آن ها خواهد شد (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۹). در این شرایط بهترین رویکرد برای ارتقاء و بهبود کیفیت زندگی ساکنان یک بافت و محله، رویکرد توسعه پایدار و مقوله پایداری است که به مسائل اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی توجه همزمان دارد (دهقان زاد، ۱۳۹۲). در واقع پایداری، حفظ و ارتقاء کیفیت زندگی برای همه مردم است. بعد اجتماعی توسعه پایدار[□] یکی از حائز اهمیت ترین ابعاد آن به حساب می آید. پایداری اجتماعی با مجموعه ای از مفاهیم از جمله کیفیت زندگی^{□□}، سرزندگی، سلامت، عدالت اجتماعی، توانایی خوب زیستن و... در ارتباط می باشد (کج کوب، ۱۳۹۰). توجه به مفهوم پایداری در چارچوب مفاهیم ارتقاء کیفی سطح زندگی ساکنان می تواند در راستای بهبود وضعیت موجود این نواحی یاری رسان باشد.

تاکنون مطالعات جامعی در زمینه شناخت شاخص های کیفیت زندگی به منظور استخراج و تدوین اصول طراحی پایدار در بافت های مسکونی صورت نگرفته است؛ و عدم توجه به این امر می تواند موجب نزول تدریجی کیفیت زندگی در این مراکز شود. تداوم این معضل در نهایت به افول

تعالی انسان، که از مهمترین الزامات پایداری برای نسلهای کنونی و آتی است، می انجامد (رادجهانبانی، پرتوی، ۱۳۹۰: ۲۶). از این رو هدف تحقیق حاضر، تدوین اصول و معیارهای طراحی پایدار در بافتهای مسکونی در چارچوب شاخصهای ارتقاء کیفیت زندگی به منظور دست یابی به فضاهایی پویا و زنده است.

۲- کیفیت زندگی

۲-۱- کیفیت

واژه کیفیت مفهومی است که در تمامی دانش ها و زمینه های مرتبط با زندگی انسان به کار رفته و مورد استفاده قرار گرفته شده است. کیفیت در حالت عادی و به معنای کاملاً واضح برای وصف درجه کمال اشیاء و پدیده ها به کار برده می شود (گلکار، ۱۳۷۹: ۳۸). منظور از کیفیت از طرفی خاصیت ها و ویژگی های اصلی یک چیز است، از طرف دیگر کیفیت، کلیت و سیستمی از جزء کیفیت هایی است که یک چیز را به وجود آورده اند (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۷۸). فرهنگ انگلیسی آکسفورد^{□□□} نیز در ذیل واژه کیفیت چهار معنا به ترتیب زیر ارائه می نماید:

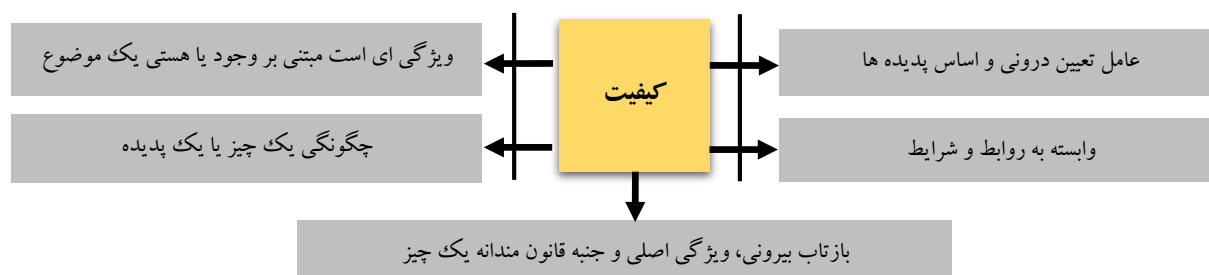
۱- درجه خوبی و ارزش چیزها،

۲- خوبی و کمال به مفهوم عام،

۳- صفات و خصوصیات، و

۴- جنبه ویژه و علایم ممیزه (Oxford A.D., 2006: 1233). اما در واقع کیفیت، چگونگی یک پدیده است که تاثیر عاطفی و عقلانی

خاصی بر انسان می گذارد و خاصیت ها و ویژگی های اصلی یک چیز را بیان می کند (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۷۸).



شکل (۱) کلید واژه های معرف کیفیت، (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۸)

۲-۲- تعاریف کیفیت زندگی

کیفیت زندگی از واژه هایی است که تعریف مشخص و یکسانی ندارد، اگرچه مردم به شکل غریزی معنای آن را به راحتی درک می کنند، اما این مفهوم برای آن ها یکسان نیست (نجات، ۱۳۸۷). کیفیت زندگی مفهومی محتوایی، فراگیر، پیچیده و متأثر از عوامل گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و فضایی بوده و دارای دو بعد عینی و ذهنی است (فتحعلیان، پرتوی، ۱۳۹۰: ۹۱). محققان با تئوریه ها و رویکردهای مختلف به جنبه های گوناگون کیفیت زندگی پرداخته اند (Uzzell, 2004; VanKamp & others, 2003). برخی از صاحب نظران واژه کیفیت زندگی را در رشته ای پیوسته از مفاهیم قرار می دهند (Ulengin, 2001)، برخی دیگر کیفیت زندگی را به عنوان میزان توانایی محیط برای تامین منابع ضروری جهت تامین نیازهای روزمره زندگی انسان تفسیر می کنند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۷-۱۱۰). به رغم تنوع و گوناگونی مفاهیم و تعاریف برای کیفیت زندگی، هنوز در مورد کیفیت زندگی و جنبه های تشکیل دهنده آن اتفاق نظر وجود ندارد، اما نکته ای که همه محققان در آن اتفاق نظر داشته اند، چند بعدی بودن مفهوم کیفیت زندگی بوده است به طوری که هر محقق با دیدگاه خود لایه های تشکیل دهنده کیفیت زندگی را برشمرده و با تعریف لایه ها سعی در تعریف کیفیت زندگی دارد. در جدول (۱)، گوناگونی تعاریف کیفیت زندگی را نشان داده و بر ابعاد ذهنی و عینی آن تأکید شده است (فتحعلیان، پرتوی، ۱۳۹۰: ۹۲).

جدول (۱) ماتریس تطبیقی برخی از تعاریف کیفیت زندگی، (نگارنده)

تحقیق	تعریف
سزالی (۱۹۸۰)	کیفیت زندگی حالت وجودی فرد در بهزیستی و رضایتمندی از زندگی است که از یک طرف با حقایق بیرونی یا عوامل عینی از زندگی و از طرف دیگر با ادراک درونی یا ارزیابی که خود فرد از عوامل و حقایق زندگی تعیین می شود.
Schlemmer and Moller (1983)	کیفیت زندگی، میزان رفاه افراد و گروه ها تحت شرایط اجتماعی و اقتصادی عمومی است.
کاتر (۱۹۸۵)	کیفیت زندگی بر اساس میزان شادی فردی و رضایت از زندگی تعیین می شود
جفر و دابز (۱۹۹۵)	کیفیت زندگی از دو مفهوم جهانی با قلمروهای اساسی مشخص تشکیل شده است: مفهوم اول درک کیفیت زندگی است که نتیجه آن رضایتمندی از زندگی است و مفهوم دوم کیفیت زندگی در محیط اجتماعی و کیفیت محیطی است.
رافائل (۱۹۹۶)	درجه ای که افراد از امکانات مهم زندگیشان لذت می برند.
Bowling (1997)	کیفیت زندگی را دارا بودن منابع ضروری برای تامین نیازها، خواسته ها و امیال، شرکت در فعالیت ها، توانمندی، توسعه فردی، خودباوری و مقایسه رضایتمندی بین خود و دیگران تعریف کرده است.
Collados and Duane (1999)	کیفیت زندگی مفهومی اجتماعی است و خود معنایی واقعی ندارد بلکه صرفاً افراد به آن معنا می بخشند
RIVM (2000)	کیفیت زندگی عنصری واقعی که شامل تجهیزات معنوی زندگی میشود و با سلامتی، محیط زندگی، خانواده و... تعیین می شود.
Foo (2000)	کیفیت زندگی را رضایت کلی فرد از زندگی می داند.
پسیون (۲۰۰۳)	کیفیت زندگی را درجه ای از تجانس یا ناهماهنگی بین ساکنان شهر و محیط شهری احاطه کننده مجاور، تفسیر می کند.
یوزل (۲۰۰۴)	کیفیت زندگی مفهومی چندوجهی، نسبی و متأثر از زمان و ارزشهای فردی و اجتماعی است که دو بعد عینی و درونی دارد.
Pal and kumar (2004)	کیفیت زندگی به عنوان معیاری برای سنجش میزان برآورده شدن نیازهای روحی- روانی و مادی جامعه تعریف گردیده است
Costanza (2007)	کیفیت زندگی را به عنوان میزان تأمین نیازهای انسانی در ارتباط با ادراکات افراد و گروه ها از بهزیستی ذهنی تعریف می کند.
فسلی (۲۰۰۷)	کیفیت زندگی به معنای بهزیستی عموم مردم و کیفیت محیطی است که در آن زندگی می کنند.
داس (۲۰۰۸)	کیفیت زندگی را به عنوان بهزیستی و یا عدم بهزیستی مردم و محیط زندگی آن ها تعریف می کند.
سیف الدینی (۱۳۸۱)	کیفیت زندگی در برگیرنده ابعادی روانی همچون رضایت، شادمانی و امنیت و ابعادی محیطی همچون مسکن، دسترسی به خدمات و امنیت محیطی است.

با توجه به تعاریف متعدد از کیفیت زندگی و همچنین اذعان به عدم وجود اجماع نظر درمورد تعریف آن، می توان گفت کیفیت زندگی واژه ای بسیار تفسیر پذیر و ابهام آور است و بنا به حوزه کاربرد و نوع مطالعه فرق می کند. اگر چه تعریف کیفیت زندگی در کشورهای مختلف و حتی در نواحی یک کشور، نیز متفاوت است ولی جوهر مشترک آن معطوف به تامین نیازهای اساسی مادی و معنوی در دو وجه ذهنی و عینی بطور توأمان است. بنابراین شاید بتوان تعریف زیر از کیفیت زندگی را مبنای مطالعه و استنتاج قرار داد، منظور از کیفیت زندگی توجه به شاخص های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، محیطی، روانی و غیره در دو وجه عینی (کمی)، ذهنی (کیفی) در روند برنامه ریزی، طراحی و معماری است (کوکبی، ۱۳۸۶: ۸۶-۷۵).

۲-۳- اهمیت و ضرورت مطالعه کیفیت زندگی

مرور ادبیات مربوط به کیفیت زندگی نشان می دهد که توافق عمومی در میان محققان، برنامه ریزان و طراحان در خصوص نیاز به مطالعه کیفیت زندگی در نواحی سکونتی وجود دارد. نتایج مطالعات کیفیت زندگی می تواند به ارزیابی سیاست ها، رتبه بندی مکان ها، تدوین استراتژی های مدیریت و برنامه ریزی و طراحی کمک کرده و درک و اولویت بندی مسایل اجتماع برای برنامه ریزان و معماران به منظور ارتقای کیفیت زندگی ساکنان را تسهیل سازد. علاوه بر این، مطالعات کیفیت زندگی میتواند به شناسایی نواحی مسأله دار، علل نارضایتی مردم، اولویتهای ساکنان در زندگی، تاثیر فاکتورهای اجتماعی- جمعیتی بر کیفیت زندگی و پایش و ارزیابی کارایی سیاست ها و استراتژی ها در زمینه کیفیت زندگی کمک کند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۰-۸۷).

۲-۴- سنجش کیفیت زندگی

از دهه ۱۹۳۰، مطالعات تجربی و عملی فراوانی به منظور سنجش کیفیت زندگی در کشورهای مختلف دنیا انجام گرفته است. نتایج مطالعات حاکی از آن است که هنوز چارچوب مفهومی قابل قبول جهانی برای سنجش کیفیت زندگی و روش شناسی واحدی برای تعیین قلمروها و معرف های کیفیت زندگی وجود ندارد و انتخاب قلمروها و معرف های مربوط به آن و روش سنجش کیفیت زندگی براساس اهداف مطالعه، قضاوت های شخصی محقق، ویژگی های ناحیه مورد مطالعه و... صورت می گیرد و تفاوت های عمده در مدل های کیفیت زندگی به دلیل تفاوت در مقیاس، شاخص ها و قلمروهای زندگی است که در مطالعات گوناگون کیفیت زندگی مورد توجه قرار گرفته اند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۰-۸۷). لذا در این بخش از نوشتار، گوناگونی و تنوع در شاخص ها و مؤلفه های کیفیت زندگی در دوبرخش تجارب نظری و عملی مورد بررسی قرار گرفته است.

۲-۴-۱- مدل ها و شاخص های کیفیت زندگی از دیدگاه اندیشمندان و علوم تجربی

محققان و اندیشمندان علوم اجتماعی با روش ها و (طرز برخورد های) متنوع کیفیت زندگی را مطالعه کرده اند. آنان کوشیده اند تا اجزا و عناصر کیفیت زندگی را معین نمایند و مناطق جغرافیایی مانند شهرها، ایالت ها و ملت ها را به وسیله شاخص های کیفیت زندگی که آن ها گسترش داده اند، مقایسه کنند (لطفی، ۱۳۸۸). اما تا به حال، علوم رایج موفق نشده اند رویکردی ترکیبی را که بتواند ابعاد متعدد شاخص های فیزیکی، فضایی و اجتماعی کیفیت زندگی را ارزیابی کند، طراحی کنند (Van Kamp et al, 2003). لذا در جدول (۲) به بررسی شاخص ها و عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی از دیدگاه های مختلف نظری پرداخته شده است.

جدول (۲) ماتریس تطبیقی شاخص ها و مدل های کیفیت زندگی از دیدگاه اندیشمندان و علوم تجربی، (نگارنده)

نظریه پرداز	مؤلفه های کیفیت زندگی
پورطاهری و همکاران (۱۳۹۰)	ابعاد فیزیکی، اجتماعی، روانشناختی، محیطی و اقتصادی
ریم (۲۰۰۰)	۱- محیط فیزیکی (کیفیت محیطی، ویژگی های فیزیکی و محل سکونت)، ۲- محیط اجتماعی (کیفیت اجتماعی، شیوه زندگی و ویژگی های فردی و کیفیت محیط محلی)
سیف الدینی (۱۳۸۱)	۱- ابعاد روانی (رضایت و شادمانی و امنیت)، ۲- ابعاد محیطی (مسکن، دسترسی به خدمات و امنیت محیطی)، ۳- توجه به فرصت های اجتماعی، ۴- امیدهای اشتغال، ثروت، ۵- اوقات فراغت
وان کمپ و همکاران (۲۰۰۳)	۱- محیط طبیعی (درک بصری، کیفیت منظر، آب و هوا، آلودگی)، ۲- اطمینان (مسکن، امنیت اقتصادی فردی و سطح استاندارد زندگی)، ۳- پیشرفت اشخاص، ۴- پیشرفتهای اقتصادی (ساختار اجتماعی)، ۵- سلامت، ۶- منابع طبیعی و خدمات (کالاها، منابع طبیعی، زیرساخت های اجتماعی و خدماتی)
عظیمی (۱۳۸۹)	۱- فیزیکی- محیطی (کیفیت محیط پیرامون زندگی)، - اجتماعی (کیفیت ارتباطات افراد با خانواده، دوستان، همکاران و اجتماع)، ۳- روانشناختی، ۴- اقتصادی (میزان رضایت از درآمد، رضایت شغلی)
کوکبی و همکاران (۱۳۸۴)	۱- اجتماعی و زیبایی شناختی (امنیت اجتماعی، فضای گذران اوقات فراغت، فضاهای پیاده، فضای باز و سبز، نظم و ادراک فضایی، توالی منظر، خوانایی، نمای)، ۲- اقتصادی، ۳- کالبدی (فضای قابل سکونت، تسهیلات عمده مسکن، مالکیت مسکن، تعداد اتاق ها، چیدمان ساختمان)، ۴- ارتباطی و حمل و نقل (وسایل ارتباطات، وسایل حمل و نقل عمومی، جریان ترافیک)
شافر و همکاران (۲۰۰۰)	۱- فیزیکی- اجتماعی (قابلیت زندگی)، ۲- فیزیکی- اقتصادی (پایداری)، ۳- اجتماعی- اقتصادی (دسترسی)
فرجی ملائی (۱۳۸۹)	پایداری اقتصادی، پایداری اجتماعی، پایداری محیطی و پایداری فرهنگی- سیاسی
کینگ و همکاران (۲۰۰۳)	شادی و رضایت
بونومی و همکاران (۲۰۰۰)	خصوصیات زمینه ای فرد، وضعیت فرهنگی، وضعیت اجتماعی، وضعیت محیطی

۱- مؤلفه های امنیت (امنیت در قلمرو عمومی)، ۲- مؤلفه های انسانی - اجتماعی (میزان فضاها، خصوصی و عمومی، کیفیت روابط اجتماعی، دسترسی به امکانات بافت)، ۳- مؤلفه های زیست محیطی، ۴- مؤلفه های کالبدی (استحکام ساختمان ها، ظرفیت شبکه های زیر ساختی)	رفیعیان و همکاران (۱۳۸۸)
شاخص محیطی، فرهنگ شهروندی، اقتصادی، جمعیتی و اجتماعی، آموزش و تحصیلات و مهارت ها، زیرساخت ها و تأسیسات، سلامتی و بهداشت، حقوق شهروندی، تفریحات و سرگرمی و استراحت، مسکن و سرپناه و امنیت	امینی (۱۳۸۵)
۱- بعد ذهنی (احساس رفاه، رضایت از زندگی، شادی و مسرت، هدفمندی)، ۲- بعد وجودی یا هستی گرایی، ۳- بعد عینی (تعادل بیولوژیکی، پتانسیل های زندگی، رفع نیازها، هنجارهای فرهنگی و عوامل عینی)	وینگوتو (۲۰۰۳)
تسهیلات عمده مسکن، ارتباطات، هوای سالم، آموزش، امنیت و بهداشت عمومی، حمل و نقل، آرامش عمومی، فضای سکونت	آسایش (۱۳۸۰)
اجتماعی، اقتصادی، روانی، زیستی، فیزیکی	رضوانی و همکاران (۱۳۸۸)

۲-۴-۲- مدل ها و شاخص های کیفیت زندگی از دیدگاه تجارب عملی

بحث کیفیت زندگی و مؤلفه های سازنده آن را نه تنها از دیدگاه نظری و آراء صاحب نظران، همچنین از دیدگاه تجارب عملی و آنچه که در پروژه های طراحی به عنوان کیفیت های مطلوب مد نظر قرار گرفته، نیز می توان مورد بررسی و پیگیری قرار داد. در این قسمت از نوشتار، به منظور آشنایی با جایگاه مفهوم کیفیت زندگی و مدل های دربرگیرنده آن در تجارب عملی طراحی محیط ها و بافت های سکونتی، کیفیت هایی که عملاً در برنامه ها و پژوهش های مختلف، در داخل و خارج کشور مورد بررسی قرار گرفته اند، را بررسی کرده و نتایج این مطالعات را در قالب جدول (۳) بیان می کنیم.

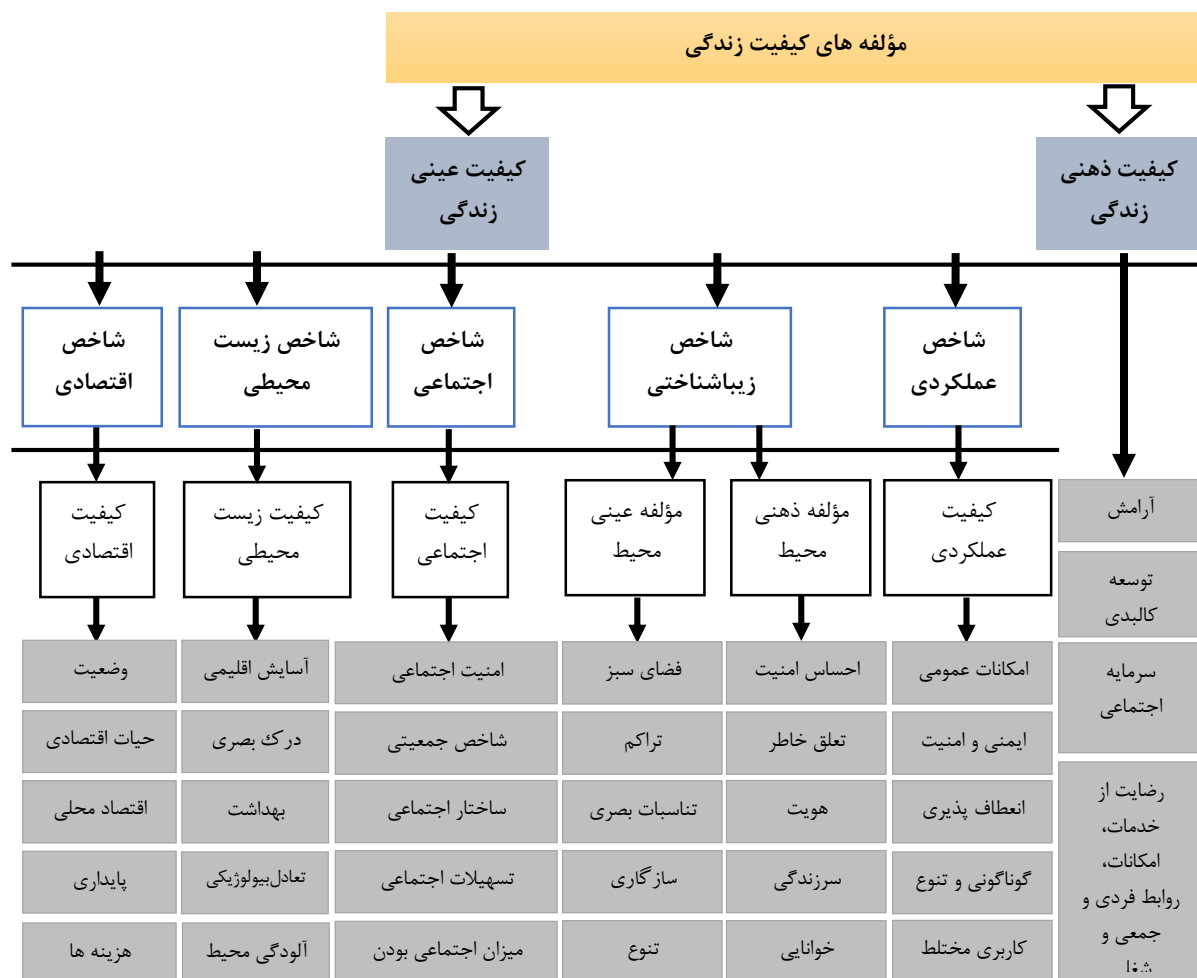
جدول (۳) ماتریس تطبیقی شاخص ها و مدل های کیفیت زندگی از دیدگاه تجارب عملی، (نگارنده)

عنوان و مکان پروژه	مؤلفه های کیفیت زندگی
نورآباد، لرستان (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸)	۱- کیفیت ذهنی زندگی (آرامش، رضایت از محیط محلی، بهزیستی ذهنی، سرمایه اجتماعی، احساس تعلق به شهر، احساس امنیت، رضایت از امکانات، توسعه کالبدی)، ۲- کیفیت عینی زندگی (کیفیت مسکن، وضعیت اقتصادی، جمعیت، روابط اجتماعی، فعالیت های فرهنگی - ورزشی، دسترسی به خدمات عمومی)
بابلسر، مازندران (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۰)	۱- کالبدی (درصد واحد مسکونی، مصالح، متوسط مساحت قطعات، ارتباطات، دسترسی، مسکن)، ۲- اجتماعی (مشارکت اجتماعی، امنیت، گذران اوقات فراغت)، ۳- اقتصادی (میانگین درآمد، گروه بندی شغلی، قیمت زمین)
گنبد کاووس، گلستان (غفاری و انق، ۱۳۸۵)	وضعیت فرهنگی، کیفیت مادی، کیفیت محیطی، کیفیت دسترسی به خدمات، وضعیت سلامت و تغذیه، بهزیستی روانی
استانبول، ترکیه (آلنگین و همکاران، ۲۰۰۱)	۱- محیط فیزیکی (چیدمان ساختمانها، نوع مسکن، فضای سبز، تفریحی) ۲- محیط اجتماعی (گستره خدمات آموزشی و بهداشتی) ۳- محیط اقتصادی ۴- ارتباطات حمل و نقل (وسایل ارتباطات، وسایل حمل و نقل عمومی)
پورتو، پرتغال (سارتوس و مارتینز، ۲۰۰۷)	جامعه، وضعیت محیط زیست، وضعیت کالاهای اجتماعی، وضعیت اقتصادی
خاوه شمالی، لرستان (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰)	۱- بعد اجتماعی (کیفیت آموزش و سلامت و امنیت، کیفیت اوقات فراغت)، ۲- بعد کالبدی (کیفیت محیط مسکونی، کیفیت زیرساختها، شبکه حمل و نقل، دسترسی)، ۳- بعد محیطی (کیفیت محیطی)، ۴- بعد اقتصادی (کیفیت اشتغال و درآمد)

آلودگی محیط، میزان اجتماعی بودن محله، قیمت خانه، دسترسی، امنیت و ایمنی ساختمان و محله، امکانات و تسهیلات محله، امکانات و تسهیلات خانه	مجتمع مسکونی نواب، تهران (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۷)
حیات اقتصادی، محیط زیست، بهداشت جامعه، حمل و نقل و ایمنی	تورنتو، کانادا (پروژه شهر سالم تورنتو، ۱۹۹۳)
تراکم ذهنی، دسترسی ذهنی، هزینه مسکن عینی، تراکم مسکونی عینی، دسترسی عینی	کوئینزلند، استرالیا (مک کریا و همکاران، ۲۰۰۶)
۱- شاخص های اجتماعی ۲- شاخص کالبدی و زیرساختی، ۳- شاخص زیبایی شناختی، ۴- شاخص حمل و نقل، ۵- شاخص زیست محیطی، ۶- شاخص اقتصادی	خرم آباد، لرستان (کوکبی و همکاران، ۱۳۸۶)

۲-۴-۳- مؤلفه های استخراج شده از مطالعه و سنجش مدل های مختلف کیفیت زندگی

بررسی و مطالعه مدل های مختلف سنجش کیفیت زندگی از دیدگاه صاحب نظران و اندیشمندان و تجارب عملی حوزه های مختلف، که کیفیت زندگی را از جنبه های گوناگون و به تناسب تخصص و زمینه کاری خود تبیین نموده اند، به ما کمک نمود که بتوانیم مؤلفه های اثر گذار بر کیفیت زندگی در فضاها و محیط های شهری را به صورت زیر جمع بندی نمائیم:



شکل (۲) شاخص ها و مؤلفه های کیفیت زندگی، (نگارنده)

۳- پایداری

۳-۱- توسعه پایداری و کیفیت زندگی

توسعه پایدار، مفهومی است که در آن تأمین مستمر نیازها و رضایتمندی افراد همراه با افزایش کیفیت زندگی انسان مدنظر قرار می-گیرد (الیوت، ۱۳۷۸، ۳). کیفیت زندگی انسان ارتباط مستقیمی با کیفیت محیط سکونت و زیست او دارد، لذا مسائلی از جمله بحران محیط زیست، انرژی، آلودگی هوا، آلودگی صوتی، ترافیک بخشی از عواملی هستند که می توانند کیفیت زندگی انسان را دستخوش تغییر و دگرگونی قرار دهند و در این شرایط در راستای افزایش و بهبود کیفیت زندگی انسان توجه به مقوله توسعه پایدار مطرح می شود. اگر بخواهیم جامعه کیفیت زندگی شهروندان را در حال و آینده بهتر کنیم فقط باید آن را در چهارچوب پایداری قرار دهیم (Uzell, 2004:3). بنابراین، نمی توان رابطه محکم کیفیت زندگی و پایداری را انکار کرد (Fahy & Cinneide, 2008, Uzell, 2004). یکی از ابعاد مهم توسعه پایدار، پایداری اجتماعی است که به دلیل ماهیت خود کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. بلینگ^{□□} توسعه پایدار اجتماعی را بدین شکل تعریف می کند: تغییر، رشد یا تکامل سیستم های اجتماعی در جهت افزایش کیفیت زندگی همه اعضای جامعه با در نظر گرفتن استعدادها و ظرفیت جامعه (Belkinge, 2008, 5). جانسون[□] توسعه اجتماعی را اساساً به معنای تقویت کیفیت زندگی جامعه مدنی و افزایش ارزش های اجتماعی و فرهنگی می داند (Johnston, 1993, 3). پایداری اجتماعی با مفهوم کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی همراه است و با مولفه هایی چون قابلیت دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی، مسکن، امنیت، درآمد و میزان محرومیت سنجیده می شود (شکویی، کاظمی محمدی، ۱۳۸۱، ۳۲). بنابراین بطور کلی می توان گفت که پایداری اجتماعی که با شاکله اصلی آن یعنی کیفیت زندگی مورد سنجش و ارزیابی قرار می گیرد، عبارت است از تأمین

شرایط بهتر زندگی که در آن توازن، هماهنگی، مطلوبیت و برابری عادلانه یا زمینه های لازم برای زندگی همراه با سلامت، امنیت، آسایش، آرامش، نشاط، خلاقیت و زیبایی پدید می آید (دهداری، ۱۳۸۱، ۴۰)

۳-۲- پایداری اجتماعی در معماری

در توسعه پایدار، معماری و شهرسازی به عنوان محیط و بستر زندگی بشری از جایگاه مهمی برخوردار می باشد. از این رو طراحی پایدار نوعی دخل و تصرف در محیط است که تلاش می نماید راه حل هایی ابداع نماید که بتواند در نگاه کلی نگر به تعادلی دست یابد که بتواند کیفیت برتری برای زندگی نسل کنونی و میراث مناسبی را جهت آیندگان فراهم نماید (احمدی، ۱۳۸۲: ۹۴). از آن جا که پایداری اجتماعی به پایداری و بهبود رفاه نسل های فعلی و آینده باز می گردد، پروژه ای از پایداری اجتماعی برخوردار است که محیط زندگی هماهنگ و هارمونیک ایجاد کند، نابرابری ها و شکاف های اجتماعی را کاهش دهد و به طور کلی کیفیت زندگی را افزایش دهد (Chan, 2008: 248). پایداری اجتماعی در مقیاس معماری، فضا را مورد بحث قرار می دهد و با بررسی نیازها و رفتارهای انسان به گونه ای طراحی را جهت می دهد تا ارتباط انسان و محیط مصنوع برای مدت طولانی برقرار باشد. اساس پایداری اجتماعی فضا بر تعامل میان فضا و جامعه است و پایداری اجتماعی بیشتر بر افزایش کیفیت زندگی تمرکز می کند و برای نیل به پایداری اجتماعی در یک فضا سه اصل ضروری است:

- پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان
 - ارتقاء کیفیت زیست انسانی از طریق شناخت نیازهای عالی و غیر مادی انسان
 - هم خوانی الگوهای رفتاری با کالبد ساختمان.
- پایداری اجتماعی در بافت ها و محلات مسکونی، وضعیتی است که ساکنان از زندگی در محیط کالبدی و بافت خود رضایت داشته باشند و از همسایگی با سایر ساکنان لذت برند. در این وضعیت، مجموعه شرایط زندگی به نحوی است که با گذشت زمان تعاملات اجتماعی بیشتر شده و اکثریت ساکنان نسبت به محل زندگی خویش تعلق خاطر و دلبستگی می یابند. بنابراین ناخودآگاه حافظ سلامت و پایداری آن بوده، در نگه داری و بهبود وضعیت موجود مشارکت و هماهنگی خواهند داشت (رئیزی، ۱۳۸۶).

۳-۳- اصول و معیارهای پایداری در محلات مسکونی

بحث های توسعه پایدار را می توان در سطوح و فعالیت های مختلف مطرح کرد، که شامل مقیاس های بین المللی، ملی، منطقه ای، ناحیه ای، محله ای، واحدهای همسایگی، سایت و مقیاس معماری است. در مقایسه با تعاریف و مفاهیم بسیاری که از توسعه پایدار در سطوح مختلف مطرح شده است، می توان گفت که مفهوم توسعه پایدار در مقیاس محله و بافت، هنوز به قطعیت روشن نشده است و ابعاد آن به ویژه داخل کشور مورد بررسی و تجزیه و تحلیل های جدی قرار نگرفته است (عزیزی، ۱۳۸۵). این در حالی است که محله ها و بافت های مسکونی، مکان ها و محدوده هایی هستند که ابعاد مسائل در آن ها کاملاً محسوس است (نوریان، عبدالمی ثابت، ۱۳۸۷).

توسعه پایدار در مقیاس محله و بافت، به معنای ارتقاء کیفیت زندگی در آن، شامل همه ویژگی ها و اجزای زیست محیطی، فرهنگی، سیاسی، اداری، اجتماعی و اقتصادی بدون ایجاد مانعی برای نسل آینده می باشد (زرآبادی، خزاعی، ۱۳۸۶: ۴۵). لذا توجه به اصول و معیارهای توسعه محله ای پایدار به منظور ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان آن ها، حائز اهمیت است. بنابراین می توان در قالب نظریه ها و تجربیات موجود در مقیاس جهانی، اصول و معیارهای بسیاری را برای توسعه پایدار در مقیاس محله و بافت های مسکونی، مطرح و مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. جدول (۴)، شاخص ها و زیر معیارهای پایداری در مقیاس محله و بافت مسکونی را در ربط با مؤلفه های اساسی پایداری نشان می دهد.

جدول (۴) ماتریس تطبیقی مؤلفه های پایداری در بافت های سکونتی، (نگارنده)

تحقیق	مؤلفه های پایداری در بافت های مسکونی
(حبیبی، ۱۳۸۰)	رعایت سلسله مراتب فضاها از خصوصی تا عمومی، هویت کالبدی و فرهنگی و فعالیت، وجود نشانه های شهری متمایز کننده بافت از سایر محلات و بافت ها، وجود فضاهای تعامل اجتماعی، امکان مشارکت فعالانه، امکان نظارت مستمر ساکنان
(طیبیان، ۱۳۸۶)	انرژی و کیفیت هوا، مواد و ضایعات، زمین و فضای سبز و تنوع زیستی، حمل و نقل، زیست پذیر بودن سکونتگاه ها
(مامفورد، ۱۹۸۴)	ایمنی، امنیت، حفاظت، تداوم بصری و کالبدی، کاهش آلودگی، کاهش سرو صدا، قابلیت ایجاد تعاملات اجتماعی، حس تعلق به مکان، ایجاد تصاویر ذهنی مناسب با محیط و بافت، خود کنترلی ارگانیک
(حاجی پور، ۱۳۸۵)	دسترسی به خدمات و تجهیزات، دسترسی به محل کار، کیفیت مسکن، شبکه های ارتباطی و معابر، هویت در سیما، تداوم بصری، کالبدی و عملکردی در سیمای بافت، ارتفاع بناها متناسب با پیرامون، ارتباط مناسب حجم توده با پیرامون، تداوم کیفیت منظر، هم خوانی رنگ و مصالح و سبک معماری بناهای موجود در بافت
(شکوهی، ۱۳۸۶)	کیفیت های ادراکی و ذهنی، کیفیت اکولوژیک، کیفیت های رفتاری، ارتباط زمینه و متن، خط آسمان، پایداری انرژی
(لینچ، ۱۳۷۶)	سرزندگی، معنی، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی، عدالت، انعطاف پذیری، تطبیق پذیری، قابلیت دسترسی، متنوع بودن، غیر متمرکز بودن، تجربه پذیر
(عزیزی، ۱۳۸۵)	هویت، تنوع، دسترسی به خدمات، ظرفیت قابل تحمل محله و بافت
(نوریان، عبدالهی ثابت، ۱۳۸۷)	هویت، سرزندگی، تعلق خاطر، امنیت، دسترسی به خدمات محله ای و حمل و نقل عمومی، فضای سبز، تراکم متناسب جمعیتی-ساختمانی-فعالیتی
(بزی، ۱۳۹۱)	هویت، سرزندگی، فضاها و خدمات محله ای، تنوع، دسترسی، امنیت
(فرکیش و همکاران، ۱۳۹۲)	ارتفاع کم ساختمانها، کاربریهای مختلط، پیاده مداری، حس به مکان، نگهداری از بناهای تاریخی و ارزشمند، استفاده از منابع انرژی محلی، معابر ایمن و صمیمی، طراحی با اقلیم و طبیعت، استفاده از زمین یا ساختمان های متروکه، تنوع در نوع مسکن
(دوانی، ۱۹۹۱)	دسترسی به مراکز آموزشی به صورت پیاده، خیابان های متصل و مرتبط، وجود خیابان های باریک و منطبق با محیط به جهت ترغیب پیاده مداری، محل بازی در اطراف سکونتگاه، تنوع در کاربری ها،

۴- تدوین اصول و معیارهای طراحی پایدار در چارچوب شاخص های ارتقاء کیفیت زندگی

در این بخش از نوشتار، در چارچوب مؤلفه های ارتقاء کیفیت زندگی، به تدوین اصول طراحی پایدار در بافت های مسکونی می پردازیم. رسیدن به بافت و محله سالم و سطح مطلوب کیفیت در آن نیازمند ایجاد تعادل در توزیع و ایجاد موازنه بین فضاهای کالبدی و جریان اجتماعی و ایجاد فرصت برابر دسترسی مناسب به امکانات محدود بافت است. محله و بافت سکونتی پایدار درصدد متناسب ساختن ساختار کالبدی با نیازهای امروزی ساکنان و رویکردی دوباره به بارزه های اجتماعی گذشته است. هدف دستیابی به بافت و محله ای است که در هم پیوندی نزدیک خصائل اجتماعی و کالبدی شکل می گیرد و زمینه ساز تعاملات بالای اجتماعی است و حس تعلق به مکان را در خود مستتر دارد. بافتی که پیوستگی کالبدی در آن با احداث فضاهایی پاسخگو که تناسبات، مقیاس انسانی، سلسله مراتب فضایی و دسترسی، تنوع، عابر مداری، تأکید بر اولویت حرکت پیاده و تلفیق با طبیعت را به همراه دارد. هر یک از عوامل ذکر شده در بالا به نوعی در مؤلفه های کیفیت زندگی مستتر بوده و رعایت آن می تواند منجر به بهبود کیفیت زندگی در نواحی سکونتی شود. بنابراین در این پژوهش، پرداختن به موضوع پایداری در محلات و بافت های مسکونی با توجه به مؤلفه های کیفیت زندگی در شکل (۲) در پنج دسته کلی خلاصه می شود:

۱. بررسی ویژگی های عملکردی
۲. بررسی ویژگی های محیط کالبدی (عینی)
۳. بررسی ویژگی های مفهومی و رفتاری در محیط
۴. بررسی فعالیت ها و ویژگی های اجتماعی و اقتصادی در بافت و محله
۵. بررسی ویژگی های زیست محیطی و اکولوژیکی محیط

با توجه به آنچه که بیان شد، می توان گفت، بافتی از کیفیت و مطلوبیت و پایداری لازم برخوردار است که موارد ذکر شده در بالا را در قالب مفاهیم پایداری، مدنظر قرار داده و سعی در برآوردن زمینه های فوق نماید. بر این اساس مدل نهایی تحقیق، با درنظر گرفتن شاخص های «عملکردی»، «زیباشناختی»، «زیست محیطی»، «اجتماعی» و «اقتصادی» در قالب جدول (۵) قابل ارائه می باشد. چنانچه معماری و طراحی شهری بتواند این موارد یا دست کم بخشی از این موارد را در طراحی و خلق فضاهای کالبدی بافت و محله به کار گیرد، یک معماری اجتماع مدار بوده و به ارتقاء کیفیت زندگی و پایداری در بافت کمک مؤثری خواهد نمود.

جدول (۵) مؤلفه های طراحی بافت مسکونی پایدار در چارچوب شاخص های کیفیت زندگی، (نگارنده)

شاخص ها و مؤلفه های کیفیت زندگی		مؤلفه های پایداری
شاخص های عملکردی	استفاده ها و فعالیت ها	قابلیت دسترسی، ایمنی، راحتی دسترسی
	امکانات و خدمات	تنوع در فعالیت ها، تنوع عملکردی، کاربری مختلط، تنوع در مسکن
	امکانات و خدمات	ترکیب و اختلاط کاربریهای سازگار در سطح بافت، طراحی انواع مراکز فرهنگی، آموزشی، خدماتی و ... بناهای عمومی در بافت
	ظرفیت قابل تحمل محله	ظرفیت توسعه محله، ظرفیت دسترسی محله، ظرفیت منابع، خصوصیات مکان
شاخص های زیباشناختی	مؤلفه های عینی محیط	دانه بندی، تمرکز، مقیاس، گوناگونی، پویایی و سازگاری، نفوذپذیری، تنوع، انعطاف پذیری
	کیفیت دسترسی	دسترسی سواره، دسترسی پیاده، شبکه فضاهای باز
	کیفیت مسکن	تراکم، تنوع، ساخت و ساز معماری، همگنی و همجواری
	کیفیت زیباشناختی	وجود فضای سبز، تناسب، تداوم بصری و کالبدی، نشانه ها، کیفیت منظر و خیابان
	اصالت	شخصیت قوی محله و بافت
	هویت	وضوح در درک از بافت، معنی، حس به مکان، قابل تمایز بودن، خوانایی
	سرزندگی	وجود فضاهای عمومی مناسب، سرزندگی فعالیت ها، ترافیک آرام،
	آسایش و راحتی	جذابیت، احساس امنیت، احساس سبزی
شاخص های زیست محیطی		آسایش اقلیمی، پایداری زیست محیطی، کیفیت سر و صدا، طراحی با اقلیم و طبیعت، کیفیت منظر و محیط طبیعی، کیفیت پاکیزگی، اصوات، بو و رایحه، کارایی
شاخص های اجتماعی		شاخص های جمعیتی، حقوق شهروندی، رویدادهای فرهنگی- تاریخی و آموزشی واحدهای همسایگی و محله ها، مراودات و حیات اجتماعی، فضای اجتماعی
شاخص های اقتصادی		نیازهای اقتصادی، اقتصاد فعال پایدار، پایداری اقتصادی، هزینه ها

۵- نتیجه گیری

به دنبال تغییر در شرایط و عوامل مؤثر بر گسترش و توسعه شهری در دوران اخیر، محله ها و بافت های مسکونی انسان ساخت جایگاه ویژه ای در شکل گیری شهرها داشته اند. در حالی که توسعه شهری پایدار بخش عمده ای از ادبیات شهرسازی سال های اخیر را به خود اختصاص داده است، پرداختن به اصول و معیارهای توسعه محله ای پایدار هنوز نیازمند تحقیق و پژوهش فراوان است. یکی از رویکردهایی که در زمینه اصلاح و تکامل مفهوم توسعه و پایداری در بافت های مسکونی به وجود آمده، رویکرد ارتقاء کیفیت زندگی است. این رویکرد، معتقد است که معماری و طراحی، علاوه بر توجه به اهداف کالبدی و کارکردی، می باید به نیازهای کیفی و روانی مردم در محیط زندگی مانند هویت اجتماعی، امنیت و رفاه اجتماعی، اشتغال پایدار، آسایش روانی، احساس زیبایی، همبستگی و تعلق اجتماعی و ... نیز پاسخ گوید. بنابراین با توجه به آن چه که در این پژوهش ذکر گردید، میتوان گفت، آن چه که منجر به خلق یک محله پایدار با کیفیات زندگی مطلوب می شود؛ شامل، شاخصهای عملکردی، زیباشناختی، اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی می باشد و دستیابی به مقصود فوق از طریق معیارها و زیرمعیارهای ارائه شده در جدول (۵)، قابل تبیین است.

در انتها پیشنهاداتی، به عنوان اصول طراحی بافت های مسکونی پایدار به منظور ارتقاء کیفیت زندگی ارائه شده است:

۱. افزایش شبکه حمل و نقل عمومی منظم و مدرن در جهت دسترسی مناسب و آسان شهروندان به خدمات شهری و مرکز شهر، کاهش ترافیک و آلودگی هوای شهر و در نهایت، افزایش سنجه های پایداری شهری.
۲. بهبود روابط اجتماعی با ایجاد فضاهای جمعی و گذران اوقات فراغت به خصوص در بافت های مسکونی.
۳. افزایش سرانه فضای سبز و مراکز تفریحی و ورزشی در بافت های مختلف شهر تا همه شهروندان به نسبت مناسب از این کاربری ها بهره مند گردند.
۴. تغییر کاربری ها در سطح بافت و به ویژه در مرکز محلات مسکونی؛ به نحوی که ساکنان محله بتوانند مایحتاج روزانه خود را در داخل بافت تأمین کنند و از امکانات رفاهی معمول برخوردار باشند.
۵. ترکیب و اختلاط کاربری های سازگار در سطح بافت و محله
۶. حمایت از حمل و نقل عمومی و تقویت اتصال ها و مجاورت های آن با مناطق مسکونی
۷. افزایش میزان سازگاری فرم با عملکرد (سازگاری فرم با اهمیت، نوع و تراکم فعالیت و...)
۸. افزایش میزان سازگاری فضا و فعالیت و کیفیت مناسب فضا
۹. افزایش ایمنی دسترسی (شیب مناسب راه، تداوم مسیر پیاده، عرض مناسب مسیر و ...)
۱۰. ایجاد تعادل بین کاربری های تفریحی، ورزشی و فضای سبز با کاربری های مسکونی
۱۱. وجود خیابان های باریک و منطبق با محیط به جهت ترغیب پیاده مداری

منابع

۱. احمدی، فرهاد، (۱۳۸۳)، «معماری پایدار»، فصلنامه آبادی، شماره ۴۰ و ۴۱، ص ۹۴.
۲. الیوت، جنیفر، مترجم: عبدالرضارکن الدین افتخاری، و حسین رحیمی، (۱۳۷۸)، «مقدمه ای بر توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه»، تهران، مؤسسه توسعه روستایی ایران.
۳. پاکزاد، جهان‌شاه، (۱۳۸۵)، «مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری»، وزارت مسکن و شهرسازی، چاپ اول.
۴. حبیبی، سیدمحسن، (۱۳۸۰)، «چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوان بندی محله»، نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۱۳، صص ۳۹-۳۲.
۵. دهقان زاد، شیما، (۱۳۹۲)، «بازشناسی مؤلفه های کالبدی محله پایدار؛ نمونه مورد بررسی؛ محله باغملی شهرضا»، اولین کنفرانس ملی بنای ماندگار، مشهد.
۶. راد جهان‌بانی، نفیسه، پرتوی، پروین، (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی کیفیت محیط در محله های شهری با رویکرد توسعه پایدار؛ مورد پژوهی: محله های خیابان و ایلگلی تبریز»، دو فصلنامه معماری و شهرسازی دانشگاه هنر، شماره ۶، صص ۳۱-۲۶.
۷. رضوانی، محمدرضا، متکان، علی اکبر، منصوریان، حسین، ستاری، محمدحسین، (۱۳۸۸)، «توسعه وسنجش شاخص های کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان)»، مجله مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال اول، شماره دوم.
۸. رفیعیان، مجتبی و همکاران، (۱۳۸۹)، «سنجش کیفیت محیط سکونت در شهرک اکباتان تهران»، مجله مدرس علوم انسانی-برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره چهاردهم، شماره چهارم.
۹. رئیسی، ایمان و حبیبی، ابوالفضل، (۱۳۸۶)، «نوشتاری بر پایداری اجتماعی در مسکن»، فصلنامه آبادی، شماره ۵۵.
۱۰. سعدة زرابادی، زهرا سادات، خزاعی، فاطمه، (۱۳۸۶)، «از پایداری محله تا محله پایدار»، ماهنامه ساختمان و کامپیوتر، سال سوم، شماره ۱۸، صص ۴۵-۴۳.
۱۱. شکویی، حسین، کاظمی محمدی، (۱۳۸۱)، «سنجش پایداری اجتماعی توسعه شهر قم»، نشریه پژوهش های جغرافیایی، شماره ۴۳.
۱۲. عباس زادگان، مصطفی، روستا، مریم، «ارتقاء کیفیت فضاهای شهری در فرآیند بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده نمونه موردی: محله صابونپزخانه تهران»، اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری، مشهد مقدس، ۲۰ و ۲۱ آذر ماه ۱۳۸۸.
۱۳. عزیزی، محمدمهدی، (۱۳۸۵)، «محله مسکونی پایدار: بررسی تطبیقی محلات قدیم و جدید شهر تهران»، طرح پژوهشی ارائه شده در قطب علمی توسعه شهری پایدار، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
۱۴. فتحعلیان، معصومه، پرتوی، پروین، (۱۳۹۰)، «مطالعه تطبیقی کیفیت زندگی در بافت های خودرو و برنامه ریزی شده اسلامشهر (مورد پژوهی قائمیه و واوان)»، نشریه مطالعات تطبیقی هنر (دو فصلنامه علمی پژوهشی)، شماره اول، صص ۱۰۸-۹۱.
۱۵. کج کوب، مریم، (۱۳۹۰)، «مرکز مدیا در شهر قزوین با رویکرد دستیابی به پایداری اجتماعی در شهر و فضاهای عمومی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.
۱۶. کوبکی، افشین، پورجعفر، محمدرضا، تقوایی، علی اکبر، (۱۳۸۴)، «برنامه ریزی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری، تعاریف و شاخص ها»، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۲.
۱۷. گلکار، کوروش، (۱۳۷۹)، «مؤلفه های سازنده کیفیت طراحی شهری»، نشریه صفا، شماره ۳۲، صص ۶۵-۳۸.
۱۸. نجات، سحرناز، (۱۳۸۷)، «کیفیت زندگی و اندازه گیری آن»، مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، دوره چهارم، شماره دوم، صص ۶۲-۵۷.
۱۹. نوریان، فرشاد و عبدالمی ثابت، محمدمهدی، (۱۳۸۷)، «تبیین معیارها و شاخص های پایداری در محله مسکونی»، نشریه شهرنگار، شماره ۵۰، صص ۶۳-۴۹.
۲۰. لطفی، صدیقه، (۱۳۸۸)، «مفهوم کیفیت زندگی شهری، تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه ریزی شهری»، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال اول، شماره چهارم.
21. Belkinge, uni. (2008). Exploring the social dimension of sustainable development, Sweden.
22. Chan, Edwin, grace k.l.lee. (2008). critica factors for improving social sustaninability of urban renewar porjects, social indicators research, volume 85, number 2.

23. Collados, C. and Duane, T., (1999). Analysis Natural Capital Quality of Life: A Model for Evaluating the Sustainability of Alternative Regional Development Paths, *Ecological* 30 (1999) 441-460.
24. Costanza, R. (2007). Quality of life: An approach integrating opportunities, human needs, and subjective well-being, *Ecological Economics*, 61(2-3).
25. Duany, A ;Plater-Zyberk,E; Kreiger.,(1991). *A and Lennertz. W,Towns and town-making principles* , Cambridge, Mass. Harvard University Graduate School of Design ; New York : Rizzoli.
26. Fahy,F, Cinnéide.M. (2008). Developing and testing an operational framework for assessing quality of life, *Environmental Impact Assessment Review* 28. pp 366–379.
27. Farkisch,H., (2012). Development the sense of place for residents via affordance of neighborhood center and its Regeneration: case study boshrooyeh city. Faculty of engineering and built enviroment ,National University of Malaysia.
28. Fasli. Mukaddes, Sahin Nil Pasaoglulari, Vehbi. Beser Oktay., (2007). An assessment of quality of life residential environments: Case of selimiye quarter in walled city of Nicosia, north Cyprus,faculty of architecture, architecture, eastern Mediterranean university, famagusta, north cyprus.
29. Foo, T.S.,(2000). Subjective assessment of urban quality of life in Singapore (1997-1998), *Habitat International*, 24(1).
30. Johnston, Michael, (1993). social development as an anticorruption strategy, international anticorruption conference, cancan, quintana roo, mexico.
31. Oxford Advanced Learner's Dictionary, (2007). Oxford University Press.
32. RIVM, (2000). De Hollander A.E.M., et al. "5e Nationale Milieu Verkenningen. RIVM., National Outlook, Summary in English, ISBN: Check.
33. Santos, L.D., Martins, I., (2007). Monitoring Urban Quality of Life: The Porto Experience. *Social Indicators Research*, 80: 411–425.
34. Uzell., (2004) .Environment and quality of life, *Revue européenne de psychologie appliquée* 56, pp 1-4.
35. Van Kamp, I., Leidelmeijer, K., Marsman, G., Hollander, A.D.,(2003). Urban Environmental Quality and Human Well-being towards a Conceptual Frameword and Demarcation of Concepts; a Literatute Study, *Landscape Urban Planning* 65, 5-18

روح شهر

باز تعریفی از شهر، فضا، فضای شهری و تعیین شاخص های روحبخش

علیرضا رضوانی*

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، دکترای شهرسازی و کارشناس ارشد معماری

rezvanialireza@yahoo.com

چکیده

شهرها از چند هزار سال پیش در تولد و توسعه تابع عوامل پنج‌گانه؛ جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بوده اند و روابط این عوامل با شهر بوده که انتظار از شهرها و تعاریف از آنها را رقم زده است. در بررسی تعاریف مختلف ارائه شده از شهر در گذر زمان شاهد یک تغییر عمده نگرش در تعریف شهر از جنبه های اقتصادی و سیاسی به فرهنگی و اجتماعی هستیم. مروری بر تعاریف فضا و فضای شهری این پدیده را محمل مجموعه روابط متعددی می‌داند که در مسیر توسعه و تکامل شهرها تکرر، تنوع و تغییر یافته‌اند. در این میان میزان و کیفیت رابطه انسان با خود و دیگران و انسان با محیط مجموعه ای است که شهرهای جدید و پس از مدرن به غنای آن، تعریف و ارزیابی می‌شوند. شهر پویا، شهر سرزنده و شهر با روح عباراتی است که بعضاً بکار گرفته شده‌اند و حامل پیام‌هایی از زنده بودن شهر نه صرفاً در شباهت به یک موجود زنده چون درخت یا حیوان بلکه در شباهت کم نظیر با انسان و هویت روحانی وی هستند. این پژوهش ضمن بررسی شاخص‌های کیفی که از طرف صاحب نظران ارائه شده است و با تجربه دیدار و مطالعه موردی فضاهای شهری شهرهای متعددی تلاش می‌کند که شاخص‌هایی که زمینه روح بخشی به شهر و فضاهای شهری را فراهم می‌کنند شناسایی نماید. در این فرایند وجود "فضاهای عمومی" و "کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی"، "هویت تاریخی"، و "خوانایی" و نهایتاً "ارتباط با طبیعت" شاخص‌های اصلی روحبخش شهر معرفی می‌شوند که هر یک با مضمون "ارتباط" در فضای شهری غنا می‌یابند.

واژگان کلیدی: عوامل تأثیر گذار، شاخص‌های کیفی، روح شهر، ارتباط، فضای شهری

۱-مقدمه

در برنامه درسی یکی از کلاس‌هایم در گروه شهرسازی با عنوان مبانی شهرسازی تکلیفی به دانشجویان دادم و آن معرفی شهر مشهد با تعداد محدودی عکس بود، دانشجویان مخیل بودند که عکس را از هر مکان و در هر زمانی در ارتباط با موضوع تمرین ضبط کنند. نتایج اولیه بدست آمده از این تلاش بسیار جالب بود. آن‌ها عمدتاً سعی کرده بودند مانع از قرارگیری انسان‌ها و حضور آن‌ها و عناصر متحرک در عکس‌ها شوند. بیان و آرایه شهر و معرفی آن از نظر آنان بیشتر در نمایش عناصری چون ساختمان‌ها، بدنه‌ها، تقاطع‌ها، خیابان‌ها و ... خلاصه می‌شد و برای آن‌ها شهر مجموعه‌ای از این عناصر فیزیکی به شمار می‌رفت. می‌توان سؤال کرد که دانشجویان چطور می‌توانستند انسان‌ها را از متن بیان تصویری یک شهر خارج کنند؟ آن‌ها چرا تا این قدر به حضور و تعامل انسان با این محیط مصنوع بی‌توجه بودند؟

عکس‌العمل دانشجویان در مقابل این تمرین کلاسی، اگرچه غیرقابل قبول ولی کاملاً واقعی بود به دیگر سخن آن‌ها عین دریافت خود را از شهری که در آن زندگی می‌کنند منعکس کرده بودند. در ادراک آن‌ها از شهر، جایی برای انسان‌ها و روابط آن‌ها با یکدیگر و محیط وجود نداشت و در گستره دید آن‌ها فضای عمومی شهری که به خصوص محلی برای تعامل ساکنان شهر با یکدیگر و با محیط شهری است محسوس نبوده یا رؤیت نمی‌شده است.

آن‌ها از فضای شهری در این زمینه درکی تجربه شده، عمیق، تأثیرگذار و جذاب، خاطره‌انگیز و باروح نداشته‌اند لذا فرض بر عدم وجود آن داده و فاقد فهم و درکی از این نوع تعامل با شهر بودند.

سؤال این‌گونه بیان می‌شود که چه عواملی می‌تواند حضور مردم و تعامل مؤثر با یکدیگر و محیط شهری را در فضای شهری زمینه ساز گردد و زندگی را به کالبد بی‌جان شهر جاری سازد؟ چه روابطی بین تحرک در شهر، روح شهر و شاخصهای کیفی فضای شهری وجود دارد؟ روح شهر چیست و چگونه شهری با روح حاصل می‌شود؟ و نهایتاً چه رابطه‌ای بین روح انسان و روح شهر برقرار است؟ این پژوهش سعی دارد باهدف شناسایی ماهیت روح در فضای شهری به شاخص‌های کیفی که می‌تواند زمینه حصول شهری با روح شود، دست یابد.

۱-۱ پیشینه پژوهشی

اکثر مطالعات و پژوهشهای انجام شده در خصوص ارتقا و توسعه ساختارهای فضای شهری مرز مشخصی را در خصوص شاخص‌های کمی و کیفی ارائه نداده‌اند، لیکن بسیاری از آنها سعی در معرفی شاخص‌های کیفی و رای ویژگی‌های مطلوب کمی داشته‌اند. در این میان عبارت "روح" به عنوان یک ویژگی مرموز و "روح بخشی" به شهر به عنوان یک اقدام بارز در برخی از این اظهار نظرها به کار گرفته شده ولی بطور مشخص مورد بررسی و معرفی قرار نگرفته است و معلوم نشده چه شاخص‌هایی از طرف آنان منجر به بروز و حضور روح در شهرها می‌شود. در خصوص شاخص‌های کیفیت بخش شهرها، صاحب نظران بسیاری چون، بیکن، لینچ، هال، جیکوبز، روسی، شولتز، مامفورد، کریستوفر الکساندر و ... در مقالات و کتب متعدد اظهار نظر داشته‌اند که در این پژوهش مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است لیکن در این میان دو کتاب "روح مکان" و "معنا و مکان"، دو اثر ارزشمند نوربرگ شولتز^۱، مجموعه تحقیقات کریستوفر الکساندر^۲ در خصوص شاخص‌های زندگی بخش شهری و کتاب اولریک نایسر^۳ در تبیین و توصیف "معنا و ادراک"، قرابت بیشتری به موضوع مورد بحث دارد.

۲-۱ روش تحقیق

در یک دوره چهار ساله تحقیق دوره دکترا به شهرهای متعددی سفر کردم و بررسی عوامل مؤثر بر سیر تحولات کالبدی شهرها فرصت بررسی شاخصهای روحبخش را نیز فراهم کرد که سرآغازی بر ایده این پژوهش بود.

در این تحقیق در ابتدا با مراجعه به نظرات صاحب‌نظران در تعریف شهر به خصوص دیدگاه‌ها در جهان معاصر به بررسی رابطه عوامل کیفی پیشنهاد شده برای ارتقای ارزش‌های فضای شهری پرداخته شده است. در مراحل بعد با تعریف توسعه یافته‌ای از ماهیت فضا و فضای شهری و تبیین عوامل مؤثر در تشکیل فضای کالبد شهری به تأکید عامل اجتماعی و فرهنگی، مبانی کامل شده و سپس چپستی روح شهر و بازیابی ارزش آن در ارتباط با فضا و فضاهای شهری بیان شده است و نهایتاً فرضیه حاصل از مطالعات میدانی از شهرها با نتایج حاصل از نظرات صاحب نظران تطبیق داده می‌شود. این پژوهش در مرحله اول بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای به تحلیل مباحث می‌پردازد در مرحله مطالعات میدانی و موردی از شیوه روش‌های کیفی بهره برده است.

۱-۱ در جستجوی تعریف شهر

مایکل مونیگر^۴ در مقاله‌ای تحت عنوان "سازمان بخشیدن به شهر"^۵، تعریفی از فیلسوف گئورک زیمل^۶ ارائه می‌کند که در سال ۱۹۰۳ میلادی اظهار شده است:

"شهر واقعی فضایی با پیامدهای جامعه شناختی نیست بلکه واقعیتهای جامعه شناختی است که حدود فضایی به خود می‌گیرد". (مونیگر،

(۱۳۷۳)

^۱Christian Norberg-Schulz

^۲ Christopher Alexander

^۳ Ulric Neisser

^۴ Micheal Monninger

^۵ Managing the city

^۶Georg Simmel

اگر از تقابل تأثیر فیزیک شهر بر اجتماع یا اجتماع بر فیزیک شهر در این گفتار بگذریم که مطلبی در خور، لیکن فضای لازم و دیگری را برای بحث می‌طلبید، زیمیل در این گفتار که در زمانی پس از گذار از دوران صنعتی و در فضای مدرنیسم ایراد کرده، تأکید بر ساختار جامعه‌شناختی شهر و اولویت آن در تعریف و ماهیت وجودی شهر می‌کند و می‌توان دریافت که وی ویژگی‌های عملکردی دیگر را که در قالب فیزیک شهر تبلور می‌یابد را در درجه اهمیت کمتری نسبت به عامل اجتماعی قرار می‌دهد.

بی‌تردید این توجه و نشانه روی به سوی مباحث کیفی اجتماعی و جامعه، وجه تمایز تعاریفی است که می‌توان از شهر بر اساس علت وجودی آن، در گذشته و پیش از مدرن در مقابل شهرهای بعد از مدرن داد.

اگرچه تمامی مجموعه‌های زیستی اولیه دلیل وجودی خود را در نیاز به همیاری و ارزش‌های اجتماعی که گفته‌اند در نهاد انسان‌ها قرار دارد می‌یابند، لیکن شهرها علت وجودی جدای از آن و مقدم بر آن را نیز تجربه کرده‌اند. شهرهای اولیه علت وجودی خود را نه از تمایل به زیست اجتماعی که این قبلاً در مجموعه‌های زیستی چون روستاها یا دهکده‌ها و مانند آن نیز وجود داشته است بلکه به دلایل سیاسی و یا مذهبی و یا هر دو یافته بودند. از شهر- مذهب‌های بین‌النهرین و مصری گرفته تا شهر- قدرت‌های مادی همه مظهر تبلور نیاز به تسلط و سلطه مذهبی یا حکومتی بوده‌اند و حال آنکه چنین دلایلی برای وجود و توسعه شهرها در انتهای هزاره دوم و ابتدای هزاره سوم میلادی همگام با تغییرات بنیادین در تمدن بشری، دیگر گونه است و تعریف زیمیل از شهر نشان از تأکید و اصراری است بر اولویت علت وجودی و توسعه شهرها با نگاهی پسامدرن: "پاسخگویی به نیازهای بنیادین همزیستی و تعامل اجتماعی"

اکثر تعاریفی که از شهرها ارایه شده است دریافت و برداشتی از عوامل تأثیرگذار بر ظهور و گسترش شهرها بوده است لذا تعریف شهر متکی به تعیین این عوامل در هر دوره و دقت در این عوامل، فرصتی برای تعریف دقیق‌تر شهر خواهد بود؛ از رویکردهای اقتصادی و سیاسی گرفته تا اجتماعی و فرهنگی و حتی جغرافیایی. لذا در فرایند تعریف و به ادعای این پژوهش، باز تعریفی از شهر به مرور برخی تعاریف گزینش شده از شهر می‌پردازیم:

معمولاً در تمامی منابع تبیین‌کننده عوامل ظهور شهرها به دو عامل اقتصاد و سیاست تأکید ویژه شده است تا آنجا که از نظر پیرن^۱: "شهر اجتماع بازرگانان است". (پیرن، ۱۹۲۵)

ماکس وبر^۲ نیز در کتاب خود "شهر در گذر زمان" ۳ شهر را مکان یا زیستگاه ساکنانی می‌داند که در درجه اول از راه بازرگانی و نه کشاورزی زندگی می‌کنند و نه شهر به مفهوم اقتصادی آن و نه ساخلو (شهرهای تلفیقی از دژ و بازار) که ساکنان آن از ساخت سیاسی- اداری ویژه‌ای برخوردارند هیچ یک لزوماً شهروند مشترک (اجتماع) را تشکیل نمی‌دهند". (وبر، ۱۳۶۹) به اعتقاد گوردن چایلد^۴ به وجود آمدن تمدن شهری را باید به دلیل پیدایش نوآوری‌های فناورانه دانست که خود سبب تخصصی شدن فعالیت‌ها، افزایش تولید و انباشت مازاد تولید شده‌اند. (فکوهی، ۱۳۸۳)

در تئوری دیگری شهرها زاییده نظام سیاسی هستند به عبارت دیگری گروهی از افراد یک جامعه زیستی جهت اعمال نفوذ و بهره‌کشی از گروهی دیگر ساختاری را به وجود آوردند که به مرور تبدیل به شهرها شدند، در واقع شهرها زاییده نوعی تفکر استثماری و استعماری هستند. در نگاهی متعادل‌تر شهرها مکان‌هایی هستند که دارای بعضی محدودیت‌ها می‌باشند، چه مادی یا سمبلیک، به منظور جداسازی آن‌هایی که به مرتبه شهری تعلق دارند و آن‌هایی که تعلق ندارند. جی اف سابری^۵ نوشت که "یک شهر بدون دیوار شهر نیست". حتی بدون هیچ محدودیت فیزیکی، شهرها دارای یک محدوده قانونی هستند که در آن حریم‌ها و امتیازات اعمال می‌شوند. (کاستف، ۱۹۹۱)

حاکمیت بر منابع به عنوان علت وجودی شهرها به وسیله کارل ویتفوجل^۶ مورخ و چین شناس آلمانی و نیز ژولین استوارد^۷ انسان‌شناس آمریکایی مطرح شده است. (فکوهی، ۱۳۸۳) غالباً عوامل سیاسی در شاکله مذهبی و اعتقادی منجر به ظهور شهرهای اولیه در شرق و غرب بوده‌اند و حتی در شهرهای آرمانی یونانی و ایرانی نیز این شاخصه نمودی بارز داشته است. (کوچک خوشنویس، ۱۳۸۵)

1 Pirenne
2 Max Weber
3 The City
4 Gordon Childe
5 J.F.Sobry
6 Karl Wittfogel
7 Julian Steward

تعاریف متعددی متکی به جنبه های کمی نیز از شهر ارائه شده است که میزان جمعیت یا وسعت آن را ملاکی برای شهر بودن مدنظر قرار می دهند و فرصت بیان آنها نیست لیکن عوامل اجتماعی و به خصوص جنبه های کیفی آن چون تعاملات اجتماعی، مشارکت مردمی و ... مهم ترین شاخصه های تعریف شهر در دوران معاصر هستند.

در طول تاریخ شهرنشینی، فضاهای عمومی شهری چه در قالب ساختمان ها و فضاهای بسته عمومی و چه در شاکله میادین، پیاده راه ها، پارک ها و ... نقش اساسی در زندگی اجتماعی شهروندان داشته است لیکن افزایش جمعیت شهرها، تخصصی شدن فعالیت ها، تحولات تکنولوژیکی و اقتصادی و ... منجر به حذف بسیاری از این فضاها و یا تغییر ماهیت عملکردی و خصوصی سازی آن ها در دوران مدرن شده است. این مشکل اگرچه به طور متفاوت لیکن در شهرهای در حال توسعه نیز در فرآیند مدرنیزاسیون رخ نموده است. اهمیت این فضاها در شکل دهی به رفتار سیاسی و اجتماعی و تأثیر آن در جهت تحقق حقوق دموکراتیک، تفریح و اوقات فراغت و ... منجر به اعتراض و اظهار نظرها و ارایه تئوری های متعددی در توجه مجدد به نیازهای اجتماعی و باز تولید فضاهای پاسخگو از طرف صاحب نظران و اندیشمندان شده است. شروع آن در مکتب شیکاگو و سپس در دیدگاه صاحب نظران دیگر چون مامفورد در نیمه اول قرن بیستم و سپس در نیمه دوم این قرن در بسیاری دیگر چون هالپرین^۱، والزر^۲، تیبالدز^۳، کالتروپ^۴، میتچل^۵، برازا^۶ و ... قابل مطالعه است. این تئوری ها و دیدگاه ها در دهه های پایانی قرن بیستم و شروع قرن ۲۱ منجر به تحولات جدی در ساختار کالبدی شهرهای پیشرو و توسعه یافته اروپایی و آمریکایی شده است.

در مکتب شیکاگو که توسط آلبیون اسمال^۷ پایه ریزی شد، شهر در آن واحد هم یک نظام پیچیده از افراد و نهادهای به هم وابسته در نظر

گرفته شد و هم یک نظم اجتماعی که در آن پدید آمدن خرده فرهنگ ها و بیگانه گرایی زمینه ای مساعد می یافت. (فکووی، ۱۳۸۳)

اگرچه مامفورد^۸ معتقد است که سابقه تأثیر و اهمیت عامل اجتماعی در شهرها قدمتی به طول تاریخ شهرنشینی دارد لیکن این نظر وی تأکید بر عاملی اجتماعی - سیاسی دارد که برای دفاع در مقابل دشمن بروز می یافته است. (مامفورد، ۱۳۸۵)، با این وجود توجه ویژه او به جایگاه امروزین این نیاز یعنی عامل اجتماعی - فرهنگی، قابل توجه است. وی انجمن ها را خاص جوامع شهری می داند در صورتی که گروه های دیگری چون خانواده و واحد همسایگی مربوط به همه نوع از جوامع و مجموعه های زیستی است. وی شهر را به تئاتری برای عمل اجتماعی و نهاد زیباشناختی و وحدت جمعی مثال می زند و تأکید بر جایگاه با معناترین اعمال و اشتیاق های پالایش یافته فرهنگ انسانی در شهر دارد و می نویسد "شهر مروج هنر و خود هنر است، شهر موجد تئاتر و خود تئاتر است". (همان)

ادوارد هال^۹ با پافشاری بر رابطه ی شهر و فرهنگ به تعریف شهر می پردازد: "شهر گذشته از هر مسأله ی دیگری، بیانگر فرهنگ مردمی است که آن را پدید آورده اند" (هال، ۱۳۷۶)

افرادی چون ریموند لدرو^{۱۰} در تعاریف خود به لایه های عمیق تری از ارتباط شهر و مردم اشاره می کنند. وی ادعا می کند که تعریف محیط از این سطح معنایی نمادین تراوش می کند در این دیدگاه بینش اجتماعی اهمیت یافته و ارتباط مردم با شهر از شناخت حسی افراد فراتر می رود. (یار احمدی، ۱۳۷۸) هالپرین شهر را وظیفه مند ارائه محیطی خلاق برای شهروندان می داند؛ شهری با تنوع و تعامل میان مردم و محیط شهری که به شهروندان اجازه ی انتخاب آزادانه بدهد. (هالپرین، ۱۹۷۲)

شهر مدرن محصول طراحی برای جمع است و دستاوردی جمعی است. لیکن آلدو روسی^{۱۱} شهر را به عنوان یک هویت اجتماعی دستاورد ناخودآگاه جمعی می داند؛ "در واقع شهر یک معماری جمعی است که از دیدگاه فضایی به ذهن جمعی تجسم داده است." (روسی، ۱۹۷۳)

در پژوهش تز دکتری خود میزان تأثیر هر یک از عوامل یاد شده را در دوره های مختلف تاریخی بررسی کرده ام. پژوهش نشان داد که چگونه میزان تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر توسعه کالبدی شهرهای اروپایی در طول زمان رشد داشته است و تأثیر عوامل سیاسی و مذهبی و جغرافیایی که نقش اصلی در توسعه شهرها داشته اند، کاهش یافته است. (رضوانی، ۱۳۹۰) می توان نتایج تحقیق مذکور را در دیاگرام خلاصه

^۵ L. Halprin

^۲ Walzer, 1986

^۳ F. Tibbalds

^۴ Calthorpe, 1993

^۵ Mitchell, 1996

^۶ Rogers, 2003

^۷ Braza, 2003

^۸ Albion Woodbury Small, 1854-1926

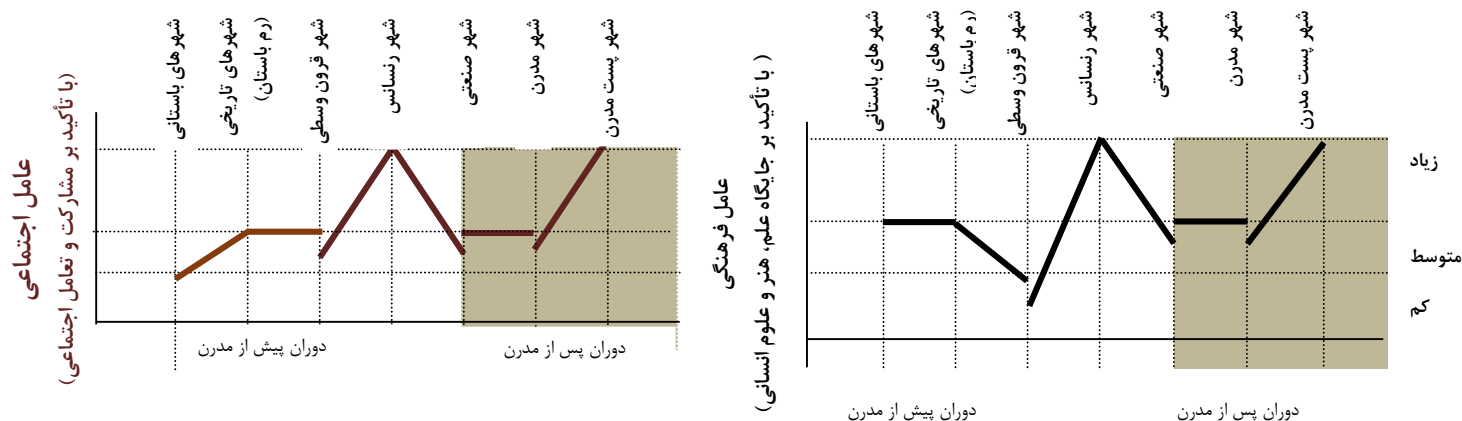
^۹ Lewis Mumford

^{۱۰} Edward T. Hall

^{۱۱} Raymond Ledrut, 1973

^{۱۲} Aldo Rossi

شده ای به تفکیک دوران پیش از مدرن و پس از مدرن نیز نشان داد. به این ترتیب رشد تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی دوران پس از مدرن نسبت به دوران پیش از مدرن در شهرهای اروپایی به طور مشخص نمایش داده می‌شود. به عبارت دیگر جایگزینی علل و فرصت‌های تولد و توسعه شهرها از دلایل سیاسی- جغرافیایی به دلایل اجتماعی- فرهنگی منجر به تغییرات بنیادین در تعریف شهر و انتظارات ما در ابتدای هزاره سوم از شهرها شده است.



شکل ۱ نمودار میزان تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی در دوره های مختلف در شهرهای اروپایی
مأخذ: نویسنده

ادموند بیکن^۱ شهر را به عنوان بزرگ‌ترین دستاورد بشری، پیامد کاری ارادی می‌دانست. او به این باور بود که این برآیند تصمیمات مردم شهر است که شکل شهر را تعیین می‌کند و این بیانیه را صادر می‌کند که: "شکل شهر همواره شاخص بی‌رحم درجه تمدن بشر بوده و خواهد بود. پس شهر هنر مردم است." (بیکن، ۱۳۷۶)

جین جیکوبز^۲ نویسنده آمریکایی در مقاله ای به نام "فایده پیاده روها" از کتاب "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا" اشاره می‌کند که آنچه شهر را قابل زندگی و یک محله را به یک جامعه مشارکتی تبدیل می‌کند، حس تعلق شخصی و انسجام اجتماعی است که از وجود محلات قدیمی و خیابانهای باریک و پرجمعیت و چند منظوره ناشی می‌شود. از نظر او حیات شهر مدیون مشارکت ساکنین آن در فعالیتی است که او آن را "رقص خیابانی" می‌نامد. جیکوبز می‌نویسد: "هرکجا که شهر قدیمی موفق به نظر می‌رسد، در پشت بی‌نظمی ظاهری آن نظم شگفت انگیز جهت حفظ امنیت خیابان ها و آزادی شهر وجود دارد. این نظم پیچیده است که از فایده پیاده روها برمی‌خیزد که با خود نوعی توالی بی‌وقفه چشم‌ها و نگاه‌ها را به همراه می‌آورند. نظم است که سراسر از حرکت و تغییر شکل می‌گیرد و اگرچه این زندگی است و نه هنر، ما می‌توانیم آن را یک شکل هنری شهری بخوانیم و به رقص ظریف و پیچیده تشبیه کنیم که در آن رقصندگان منفرد و گروهی هریک نقشی ویژه دارند و به نحوی معجزه آسا یکدیگر را تقویت می‌کنند تا کل منظم و بسامانی را شکل دهند." (Jacobs, 1961)

تعاریف متأخر نشان از اهمیت توجه به عوامل اجتماعی و فرهنگی در توسعه و تکامل شهرهاست و لذا تعریف از شهر در دنیای کنونی جایگاه ویژه ای برای این عوامل معین می‌کند و نیاز به بازتعریف را الزام آور. شهرها در رقابتی شدید و سریع در رشد تمدن بشری مسئولیتی یافته‌اند که انتظار ما را از این نوع از مجموعه زیستی بسیار بیش از تعاریف اولیه و محدود آن بالا می‌برد و به خصوص با توسعه دموکراسی و حق حضور و مشارکت و نقش مردم در توسعه و تکامل این نوع از ساختار دست ساخت بشر، فعالیت‌های اجتماعی و جمعی در آن اساس و بنیان این توسعه بوده و شهرها محلی برای این تعاملات اجتماعی هستند. با این انتظار بسیاری از شهرهای کنونی از زمره شهر خارج می‌شوند و فقط می‌توانند عنوان یک مجموعه زیستی را به خود بگیرند و جالب خواهد بود هر گاه با این نگرش مروری مجدد بر انواع به اصطلاح شهرهای حاضر جهان در هزاره سوم کرده، با اطمینان بسیاری از شهرهای حتی بزرگ و موسوم به کلانشهر را از زمره شهرهای واقعی خارج کنیم و لازم می‌آید

¹ Edmund Bacon

² Jane Jacobs

برای آن‌ها نام دیگری اختیار گردد تا شخصیت و ماهیت "شهر" به عنوان مجموعه‌ای پاسخگو به نیازهای اجتماعی شهروندان و حضور و مشارکت آن‌ها که معیار و محک اصلی این سنجش و فرصتی برای توسعه فرهنگی است، مختل نگردد.

شکل ۲ چرخه ادراکی نایسر

منبع: Neisser, Ulric(1976) Cognition and reality, San Francisco: W.H. Freeman and company, p 21

۱- فضا، ادراک و معنا:

فضا یکی از اساسی‌ترین مفاهیم در دانش طراحی محیطی است. در درک و برداشت عمومی، فضا، خالی مابین اشیاء و اجسام است، تصور می‌شود آنجا که چیزی نیست فضا است. انطباق معنی از فضا با "خلاء" و "هیچ"، یک انگاشت دیرینه است. لیکن تدقیق مطلب در علوم و هنرها در قالب کلماتی چون فضای لایتناهی، فضای موسیقایی، فضای نقاشی، فضای معماری و فضای شهر نشان از چهره دیگری از فضا دارد و برداشت اولیه را محتاج توضیح می‌کند.

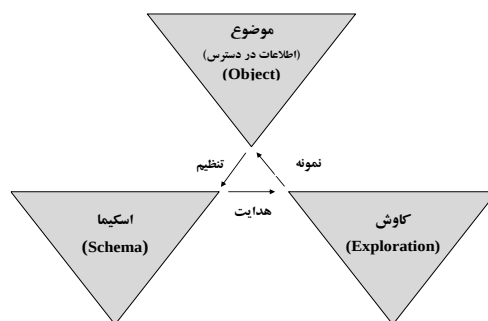
بر اساس اولین تعاریف مطرح شده از فضا، برای تعیین و تبلور فضا می‌بایست شی حضور یابد. (حضور شی ضروری است) حضور اولیه شی در خالی و هیچ، تولد فضا را نیز به همراه خواهد آورد و در این حالت، فضای پیرامون شی قابل به تعریف و دارای موقعیت و مکانیت نسبی است (اگرچه در اینجا می‌توان فضای احتمالی داخل شی یا سطح آن را نیز به بحث کشید). حضور اشیای دیگر نیز در فضای پیرامونی شی اول منجر به تقسیم و تکرر فضاها شده و نسبیت^۱ مفهوم یافته و هر فضا یا مجموعه‌ای از آن‌ها نسبت به بقیه یا نسبت به اشیاء قابل تعریف و تعیین مکانی هستند. در واقع فضا جایی میان چیزهاست و در این انگاره اشاره به "جا"، تأکیدی بر اهمیت و ویژگی مکانی فضا و مقدم به آن و اشاره به "چیز" تأکید بر حضور شی و کالبد دارد. اگرچه این میزان دقت در تعریف، خود به اندازه کافی جریان پیچیده درک فضا را نمایان می‌سازد با این وجود این تعریف بسیار ابتدایی می‌نماید. بی‌گمان معماری مدرن در کاهش غنای مفهوم فضا در سطح تصور بصری آن و انطباق آن با مفهوم جا و فاصله بین اشیاء نقش موثری داشته است و منجر به برداشت مفهومی ناقص و سطحی شده است. (مستغنی، ۱۳۸۴) لیکن قدمی به جلو، ویژگی دیگری از فضا و مکان را پیش رو می‌گذارد و آن "رابطه‌هاست". فضا بیش از آنکه تعیین کننده و نمایش دهنده نسبت مکانی و محدوده‌ها باشد، مشحون از روابط است. روابط میان اشیاء و حتی روابط میان ارتباطات.

ادراک محیطی فرآیندی است که از طریق آن انسان داده‌های لازم را بر اساس نیازش از محیط پیرامون خود برمی‌گزیند. (مطلبی، ۱۳۸۰) به گفته چدویک^۲، فضای ادراکی به عنوان آن چه که انسان در واقعیت ادراک می‌کند، نتیجه‌ی استنباط انسان از فضای فیزیکی است. میان فضای فیزیکی به عنوان محیط انسان و خود انسان، جریانی از داده‌ها وجود دارد که موجب می‌شود تا انسان برداشتی از فضای فیزیکی خود داشته باشد که در واقع فضای ادراکی او را شکل می‌دهد (پاکزاد، ۱۳۸۶) نایسر می‌نویسد: "ادراک جایی است که شناخت و واقعیت با هم تلاقی کرده و به هم می‌رسند ... ادراک مانند تکامل موضوع کشف چگونگی محیط و تنظیم شدن با آن است. نکته قابل توجه در نظر او کانسپت "اسکیما" است؛ ساختار از پیش موجود در ذهن که انتظار یا پیش بینی مخاطب از چیزها و رویدادها را تعریف می‌کند. او مدل چرخشی سه مؤلفه‌ای: اطلاعات، اسکیما و ادراک را ارائه می‌دهد. ادراک انسان را از طریق تغییر در اسکیما یا تنظیم آن تغییر می‌دهد. (شکل ۲، Neisser, 1976: 9, 14, 24, 53)

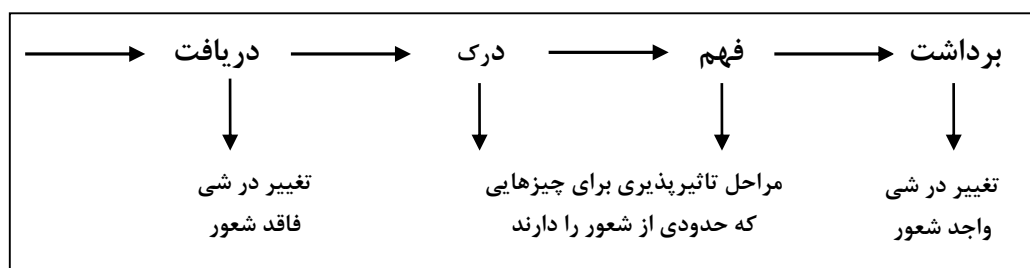
در فرضیه "نسبیت" و پس از آن "کوانتوم" هر شی به اشیای دیگر در فضا تأثیر می‌گذارد. این تأثیر که در فرایند روابط آن اشیاء ایجاد می‌شود منجر به تغییر و تحولات در هر یک از آن اشیاء شده که اصطلاح "دریافت" کلمه مناسبی برای بیان آن تأثیر است. حال اگر برخی یا هر یک از آن اشیاء دارای حدی از شعور باشند، حاصل این روابط دو چهره و ویژگی دیگر هم خواهد یافت؛ درک و فهم. پس می‌توان گفت که اگر فضایی که طراحی می‌شود دارای معنایی قابل ادراک برای مخاطب باشد می‌تواند او را تغییر دهد.

¹ Relativity

² Georg Chadwick



حضور انسان در این فضا، علاوه بر غنای بیش از حد و معنی یافتن واقعی مراحل پس از دریافت (درک، فهم و برداشت) فرصتهایی برای مفاهیمی از قبیل تصور، آرزو، خیال، و ... را نیز فراهم می‌کند که همگی نتیجه این روابطند. روابطی که در این حال به شکلی حتی خلاصه شده به چند نوع قابل طبقه‌بندی هستند: روابط اشیا با یکدیگر، روابط انسان با اشیا (محیط)، رابطه انسان با انسانی دیگر و رابطه هر انسان با خودش. و نهایتاً درک و فهم از روابط پیش گفته برای هر عضو با شعور در این فضا که پیچیدگی این روابط را مضاعف و فزاینده می‌کند و چنانچه روابط فی مابین رابطه‌ها را نیز قابل به تعریف بدانیم حجم گسترده‌ای از مضامین و مفاهیم قابل بررسی، متظاهر خواهد شد.



شکل ۳ سلسله مراتب ارتباط

منبع: نویسنده

حال معتقد است که انسان هرچه هست و هر کاری انجام می‌دهد به درک او از فضا وابسته است و بر نقش فرهنگ انسانی در پرورش هر یک از قوای حسی چون بینایی، شنوایی، حرکتی، بویایی و گرمایی تأکید می‌کند. (هال، ۱۳۷۶) و بیکن نیز با بیانی دیگر به نقش نمادها و انگاشت‌های قدیمی و تجربه‌های پیشین در باز تعریف فضا اشاره می‌کند و وارد مبحث معنا در فضا می‌شود. (بیکن، ۱۳۷۶) لنینچ نیز منظور از معنی یک سکونتگاه را وضوح در درک و شناخت آن و سهولت برقراری پیوند بین عناصر و اجزای آن با سایر رویدادها و مکان‌ها می‌داند و درعین حال تأکید می‌کند معنی به شکل فضایی و کیفیت‌ها وابسته است ولی به فرهنگ، منش، موقعیت، تجربه و مقصد کنونی مشاهده‌گر نیز بستگی دارد. به همین دلیل معنی یک مکان خاص برای مشاهده‌گران مختلف متفاوت خواهد بود. (لنینچ، ۱۳۸۱) آدریان فورتی در کتاب "هنر فراموشی" با مطرح کردن این ادعا که خاطرات تشکیل شده در ذهن می‌تواند به اشیاء مادی جامد منتقل شود را مطرح کرد. برای فورتی، اشیاء می‌توانند اطلاعات را به طور مرموزی منتقل کنند یا با تجربیات در مسیر که خاطرات جمعی را تحت تأثیر قرار خواهند داد، ارتباط برقرار کنند. (Abdolmonem & Selim, 2012)

می‌توان از نظرات نایسر اینطور برداشت کرد که معمولاً ما معنای اتفاقات را درک می‌کنیم نه ترکیبات ظاهری قابل تشخیص آنها را و می‌نویسد: "زمانی که اطلاعات در سطوح حسی پدیدار می‌شوند، اسکیما آن را پذیرفته و با آن تغییر می‌کند، حرکات و فعالیت‌های کاوشی را راهنمایی کرده که باعث می‌شود اطلاعات بیشتری دریافت شوند و باز با این اطلاعات بیشتر تغییر می‌کند." (Neisser, 1976: 54) اسکیما با تجربه توسعه می‌یابد و اشخاص با تجربه بالاتر در یک موضوع قادر به درک وجوه ظریف تری از محیط می‌باشند.

بر اساس خلاصه‌ای گذرا که عنوان شد، برای شناخت فضا در هر یک از علوم و فنون و هنرها و به خصوص در حوزه شهرسازی و معماری، لازم است ابتدا به این روابط متکثر و پیچیده توجه شود. فضا با حضور اشیا و عناصر متولد می‌شود و با روابط میان آن‌ها معنی می‌یابد. فضا،

دنیای رابطه‌هاست و رابطه در حرکت و زمان جاری است و لذا حضور فضا به معنای وجود شی، حرکت و جریان روابط در زمان است. لذا تصور و تعبیر فضا که بستر بروز عمیق‌ترین و پرمعناترین مضامین هستی است، در حد "خالی بین اشیا" سطحی نگری است.

۱-۳- فضای شهری (فضای روابط انسانی)

طی هزاران سال تجربه بشر در شناخت ذات هستی، دوران معاصر را می‌توان عصر تنظیم رابطه انسان با هستی دانست. شهر به عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای تمدن بشری، مکانی برای سکونت گسترده است و موضوع اصلی این انتظام است. شهرها نقش بسیار مهمی در توسعه جوامع دارند و فضای شهری مهمترین مرکز ادراکات اشتراکی آدمی در آنها تلقی می‌شود.

میرمیران معتقد است که معماری و شهرسازی جهان در مجموع یک سیر تکاملی در درک و توسعه مفاهیم فضا و مکان را نشان می‌دهد و تمامی عناصر را اجزای این سیر تکاملی می‌داند او برای سیر تکاملی و تاریخی تمامی آثار شاخص معماری دو ویژگی مشترک قائل است؛ کاستن ماده و افزایش فضا. این حرکت برگرفته از حرکت کلی جهان هستی از کیفیت مادی به کیفیت روحی است. (میرمیران، ۱۳۷۷)

شهر به معنای کامل یک سیستم باز است. یعنی نمی‌تواند از هر نظر کامل و مجموعه‌ای از تمام عناصر لازم جهت ادامه حیات خود باشد. (بحرینی، ۱۳۷۸) شهر، دارای عناصر و اجزایی است. شهر را به طور کلی شامل دو عنصر یا دو بخش کلان می‌دانند؛ اول، کالبد شهر و دیگری فضای شهر. منظور از کالبد، معمولاً ساختمان‌ها و توده‌هایی از این دست هستند و فضای شهر را معمولاً به فضای باز شهری تعبیر می‌کنند. زوکر در تعریف چپستی فضای شهری آن را ساختاری سازمان یافته، آراسته و واجد نظم تعریف می‌کند که به صورت کالبدی برای فعالیت‌های انسان و به قواعد معین و روشنی استوار است. در اعتقاد او هر فضای خالی بین ساختمان‌ها فضای شهری نیست. (پاکزاد، ۱۳۸۴)

اسپرای رگن^۱ فضاهای شهری را به دو بخش تقسیم می‌کند: فضاهای رسمی^۲ یا فضاهای شهری که معمولاً به وسیله نمای ساختمان‌ها پدید می‌آید و فضای طبیعی^۳ یا فضاهای باز که بیانگر طبیعت درون و پیرامون شهر است. وی در ارتباط با تفاوت‌های میان فضاهای باز با فضاهای شهری می‌گوید: فضاهای شهری، تمرکزی رسمی بر روی فعالیت‌های شهری دارد در حالی که فضاهای باز، غیر رسمی، طبیعی و پارک مانند می‌باشند. (پاکزاد، ۱۳۸۶) راب کریر^۴ در تعریف فضای شهری، تمامی ارزش‌های ادراکی فضای شهری را در خود شی که همان کالبد موجود در بیرون ساختمان‌هاست محدود می‌کند. (کوچک خوشنویس، ۱۳۸۵)

به نظر پاکزاد فضاهای شهری دارای سه شاخص اصلی عرصه عمومی شهر هستند؛ "عمومی بودن"، "باز بودن" و "بستر تعاملات اجتماعی" (پاکزاد، ۱۳۸۴). هالپرین، فضاهای باز شهری را به دو دسته تقسیم می‌کند: نخست فضاهای باز همگانی که خیابان، میدان و پارک‌ها را در بر می‌گیرد و سپس فضاهای زندگی خصوصی که دربردارنده حیطه‌های کوچک و محوطه‌های باز خصوصی است. (هالپرین، ۱۹۷۲)

فضای باز شهری از دیر باز تا کنون بستر تعاملات اجتماعی بوده است. امروزه علی‌رغم رواج پدیده‌های نوین ارتباطی چون مطبوعات، ماهواره و اینترنت، استفاده از فضای باز شهری برای ارتباط شهروندان با یکدیگر هنوز اهمیت خود را از دست نداده است. فضای باز شهری به مکانی اطلاق می‌شود که همه شهروندان بتوانند آزادانه از آن بهره‌برداری و در ارتباط با یکدیگر قرار گیرند. فضاهای شهری مطلوب، فضایی است که به نیازهای انسان پاسخ‌گو باشند. نیازهای انسان در فضاهای شهر بر اساس الگوی سلسله مراتب نیازهای مازلو عبارتند از: راحتی، آسودگی، حضور فعال و غیر فعال در فضا و پیچیدگی مطلوب (کشف) فضا. (عباس زادگان، ۱۳۸۳)

حوزه عمومی شهری را عموماً نشانه سلامت یا بیماری شهر می‌دانند. شهروندان شهر را همچون کلی واحد از طریق حوزه عمومی دریافت و درک می‌کنند و چنانچه حوزه عمومی نامفهوم، نارسا و عاری از حیات باشد، ارتباط مردم با آن دشوار می‌شود و نتیجتاً درک و دریافت شهر با اشکال مواجه می‌گردد. شهروندان نه بر اساس محیط موجود و واقعی پیرامون خود، که بر اساس فضای ادراک شده، کنش و واکنش نشان می‌دهد. حوزه فعالیت طراحی شهری نیز نه فضای واقعی موجود، که فضای قابل ادراک است. (پاکزاد، ۱۳۷۶) و اساس تعریف فضا و ادراک ویژگی‌های آن به نگرش و فرهنگی که در آن فضا جاری و ادراک می‌شود مرتبط است. فضاهای شهری، ارکان ساختار کالبدی شهر و محل فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هستند... اصطلاح فعالیت‌های عمومی ویژگی ذاتی فضای شهری است. (توسلی، ۱۳۷۶)

¹ Spreiregen

² formal space

³ natural space

⁴ Rob Krier

⁵ Abraham Maslow

نقش اصلی فضای شهری در فراهم آوردن امکاناتی برای تسهیل روابط انسان‌ها با یکدیگر جای دارد. فضای شهری، با تسهیل جریان شهروندی از طریق حس تعلق انسان به محیط (فضای ساخته شده از جنبه کالبدی) و به اجتماع (از طریق تسهیل کنش‌های متقابل انسان‌ها با یکدیگر) حیات مدنی را به کالبد شهر انتقال خواهد نمود. (حبیبی، ۱۳۷۹)

در مقام جمع بندی اگرچه در تعریف فضای شهری، فضای عمومی شهری و فضای باز شهری نظرات متنوع و بعضاً متناقض مطرح است لیکن می‌توان گفت که فضای باز شهری و فضاهای عمومی شهری زیر مجموعه‌هایی از فضای شهری هستند و اکثر صاحب‌نظران بر اهمیت خصیصه غنای فعالیت‌های عمومی و اجتماعی در فضاهای شهری و بخصوص در فضاهای باز شهری متفق القولند.

۲-۳- شاخص‌های کیفی در طراحی فضای شهری مطلوب

به سختی می‌توان تفاوت و مرزی مشخص بین کیفیت‌ها و کمیت‌ها و شاخص‌های هر یک در شهرها ترسیم کرد این ادعا را می‌توان در تلاقی و امتزاج کاربرد این دو عبارت و مفاهیم آن؛ در اظهار نظر اکثر صاحب‌نظران مشاهده کرد لیکن تصویری اولیه و ساده را می‌توان در حرکت و عبور شاخص‌های کیفی از مرز نیازهای ذاتی و اولیه دانست، اگرچه بسیاری از این نیازهای اولیه نیز می‌توانند دارای حدودی از کیفیت‌ها باشند. یک شیء یا یک فضا یا مکان و در مجموع یک پدیده دارای وجوه کمی و کیفی است و عموماً ویژگی‌های کیفی آن ورای اندازه و مقدار به جنبه‌های ارزشی، معنایی، نمادین و روحانی و در برخی موارد ماوراءالطبیعه آن اشاره دارد. لیکن نمی‌بایست رابطه میان جنبه‌های کمی و کیفی را نادیده گرفت و با نگاهی معمارانه چنانچه واژه فضا را به معنای اثر، رابطه و کیفیت استفاده کنیم، فضا در این معنا نوعی ادراک خواهد بود، و لذا فضا در این دیدگاه امری عینی و ذهنی توأمان است.

شولتز نظرات ارزشمندی را در خصوص کیفیت بخشیدن به مکان از طریق معنا ارائه می‌دهد و می‌نویسد: "اصطلاح معنا آشکارا بر چیزی دلالت دارد که نمی‌تواند کمی باشد. بشر با کمیت‌ها اصالت نمی‌یابد، بلکه این ارزش‌ها هستند که او را به آن سوی سودمندی صرف رهسپار می‌سازند." و در تبیین ماهیت معماری می‌گوید که: معماری به مثابه یک هنر، به چنین ارزش‌هایی پرداخته است. و اظهار تأسف می‌کند که امروز ابعاد هنری معماری تقریباً به فراموشی سپرده شده است. وی یکنواختی و آشفتگی را دو ویژگی بارز مکان‌های زندگی امروز می‌داند و از این بحران عمومی با تعبیر "بی مکان" یاد می‌کند. شرایطی که صاحب‌نظران پسامدرن با طلب "معنا" قصد خروج از آن را دارند. او تأکید می‌کند؛ مکان‌های زندگی ما بسیار به یکدیگر شبیه شده‌اند و آنچه در گذشته به عنوان "روح نگهبان" آن‌ها شناخته شده بود از دست رفته است.

وی از تعلقات اجتماعی و محصولات فرهنگی به عنوان ارزش‌های برتر یاد می‌کند و برای رهایی از فضاهای خنثی، نظامی از مکان‌های با معنا را پیشنهاد می‌کند و حس نوستالژیک انسان به معابر باریک و میادین بدون قاعده شهرهای قدیمی و طبیعت که خارج از عملکردهای متعارف به تجربه تاریخ تکامل یافته‌اند را نشانه‌های ارزشمندی از مفهوم فضا می‌داند. (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۲)

یان گل^۲ نیز کیفیت برخی فعالیت‌ها را در شهر منجر به معنا بخشی به فضای شهری دانسته و تأکید می‌کند که از فضا انتظار می‌رود زمینه فعالیت‌های اجتماعی را فراهم کند. زیرا در این گونه فضاها انگیزه اصلی حضور شهروندان است وی این خصوصیت را منجر به جذاب و زنده بودن شهر می‌داند. نکته قابل توجه دیگر در دیدگاه وی برنامه ریزی برای گسترش تدریجی شهر و فضاهای شهری است و می‌نویسد: "خصوصی سازی رایج امروز موجب خالی شدن خیابان‌ها از فعالیت‌های انسانی و رویداد های اجتماعی و از بین رفتن انگیزه‌ی حضور در فضاهای همگانی می‌شود" (گل، ۱۹۸۷).

کریستوفر الکساندر در چند کتاب پیاپی از سال ۱۹۷۵ با "تجربه اوریگان"، "معماری و راز جاودانگی" (۱۹۷۹) و ... به مباحثی در کیفیت ساختارهای شهری می‌پردازد و در کتاب "طبیعت نظم" (۲۰۰۴) بیانیه خود را صادر می‌کند؛ وی رویکرد عقلانی به همراه تفکر تحلیلی از پدیده‌ها و نیز ادراک حسی را برای خلق و ایجاد ساختارهای زنده، لازم و ضروری می‌داند. علاوه بر آن پانزده اصل پیوند ناگسستنی ماده و آگاهی که منجر به ایجاد کلیت واحد و یکپارچه می‌شود، از مهم‌ترین نتایج کتاب است: مقیاس‌های مختلف، مراکز قدرتمند، پیوند عمیق و ابهام، شکل خوب، فضاهای مثبت، سادگی و آرامش، تضاد، فضای خالی، ناهمواری‌ها، بازتاب، تقارن‌های محلی، تکرار، مرزها، شیب، عدم تفکیک. (مهاجری و قمی، ۱۳۸۷)

¹ genius loci

² yan gehl

میچرلیخ^۱ نیز در ارتباط با رشد تدریجی و یکنواختی فضاهای شهری تصریح می‌کند؛ امروزه به خاطر بالا رفتن سرعت و جبر زمانه، شهرها دیگر خودرو رشد نمی‌کنند بلکه ساخته می‌شوند، مانند یک خودرو در کارخانه! و به یکنواختی محصول این فرایند و از بین رفتن حس مکان اعتراض می‌کند. (پاکزاد، ۱۳۸۶) حال با یادآوری ارزش‌های فرهنگی و تعاملات اجتماعی فضای شهری را محل تعامل گروه‌های قومی و فرهنگی می‌داند: به این معنی که برنامه ریزان شهری باید در ایجاد و آفرینش فضاهایی که موجب ترغیب و توانمندی گروه‌های قومی و فرهنگی می‌شوند، تلاش بیشتری کنند. (هال، ۱۳۷۶)

جین جیکوبز در سال ۱۹۶۱ میلادی با انتشار کتاب کلاسیک خود تحت عنوان "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکا" به عنوان یک جامعه‌شناس به تحلیل و اظهار نظر در مورد تأثیر خصوصیات کالبدی محیط شهری و به ویژه خیابان‌ها در تسهیل و یا ممانعت از مراودات اجتماعی و سرزندگی و امنیت شهری می‌پردازد. از نظر جیکوبز مهم‌ترین معیارهای یک طراحی شهری "خوب" عبارتند از؛ فعالیت‌های مناسب، استفاده از کاربری مختلط، تنوع در عنصر خیابان، نفوذپذیر بودن (قابل دسترس بودن) بافت، اختلاط اجتماعی و انعطاف پذیر بودن فضاها. (گلکار، ۱۳۷۹)

کوبین لینچ ارتقای کیفیت زندگی شهری را در گرو پنج معیار سرزندگی، معنی، سازگاری، دسترسی و کنترل و نظارت می‌داند. (لینچ، ۱۳۸۱) وی معتقد است که ساده‌ترین شکل معنی به مفهوم محدود این واژه کلی، هویت است. سازگاری، شفافیت و خوانایی اجزائی از معنی هستند که ارتباط صریح شکل سکونتگاهی را با مفاهیم و ارزش‌های غیر فضایی بیان می‌کنند. لیکن سطح عمیق‌تری از ارتباط عبارت است از اهمیت بیان یا نمادی یک مکان، ارزش‌های اساسی، فرایند‌های زندگی، رویدادهای تاریخی، ساختار بنیادین اجتماعی یا ماهیت جهان هستی. (لینچ، ۱۳۸۱)

یان بنتلی و همکارانش در کتاب "محیط‌های پاسخده"، به طور مشخص به کیفیت‌هایی که تا آن زمان کمتر مدنظر محققین قرار گرفته بود اشاره و هفت معیار را که می‌باید در طراحی شهری رعایت گردند را شامل؛ نفوذپذیری، تنوع، خوانایی، انعطاف پذیری، سازگاری بصری، غنا و قابلیت شخصی سازی می‌داند. (بنتلی و دیگران، ۱۳۸۲)

سای پامیر^۲ در کتاب "آفرینش مرکز شهری سرزنده" هفت اصل را جهت چنین آفرینشی تعیین می‌کند که مهمترین آنها هویت برجسته و ایجاد تنوع و جذابیت است. (پامیر، ۱۳۸۹)

از دید وایت^۳ این مسأله قابل توجه است که شهرهایی با مراکز موفق همان‌هایی هستند که در نگهداری ساختمان‌ها و فضاهای تاریخی و استفاده دوباره از آنها خوب کار کرده‌اند. (پاکزاد، ۱۳۸۶)

در زمینه تحقق شهر پایدار، تئوری‌هایی چون "شهر توانا" و "شهر برنامه ریزی" قابل توجه‌اند. در نظریه اول شهر می‌تواند بدون ممانعت از حصول نیازهای دیگران نیازهای خود را در حوزه‌های مختلف تأمین نماید (الکساندر و دیگران، ۲۰۰۵) و در مورد دوم، نظریه‌پردازان سه شاخص اصلی را به منظور تقویت میزان پایداری شهری در نظر می‌گیرند: همکاری و مشارکت، قدرت بخشیدن به اطلاع رسانی و آموزش و یکپارچگی متغیرها و مقررات و ... (هولدن و کانلی، ۲۰۰۵)

دموکراسی و انسانگرایی در معماری و شهرسازی مبحث دیگری است که بستر تدوین شاخص‌های کیفیت بخش در حوزه‌های معماری و شهرسازی نیز شده است. لویی کان از نظریه‌پردازان و طراحان ترغیب کننده به این دیدگاه در اعتراض به آشفته گرایی و سلیقه پردازی دچار شده معماری مدرن، آن‌را در بی توجهی به حیات انسانی می‌داند. کان در پی احیای جایگاه از دست رفته انسان است و عملکرد را برخاسته از خواست ازلی انسان و نه نیازهای آنی او می‌شناسد. آنچه بنیان معماری در اندیشه او را شکل می‌دهد، حقیقت زندگی انسان است که در قالب آرزوها و آرمان‌های مشترک و ازلی تبیین می‌شود. (غریب پور، ۱۳۸۹) آبراهام مازلو در سال ۱۹۵۴ با هدف ایجاد محیطی برای نیازهای انسانی مدلی از نیازهای انسانی را ارائه می‌دهد. به نظر وی محیط ساخته شده اگر به گونه مناسبی شکل بگیرد، می‌تواند جنبه‌هایی از نیازهای انسان شامل بقا، امنیت، تعلق، عزت، یادگیری و زیبایی را برآورده سازد. (لنگ، ۱۳۸۳)

¹ Alexander Mitcherlich

² Cyril B. Paimier

³ W.H. Whyte

در مقاله "فضای عمومی و زندگی اجتماعی"، نویسندگان تاکید می کنند که بیشترین توجه معمار و طراح شهری باید معطوف به این مسئله گردد: طراحی فضای شهری، چگونه می تواند حس آسایش را بپروراند و موجب رونق ارتباطها شود؟ دونالد اپلیارد^۱ چنین مکان هایی را "محیط های در خور^۲" نامیده است. (کروهرست لنارد و لنارد، ۱۳۷۷)

برخی از صاحب نظران نیز به جایگاه هویت در معماری و شهرسازی اشاره می کنند و معتقدند که حضور ساختمان های قدیمی هویت ملی را تقویت و نظام های ارزشی مشخص را تثبیت می کند. در این حالت، معماری و فضا به عنوان فرآورده های فرهنگی با معنا از گروهی از مردم در یک مکان و زمان مشخص در پاسخ به نیازهای اجتماعی مشخص و نظام ها عمل می کند. معماری با حافظه هم فضا و هم زمان را به اشتراک می گذارد و برای مطالعه ی تاریخ فرهنگی مناسب است. در واقع علم گذشته، مجموعه راهنمایی هایی را شکل می دهد که توسط آن ها فعالیت های حال حاضر و شرایط زندگی سنجیده می شوند. (Abdolmonem & Selim, 2012)

این پژوهش که قصد ردیابی و شناسایی عمیق ترین و روحانی ترین ویژگی های کیفی فضای شهری و شهرها را دارد و با مطالعه، بررسی و تحلیل بیش از ۱۵۰ نظریه از طرف صاحب نظران مطرح شهرسازی و معماری سعی نموده است تشخیص شاخص های کیفی شهری را مدخلی برای شناسایی شاخص های روح بخش شهر قرار دهد. نتایج حاصل در جدولی با تقدم تاریخی آمده است.

¹Donald Appleyard
²caring environments

جدول ۱ معرفی شاخص‌های کیفی فضای شهری، مأخذ: نویسنده

صاحب‌نظر و یا گروه تخصصی	مأخذ و سال (عنوان مقاله یا کتاب)	شاخص‌های کیفیت بخش فضای شهری
کامیلو سیته	"طراحی شهر مطابق با اصول هنرمندانه"، ۱۸۸۹	اندازه و ارتباط فضایی، تقارن و تناسب فضا و بنا، آرایش اشکال، تداوم و استمرار نظم، ریتم و وحدت، تداوم بصری در حرکت پیاده
ابنزر هاوارد (شهر اجتماعی - باغ شهر)	"باغ شهرهای فردا"، ۱۹۰۲	دیدگاه منطقه ای طراحی، مالکیت اراضی شهری، سازماندهی متناسب با عملکردها، محیط سالم، دسترسی آسان به زیبایی طبیعت، تعاون و آزادی
تونی گارنیه (صنعت شهر)	"صنعت شهر: خطوط مقدماتی برای ساختن شهرها"، ۱۹۱۷	دیدگاه اجتماعی، منطقه بندی عملکردی، شالوده هندسی، تصور باز بودن فضا، محدودیت جمعیت، زیبایی‌های جدید در قالب اشکال معمارانه، حفاظت آب و هوایی پیاده‌ها، عبور پیاده‌ها از درون فضای سبز
لکوربوزیه (صنعت شهر)	"شهر معاصر"، ۱۹۲۲ "شهر درخشان"، ۱۹۳۳	نظم ارگانیک و ماشینی (بستگی، وابستگی به صنعت، شالوده هندسی، تصور مدرن از زیبایی، گشودگی فضا، تراکم عمودی، ناحیه بندی عملکردی، جداسازی تراکم‌ها)، آزادی متخصصین در فرایند طراحی، تصور روستا-شهری (سبزی، فضای مکفی، نور، اولویت به مسکن)
لوئیس مامفورد	"فرهنگ شهرها"، ۱۹۳۸	شهر مکان تبلور فرهنگ و دفاع از انسان در مقابل اتومبیل
سارینن (شهر ارگانیک)	"شهر، رشد، ویرانی و آینده آن"، ۱۹۴۳	نظم ارگانیک (تمرکز زدایی ارگانیک، مالکیت و کنترل اجتماعی بر اراضی شهری، تفکیک ترافیک، تجدیدنظر در ارزش‌های اجتماعی، وضع مجدد قوانین، محیط تندرست)، انعطاف پذیری، حرارت
یوچین راسکین	"گفتگویی درباره معماری"، ۱۹۵۴	وحدت، مقیاس، وزن، ریتم، اصالت، تناسب، تسلسل، ترکیب
پاول زوکر	"شهر و میدان"، ۱۹۵۶	سامان یافته، منظم، آراسته، میدان عامل تبدیل جامعه به اجتماع نه صرفاً محل تجمعی از افراد
کوبن لینچ	"سیمای شهر"، ۱۹۶۰	خوانایی، پیوستگی، انسجام (ادراک نظری)، عناصر پنج‌گانه سازنده سیمای شهر
پل اشپرای رگن	"معماری شهرها و شهرک‌ها"، ۱۹۶۰	پیاده روی، کاربری‌های گوناگون، فضای باز
گوردن کالن	"منظر شهری"، ۱۹۶۱	هتر مبتنی بر ارتباط، تعاملات اجتماعی و ارتباط با دیگران، علایق، ساختار بصری محیط و احساس هویت مکانی، توجه به دیدهای متوالی عابر پیاده
جین جیکوبز	"مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا"، ۱۹۶۱	فعالیت‌ها و کاربردهای مختلط و مختلف، قابلیت دسترسی، انعطاف پذیر بودن، ضرورت بلوک‌های شهری کوتاه، ضرورت وجود ساختمان‌های قدیمی، ضرورت تمرکز جمعیت، ضرورت بلوک‌های شهری کوتاه، پیاده روها عامل ایجاد امنیت و تقویت تعاملات اجتماعی
کنستانتین دوکسیادس	"معماری مرحله تحول"، ۱۹۶۳	پویایی، مقیاس انسانی، حس تعلق، کل نگری، تراکم مسکونی مناسب، بهبود شرایط آب و هوایی در مقیاس کوچک، صرفه جویی در کارکرد، نگهداری و تعمیر، صرفه جویی در به کار بردن فضا
لارنس هالپرین	"شهرها"، ۱۹۶۳	محیط خلاق، گوناگونی زیاد و انتخاب آزادانه، نقش مردم، هماهنگی و تنظیم موزون حرکت‌ها در شهر، آرامش و سکوت، شهر همگانی و سرزنده، باغی محصور، تعامل میان مردم و محیط‌های شهر
الکساندر میچرلیخ	"نا پذیرا بودن شهرهای ما"، ۱۹۶۳	تنوع و سرزندگی، مشارکت همگانی، تراکم ویژه، تعامل اجتماعی، هسته مرکزی، آسایش و رفاه، تعلق خاطر
سرگئی چرمایف	"عرصه های زندگی عمومی و زندگی خصوصی"، ۱۹۶۴	تنوع، امنیت، سلسله مراتب، توازن، توجه به عوامل تهدید محیط زیست انسانی در شهرها
ادموند بیکن	"طراحی شهرها"، ۱۹۶۵	آگاهی فضایی، طبیعت، نظم، نظم، نو، فضاهای مرتبط، وضوح، تقابل و تعادل، وزن و هماهنگی، نظام‌های حرکتی، حرکت پیوسته
آلدو روسی	"معماری شهر"، ۱۹۶۶	گونه بندی شهر و اجزای آن، توجه به جنبه های کالبدی و عرصه عمومی شهر، هویت اجتماعی
ادوارد هال	"بعد پنهان"، ۱۹۶۶	امنیت، نظارت اجتماعی، حس تعلق، درک فضایی، مقیاس انسانی، استفاده سازنده از گروه‌های قومی (سازگاری با فضا و احراز هویت)، حفظ ساختمان‌های مفید و ارزشمند در محله‌ها و توجه به آن‌ها در نوسازی‌های شهری، حفظ فضاهای باز بزرگ بیرونی و در دسترس بودن آن‌ها
صاحب‌نظر و یا گروه تخصصی	مأخذ و سال (عنوان مقاله یا کتاب)	شاخص‌های کیفیت بخش فضای شهری
لوئیس مامفورد (شهر منطقه ای)	"چشم انداز شهر"، ۱۹۶۸	دیدگاه منطقه ای [جامعه متوازن شهری (در هماهنگی زیست محیطی با شهرهای دیگر)، واحد های همجواری یا خودکفا (پیاده روی مبنای رفت و آمد شهری، فشردگی منطقی، همجواری واحد های مختلف مسکونی، تجهیزات کامل اجتماعی، توافق بین افراد و گروه های اجتماعی گوناگون)]، نظم ارگانیک (تمرکز زدایی ارگانیک، رشد تدریجی، محدودیت و کنترل بر اراضی شهری و جمعیت)، دسترسی عموم به طبیعت، شکل گیری فرهنگ و تاریخ انسانی (تعاون، احساس غرور، احترام به خود، اطمینان، آگاهی، مشارکت مردمی)، تجدید نظر ارزش‌ها و وضع قوانین جدید

فرانک لوید رایت شهر طبیعت گرایانه (پهناور شهر)	شهر زنده"، ۱۹۶۸	نظم ارگانیک ماشین گرا، دیدگاه جهانی، تماس پیوسته با طبیعت، دموکراسی (تعادل خانواده، حق برخورداری از فضای خصوصی، توزیع منافع اجتماعی و حرفه های تخصصی در شهر)، تصور از فضای مرکب، مشارکت همراه با پذیرش تحمیلی زندگی شیرین
گودمن	"اصول و روش های طراحی شهری"، ۱۹۶۸	تفریح، منابع طبیعی
لارنس هالپرین	"نیویورک، مطالعه ای بر کیفیت، شخصیت ویژه و معنای فضای باز در طراحی شهری"، ۱۹۶۸	اولویت حرکت پیاده در فضای شهری، افزایش کیفیت پیاده روی
کالدینو	"شهر نامرئی"، ۱۹۷۲	مقیاس، گذشته تاریخی، خاطره انگیزی
دونالد اپلبارد	"حفظ شهرهای اروپایی"، ۱۹۷۹	آسایش، ارتباط لذت بخش
کریستین نوربرگ شولتز	"روح مکان؛ به سوی پدیدارشناسی معماری"، ۱۹۸۰	محسوسیت و تمرکز، خوانایی، تنوع، شگفتی و اکتشاف، گشودگی، سختی و شفافیت مرزها
کوبین لینچ	"تئوری شکل خوب شهر"، ۱۹۸۱	نشاط و سرزندگی، احساس (معنی)، سازگاری، کنترل، کارایی و عدالت
دونالد اپلبارد	"خیابان های زیست پذیر"، ۱۹۸۱	یک مکان تاریخی، فضاهای سبز، مکان بازی و یادگیری، قلمرو همسایگی (حس تعلق)، همستان، محیط سالم و بهداشتی، حریم ایمن
فرانسیس ویولیچ	"قرائن شهری: طراحی مکان های شهری کوچک"، ۱۹۸۴	قرائن پذیری (خوانایی)، آزادی انتخاب، ایجاد انگیزه، فضاهای متباین، زندگی اجتماعی، پیوندهای بومی، ارتباط با گذشته
یان بنتلی و همکاران (مرکز مشترک طراحی شهری پلی تکنیک آکسفورد)	"محیط های پاسخده"، ۱۹۸۵	نفوذ پذیری، تنوع، خوانایی، انعطاف پذیری، انطباق فرم و عملکرد، تنوع محرک های حسی، حس تعلق
مایکل والزر	"فضاهای عمومی: لذت ها و ارزش های شهرنشینی"، ۱۹۸۶	فعالیت های اجتماعی، همزیستی مسالمت آمیز، تنوع کاربران
راجر ترانسیک	"یافتن فضاهای گمشده"، ۱۹۸۶	حفظ تسلسل حرکت ها (ایجاد ارتباط، محسوسیت فضاهای پیوستگی لبه ها، کنترل محورها، پرسپکتیوها، مزوج نمودن فضاهای درون و بیرون)
یان گل	"زندگی در میان ساختمان ها"، ۱۹۸۷	جذاب و سرزنده، حس تعلق، امنیت و وابستگی به جمع، آمد و شد آرام، آمیختگی کاربری ها، آمیختگی آمد و شد به شرط چیرگی پیاده، تجمع فعالیت ها، سه گروه فعالیت در فضای شهری: ضروری، انتخابی، اجتماعی
سوزان و هنری لنارد	"شهر زیست پذیر؛ مردم و مکان ها، اصول طراحی"، ۱۹۸۷	تماس چهره به چهره، خاطرات در کنار ساختمان های تاریخی، طراحی مناسب فضاهای نشست، دسترسی پیاده به فضای شهری، ایفای نقش قلب شهر، زندگی اجتماعی در فضا، حس تعلق و محسوسیت بصری، حس لذت از زمان حال، پیچیدگی و تنوع ساختمان ها
کولمن	"فرصت هایی برای نوآوری در آموزش طراحی شهری"، ۱۹۸۷	حفاظت تاریخی و مرمت شهری، طراحی برای پیاده ها، سرزندگی و تنوع استفاده، بستر و محیط فرهنگی، بستر و محیط طبیعی، توجه به ارزش های معمارانه محیط
آلن جیکوبز و اپلبارد	"به سوی یک بیانیه طراحی شهری"، ۱۹۸۷	زیست پذیری، هویت و کنترل، دسترسی به فرصت ها، تخیل و لذت، اصالت و معنی، زندگی اجتماعی و همگانی، اعتماد به نفس شهری (خود انکایی شهری)، محیط برای همه
کریستوفر الکساندر و همکاران	"تئوری جدید طراحی شهری"، ۱۹۸۷	توسعه پذیری، وحدت اجزاء، رؤیت و تجسم، فضاهای شهری مطلوب و پیوسته، ترتیب و طراحی بناهای بزرگ، ساخت و شکل گیری مراکز، رشد تدریجی و نظم غیر هندسی فضاهای شهری
ویلیام وایت	"شهر: کشف دوباره مرکز"، ۱۹۸۸	نگهداری ساختمان ها و فضاهای تاریخی و استفاده دوباره آن ها، پیوند فضاها با یکدیگر و ارتباط آن ها با خیابان، گرایش به خود تراکمی
مایکل ساوت ورث	"تئوری و عمل طراحی شهری معاصر"، ۱۹۸۹	ساختار، خوانایی، فرم، حس مکان، هویت، دیدها و مناظر، مقیاس انسانی یا پیاده، حفاظت تاریخی، حفاظت از محیط طبیعی، بهداشت و ایمنی، مراودات اجتماعی
صاحب نظر و یا گروه تخصصی	مأخذ و سال (عنوان مقاله یا کتاب)	شاخص های کیفیت بخش فضای شهری
فرانسیس تیبالدز (شهرسازی شهروند گرا)	"طراحی و ارزیابی کدهای طراحی شهری"، ۱۹۹۰ "طراحی شهری: عرصه عمومی در مقابل عرصه خصوصی"، ۱۹۹۰ "شهرسازی شهروند گرا"، ۱۹۹۲	درس از گذشته، احترام به بافت های موجود، مشارکت نظری مردم، کاربری مختلط، مقیاس انسانی، آسایش پیاده، انعطاف پذیری و انطباق پذیری، خوانایی، فرایند رشد تدریجی، پیچیدگی محیط، شادی بخشی و خوشایندی بصری محیط
یان بنتلی	"طراحی شهری اکولوژیک"، ۱۹۹۰	نفوذ پذیری، تنوع، خوانایی، انعطاف پذیری، انطباق فرم و عملکرد، تنوع محرک های حسی، حس تعلق، کارایی از نظر مصرف انرژی، پاکیزگی، حمایت و پشتیبانی از حیات
آ.دوانی، ای. پلاتر زیبرگ، پیتر کتز	"اصول شهرها و شهرسازی"، ۱۹۹۱ "نو شهرسازی"، ۱۹۹۲	غرور، کاربری مختلط، بازگشت به ساختار محلات سنتی، طراحی شهری با کیفیت
علی مدنی پور	"طراحی فضای شهری: تحقیقی درباره پروسه اجتماعی-فضایی"، ۱۹۹۲	دسترسی، تعامل اجتماعی، منافع عمومی، آسایش و راحتی
گرین	"شکل شهر"، ۱۹۹۲	عملکرد (ارتباط، امنیت، آسایش اقلیمی، تنوع)، نظم (انسجام، وضوح، پیوستگی، تعادل)، هویت (شکل دادن به کانون ها، وحدت، شخصیت و خاص بودن)، جذابیت (مقیاس، تناسب بصری و عملکردی، سرزندگی و هارمونی)

امیلی تیلن	"اندازه گیری حوزه عمومی: ارزیابی اولیه از ارتباط میان فضای عمومی و حس اجتماعی"، ۱۹۹۲	دسترسی، ارتقاء فرهنگی، شعور
سوزان و هنری لنارد (شهر زیست پذیر)	"طراحی فضاهای شهری و زندگی اجتماعی"، ۱۹۹۳	تأمین ایمنی، سهولت دسترسی، استفاده مرتب و دائمی، ایجاد حس تشخیص و مناعت طبع، تقویت حس تعلق به جامعه‌ی با هویت، برانگیختن حس کنجکاوی و کاوش، برجای گذاشتن تجربه‌های به یاد ماندنی و ارزشمند، تسهیل فعالیت‌های مختلف، احساس بودن در خانه خود، تقویت ارتباط شخصی (ارتباط بصری، گفتاری و دیداری)
برایان گودی	"دو آقا در ورونا: کیفیت‌های طراحی شهری"، ۱۹۹۳	سرزندگی، هارمونی با بستر موجود، تنوع، مقیاس انسانی، نفوذ پذیری، امکان شخصی سازی مکان، خوانایی، انعطاف پذیری، امکان تحول سنجیده و کنترل شده، غنا
کالتروپ	"کلان شهر بعدی آمریکایی"، ۱۹۹۳	پارک یا فضای سبز، فعالیت‌های تفریحی، فعالیت‌های انسانی
جان لنگ	"نیازهای انسان"، ۱۹۹۴	کیفیت ایمنی معابر، نفوذپذیری و قابلیت دسترسی، انعطاف پذیری فضاها، تقویت حس مکان، هویت، خوانایی و تناسب بصری، مالکیت اراضی، حس فردیت و تعلق داشتن، شخصی سازی، مشارکت، حرکت سهل و مناسب پیاده
کمیته مشورتی برنامه ریزی لندن (LPAC)	"کیفیت محیط شهری لندن"، ۱۹۹۴	مقیاس انسانی و فشردگی بافت شهر، ساختار مناسب خوانایی و هویت، پاکیزگی و ایمنی، مدیریت شهری مطلوب، غنای بصری، کاربری و فعالیت‌های مختلط، وجود فضاهای همگانی و فضاهای خاص، سهولت حرکت پیاده و سواره
نیروی ویژه طراحی شهری نخست وزیر استرالیا (PMUDTF)	"طراحی شهری در استرالیا"، ۱۹۹۴	کمال طراحی، توزیع منافع محیطی، استحصال منافع محیطی، پاسخ گویی به ویژگی‌ها و نیازهای محلی، انعطاف پذیری طرحها، تحکیم ارتباط با گذشته
گراهام هاتن و کولین هانتز	"شهر پایدار"، ۱۹۹۴	تنوع، تمرکز، دموکراسی، نفوذپذیری، امنیت، مقیاس مناسب، طراحی ارگانیک، اقتصاد و ابزارهای مناسب آن، روابط اخلاقی، انعطاف پذیری، مشورت و مشارکت دادن استفاده کنندگان در طرحها، ارتباطات سازنده میان ساختمان‌ها، مسیرها و فضاهای باز
نلسن	"چشم‌اندازهایی برای رؤیای آمریکایی نوین"، ۱۹۹۴	رعایت مقیاس انسانی، مسئولیت پذیری مبتنی بر بوم شناسی، ترویج پیاده گرای، پیش بینی فضای باز، پیش بینی هسته‌ها در طرح، توجه به منظر خیابان، تنوع کاربری مختلط و چندگانه، استفاده از واژگان طراحانه معین، تعمیر و نگهداری دائمی محیط شهری
میتچل	"معرفی فضای عمومی و شهری"، ۱۹۹۶	فعالیت انجمن‌های آزاد، جشن‌های فرهنگی، فعالیت‌های اجتماعی، دسترسی
جان پانتر و متیو کرونا	"بعد طراحانه برنامه ریزی"، ۱۹۹۷	مسایل عام طراحی شهری، منظر شهری، فرم شهری، عرصه همگانی، طرح استقرار
کاسلاتی سالزانو هالوک	"- طبیعت زیست پذیری" - "هفت هدف برای شهر زنده" - "شهر همچون یک خانواده" (کنفرانس زیست پذیر ساختن شهرها، ۱۹۹۷)	تجربه خود به عنوان یک شخص واقعی، اتصال بین گذشته و آینده، شهر زیست پذیر به عنوان شهر پایدار، شهری برای همه طبقات
صاحب‌نظر و یا گروه تخصصی	مأخذ و سال (عنوان مقاله یا کتاب)	شاخص‌های کیفیت بخش فضای شهری
هنری لنارد	۱۹۹۷ "اصول برای شهر زیست پذیر"	همه یکدیگر را ببینند و بشنوند. گفتگو. نقش قلمرو عمومی، عدم غلبه حرص یا صفات شیطانی، مکانی برای یادگیری اجتماعی، برآورده شدن کارکرد های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ارزش و به رسمیت شناختن متقابل، الویت زیبایی و معنی محیط کالبدی، استفاده از عقل و دانش همه ساکنان
توصیه‌های سیستم کنترل پیشنهادی دولت انگلستان برای کیفیت برنامه های طراحی شهری	-	رؤیت پذیری و منظر، دسترسی و خدمات پیاده، کیفیت محوطه سازی و مبلمان، محوطه آرای و نگهداری از فضاها، حفاظت از فضاهای باز طبیعی، محیط سر زنده و کاهنده جرم‌ها و امکان نظارت غیر محسوس، کاربری زمین مختلط و کاربرد اجتماعی زمین، بحث پایداری، فضاهای رفاهی همگانی و خصوصی، حفاظت از درختان، نورپردازی،
سازمان شرکایی برای شهرهای زیست پذیر	"شهر زیست پذیر: باز زنده سازی اجتماعات شهری"، ۲۰۰۰	محلات ایمن، شبکه های ایمن اقتصادی، مراقبت از کودکان، سکونت در مرکز شهر، شهر بدون مرز، احیای مرکز شهر، رهبری جدید اجتماعات، مشارکت مالی.
پروژه برای فضای شهری تحقیق ۱۰۰۰ فضای عمومی	۲۰۰۰، www.pps.org	دسترسی و به هم پیوستگی، آسایش و منظر، استفاده ها و فعالیت ها، اجتماعی پذیری
پیتر هال و اولریخ فایفر	"آینده شهری قرن ۲۱ (دستور کار جهانی برای شهرهای قرن ۲۱)"، ۲۰۰۰	اقتصاد پایدار شهری: کار و ثروت، جامعه پایدار شهری: انسجام اجتماعی و همبستگی اجتماعی، سرپناه پایدار شهری: مسکن مناسب و ارزان قیمت برای همه، محیط زیست پایدار شهری: اکوسیستم پایدار، زندگی پایدار شهری: ساختن شهری مناسب برای زندگی (بناها و شهرهای سرزنده)، دموکراسی پایدار شهری: توانمندسازی شهروندان

پیتروانانس و دیگران	"شهرهای زیست پذیر تلاش‌های شهری برای سرزندگی و پایداری"، ۲۰۰۰	اجتماعات محلی و سازمان‌های غیر دولتی، شرکت‌ها، وجود جامعه مدنی
ریچارد راجرز و گروه ضربت شهری لندن	"بسوی یک رنسانس شهری"، ۲۰۰۲	مکان و موقعیت، بافت، مقیاس و هویت، حوزه عمومی، دسترسی و نفوذپذیری، کاربری زمین و تراکم بهینه، فعالیت‌های مختلط، اختلاط اجاره داری‌ها، دوام، پایداری، پاسخگویی محیط زیستی
امیلی بوخوالد و دیگران	"بسوی شهر زیست پذیر"، ۲۰۰۳	توجه به حرکت پیاده‌ورود طبیعت به شهر، تولید غذا در درون شهر، اختلاط مناسب کاربری‌ها، احیای سواحل جهت تفریحات، ایجاد زیرساخت‌های کارآمد شهری، مسکن سازی در مکان‌های مناسب، عمل به منشور نو شهرسازی
برازا	"باغ‌های عمومی و فضای باز در همسایگی‌های شهری"، ۲۰۰۳	حس اعتماد و اطمینان، ایجاد همبستگی، فضای سبز
ر. راجرز	"سیستم پارک شهر عالی؛ چه چیزی آن را عالی می‌کند و چگونه به آن می‌توان رسید؟"، ۲۰۰۳	تفریح و سرگرمی، زیبایی‌های بصری، فضای باز، سلامتی، غرور ملی
گارسیا رامون و ارتیز (فضای عمومی)	"طراحی شهری، جنس و استفاده از فضای عمومی در یک همسایگی پیرامون بارسلونا"، ۲۰۰۴	تعداد بهره برداران، تنوع بهره برداری
کریستوفر الکساندر	"طبیعت نظم"، ۲۰۰۴	مقیاس‌های مختلف، مراکز قدرتمند، پیوند عمیق و ابهام، شکل خوب، فضاهای مثبت، سادگی و آرامش، تضاد، فضای خالی، ناهمواری، بازتاب، عدم تفکیک، شیب، مرزها، تکرار، تقارن‌های محلی
سای پامیر	آفرینش مرکز شهری سرزنده- اصول طراحی و بازآفرینی"، ۲۰۰۴	ساختار سازمان دهنده (الگوی خیابان‌ها، بلوک‌ها، سلسله مراتب خیابان، فضاهای باز، کاربری زمین، تراکم، تعریف فضایی)، هویت برجسته (ساختمان‌های تاریخی، جغرافیا، نشانه‌ها، تدابیری برای منظر خیابان، هنر جمعی فضای همگانی)، ایجاد تنوع و جذابیت، اطمینان از تداوم بصری، عملکردی (معماری، منظر خیابان، علائم، پیوندها)، به حداکثر رساندن سهولت استفاده (راحتی-حرکت، پیاده‌پارکینگ، حمل و نقل همگانی)، فراهم نمودن آسایش (آب و هوا، ترافیک، تسهیلات رفاهی، ایمنی)، تأکید بر کیفیت
اکونومیست	"شاخص‌های کیفیت زندگی"، ۲۰۰۵	درآمد، بهداشت، ثبات سیاسی و امنیت، زندگی اجتماعی، زندگی خانوادگی، اقلیم و جغرافیا، امنیت شغلی، آزادی سیاسی، برابری جنسیت و پیش بینی انعطاف پذیری قوانین
الکساندر و دیگران (مرکز بین المللی شهرهای پایدار)	"شهر توانا"، ۲۰۰۵ (گردهمایی شهر جهانی، ۲۰۰۶)	پایدار بودن، برابری، کارایی، شفافیت و مسئولیت پذیری، مشارکت مدنی، امنیت افراد و محیط زندگی آن‌ها
هالدن و کانلی (دانشگاه سایمن فریزر)	"شهر یادگیری"، ۲۰۰۵ (گردهمایی شهر جهانی، ۲۰۰۶)	مشارکت، خدمات رسانی، طراحی، یاد دادن
صاحب‌نظر و یا گروه تخصصی	مأخذ و سال (عنوان مقاله یا کتاب)	شاخص‌های کیفیت بخش فضای شهری
سیسون (انستیتو طراحان کانادا)	"شهر برنامه ریزی"، ۲۰۰۵ (گردهمایی شهر جهانی، ۲۰۰۶)	همکاری، قدرت بخشیدن، یکپارچگی، دسترسی آسان به فناوری اطلاعات،
رودری وینسور (دانشگاه بریتیش کلمبیا)	"شهر ایده آل"، ۲۰۰۵ (گردهمایی شهر جهانی، ۲۰۰۶)	موقعیت مکانی جغرافیایی، مالکیت و تولید اجتماعات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، آموزش معماران، طراحان و شهروندان، پایداری مناظر شهری برای حس تعلق، عدالت اجتماعی و اجتماع پایدار، کاهش مصرف انرژی و تخریب اکولوژی، محیط زیست طبیعی، تساوی اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی، بازسازی محیط ساخته شده در پاسخ به تغییر شرایط، مشارکت و تصمیم گیری دموکراتیک،
مرسر	"شاخص‌های کیفیت زیست"، ۲۰۰۷	محیط سیاسی و اجتماعی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، تفریح و سرگرمی، کالاهای مصرفی، مسکن، ملاحظات پزشکی و سلامت، مدارس و آموزش، خدمات عمومی و حمل و نقل، محیط طبیعی
دانلد الیوت (شهر زیست پذیر)	"راهی بهتر برای منطقه بندی ده اصل برای خلق شهرهای زیست پذیرتر"، ۲۰۰۸	کاربری‌های منعطف‌تر، کاربری‌های مختلط، مسکن سازی با قیمت مناسب، استانداردهای کامل برای محیط، زندگی کردن با ناهمگونی‌ها، ضوابط توسعه ساخت و ساز پویا، مذاکره برای ساخت و ساز وسیع، غیر سیاسی کردن تصویب نهایی طرح، سازمان دهی بهتر شبکه داده‌ها

امیر یاراحمدی (شهر انسان گرا)	"بسی شهرسازی انسان گرا"، ۱۳۷۸	نظم ارگانیک (محدوده، مرز، تراکم، تنوع در بطن یگانگی، تداوم، انعطاف پذیری، تصور فضای محصور و نامتقارن، دیدگاه منطقه ای، مناسبات محیطی، ابعاد اندازه های مناسب، مقیاس انسانی، توانایی اظهار همبستگی شکل ها) مشارکت مردمی (همکاری)، شناخت محیطی (احترام محیطی، حکمت مکان، کنترل جمعیت، مسئولیت، تداوم محیط طبیعی)
جهانشاه پاکزاد	"راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران"، ۱۳۸۴	عمومی بودن، باز بودن، تعاملات اجتماعی

این پژوهش طی بررسی شاخص های کیفی شهر (فضای شهری) که در جدول شماره ۱ آمد، تلاش می کند مهم ترین و با اهمیت ترین ویژگی های کیفی مورد انتظار را از شهر بر اساس نظر اندیشمندان شناسایی کند. برای این منظور با بررسی، تطبیق و تجمیع شاخص های مطرح شده، ۱۶ مؤلفه اصلی کیفیت بخش شناسایی شد. این مؤلفه ها عبارتند از: خوانایی، هویت بخشی، تعاملات اجتماعی، نظم، محیط زیست، آسایش و امنیت، تفریح، منظر مطلوب، حس تعلق، تنوع، خاطره انگیزی، سرزندگی، معنا و محتوا، مدیریت مردمی، دسترسی آسان، پویایی و تحرک. در آخر فراوانی هر شاخص مورد سنجش قرار گرفت تا مشخص گردد کدام شاخصها از اهمیت بیشتری در نزد متخصصین برخوردار هستند. بدین ترتیب جدول شماره ۲ به ترتیب اهمیت شاخص های کیفی فضای شهری تنظیم گردید.

نکات قابل توجه در چگونگی تجمیع و تطبیق شاخص ها و استخراج مؤلفه اصلی و جدول ارائه شده عبارتند از:

- اگرچه برخی از شاخص های مطرح شده از طرف صاحب نظران کمی هستند ولی توضیحات ارائه شده از طرف آنان نشان از لایه های کیفی این شاخص ها دارد.

- شاخص های رفاهی عموماً کمی فرض می شوند لیکن غنا بخشی به این شاخص ها می تواند زمینه استقرار آنها را در زیرمجموعه مؤلفه "آسایش و امنیت" معنی دار کند.

- برخی از شاخص های مطرح شده در تجمیع صورت گرفته در ارتقای دو یا چند مؤلفه مؤثرند.

در ادامه پس از شناسایی شاخص های روح بخش شهری، این جدول زمینه تشخیص میزان اهمیت هر شاخص را در نزد صاحب نظران و جایگاه آنان را در زیرمجموعه شاخص های کیفی شهری فراهم می کند.

جدول ۲ فراوانی شاخصهای کیفی فضای شهری، مأخذ: نویسنده

ردیف	مؤلفه (شاخص اصلی)	فراوانی
۱	آسایش، رفاه و امنیت (مسکن، بهداشت، تغذیه، حمل و نقل عمومی، آموزش، اشتغال، پاکیزگی، توجه به کودکان و زنان، اعتماد و اطمینان، کنترل و حراست، عدالت، لذت بخشی، خوشنودی، ایمنی و راحتی)	۷۲
۲	منظر مطلوب (هماهنگی، لذت بخشی، انطباق فرم و عملکرد، محصوریت، مقیاس، جذابیت، رؤیت پذیری، تداوم بصری، وزن، تعادل، تقارن، وحدت، ریتم، پیوستگی، انسجام، تزیینات، نور و رنگ، فضای سبز)	۷۰
۳	تعاملات اجتماعی (مشارکت های مردمی اقشار مختلف، منفعت و خواست عمومی، آزادی انتخاب، مدیریت مردمی، اختلاط فعالیت ها، تعاون، همبستگی اجتماعی، حس تعلق، فضای باز، تفریح و سرگرمی)	۶۹
۴	نظم (سلسله مراتب، انطباق فرم و عملکرد، هماهنگی، تضاد و تباین، محصوریت، مقیاس، تعادل، تقارن، وحدت، ریتم، پیوستگی، انسجام، منطقه بندی عملکردی، شالوده هندسی، فرایند تدریجی رشد)	۶۸
۵	سرزندگی (تنوع بهره برداران و پویایی فعالیت ها، تداوم فعالیت، انعطاف پذیری، تفریح و سرگرمی، لذت بخشی، اختلاط فعالیت ها، فشردگی و تراکم، مراکز قدرتمند)	۶۲
۶	هویت و اصالت (خاطره انگیزی، ارتباط با گذشته، انطباق با زمینه، تمایز، سازگاری، جغرافیا و اقلیم، معنا، نشانه شهری، ارتقای فرهنگی، وحدت، همبستگی اجتماعی)	۴۳
۷	خوانایی (شفافیت، معنا، نشانه شهری، آموزش، خاطره انگیزی، هدایت کنندگی، هماهنگ کننده، علائم، آگاهی فضایی، وحدت، انسجام، پیوستگی، هنر مبتنی بر ارتباط، مراکز شهری قدرتمند)	۴۱
۸	خاطره انگیزی (هویت تاریخی، معنا و مفهوم، شگفتی و انگیزش، نشانه شهری، شفافیت، تفریح و سرگرمی، حرکت پیاده، شگفتی)	۳۴
۹	هماهنگی با محیط طبیعی (فضای سبز، فضای باز، کاهش مصرف انرژی فسیلی، حفظ منابع طبیعی)	۳۴

۱۰	حس تعلق (غرور و شخصیت، آزادی انتخاب، اعتماد و اطمینان، خاطره انگیزی، دسترسی به فرصت‌ها، عدالت، مالکیت خصوصی، حق برخورداری از فضاهای خصوصی)	۳۳
۱۱	دسترسی (دسترسی آسان، آزادی انتخاب، هدایت‌کنندگی، ارتباط فضایی، حرکت پیاده، باز بودن فضا)	۳۳
۱۲	معنا و محتوا (خوانایی، هویت تاریخی، خاطره انگیزی، نشانه شهری، هدایت و راهنمایی، ارتقای فرهنگی، آموزش و شعور، هنر مبتنی بر ارتباط)	۳۲
۱۳	مدیریت مردمی (آزادی انتخاب، منفعت و خواست عمومی، اعتماد و اطمینان، حس تعلق، عدالت، همبستگی اجتماعی)	۲۸
۱۴	پویایی و تحرک (تنوع کاربران و تنوع فعالیت‌ها، تفریح و سرگرمی، لذت بخشی، اختلاط فعالیت‌ها، فشرده‌گی و تراکم)	۲۷
۱۵	تنوع (تنوع کاربران، تنوع فعالیت‌ها، تنوع فرم‌ها، تنوع محرک‌های حسی، پیچیدگی)	۲۳
۱۶	تفریح (سرگرمی، اوقات فراغت، لذت بخشی)	۱۰

۴- روح شهر (باز تعریفی از شهر)

واژه "روح" از واژه‌های پر رمز و راز و ابهام آمیز در حوزه‌های دین، فلسفه، عرفان و روان‌شناسی است. عباراتی چون؛ عقل، نفس، جان، دل، سر در منابع مختلف به معنای روح به کار گرفته شده‌اند. در فرهنگ دهخدا و فرهنگ عمید روح به عبارات زیر معنی شده است: جان، روان و نیز به معنی وحی و امر الهی، در آنچه مایه زندگی نفس‌هاست. بوعلی سینا می‌گوید: خداوند مردم را از گرد آمدن سه چیز آفرید؛ یکی تن که به عربی بدن و جسد خوانند و دیگری جان که او را روح خوانند و سوم روان که او را نفس خوانند. (روح/ <http://ar.wikipedia.org/wiki/روح>) از نظر علم فیزیولوژیک هرگاه روح از بدن یک انسان خارج می‌شود او مرده است. از نظر فیلسوفان روح اصل حیات و تفکر است؛ عنصری به نام روح غیر مادی است و اجسام جاندار به وسیله این اصل جان گرفته‌اند. یونگ^۱ می‌گوید واژه آلمانی روح، ریشه در واژه‌ی saiwala دارد که متعارف واژه یونانی Aiolos به معنای متحرک، خط خطی و مواج است. واژه یونانی Psyche نیز پروانه معنی می‌دهد. کلمات آنیما و آنیموس لاتین نیز ریشه در Anemos یونانی به معنی باد دارند. در زبان عربی روح مشتق از ریح، به مفهوم باد است. و اگر یونگ به فارسی نیز آگاه بود اشاره می‌کرد که واژه‌ی "روان" با روندگی و روانی هم ریشه است. و علاوه بر این تبارشناسی لغوی، می‌توانیم به استفاده‌های مجازی شاعران پارسی زبان از نسیم و باد، برای مراد کردن روح اشاره کنیم. و روایاتی از متون دینی که چنین تشابهاتی را صریحاً به کار برده‌اند، بیاوریم. به هر حال یونگ نتیجه می‌گیرد که: "روح نیرویی متحرک و قدرت حیات است". (قاسمی، ۱۳۸۴)

واژه روح در قرآن در سوره‌ها و آیات متعددی تکرار شده است. مفسر بزرگ اهل سنت "شیخ ابوالفتح رازی" در تفسیر "روح الجنان" در ضمن بیان اقوال مختلف در مورد مفهوم و معنای روح در ارتباط با منشأ روح می‌گوید: "خداوند جواب داد که مبدأ آن از فرمان خداست و مانند نور خورشید بر ابدان تابیده و اگر فرمان الهی نبود و از ورای عالم طبیعت، دسترسی نرسیده و فروغی نتافته بود، همه چیز جامد بود و صامت". (رازی، ۱۳۸۵ ه.ق.). علامه سیدمحمدحسین طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسد: "مردم چه در گذشته و چه در حال، با همه اختلاف شدیدی که در باره حقیقت روح دارند، در این معنا هیچ اختلافی ندارند که از کلمه روح یک معنا می‌فهمند و آن عبارت است از چیزی که مایه حیات است؛ حیاتی که عامل شعور و اراده است و در قرآن نیز همین معنا مراد است. توضیح آنکه، آیات روح را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ در مورد آیات دسته اول می‌فرماید: "از این آیات اجمالاً فهمیده می‌شود که روح موجودی مستقل، دارای حیات و علم و قدرت است و از نوع صفات و احوال قائم به اشیا نیست. این روح غیر از ملائکه است. و اما در مورد دسته دوم باید گفت که در آن موارد، مرتبه‌ای از روح در انسان یا فرشته بوجود می‌آید که آن نیز حقیقتی است وجودی و منشا آثار، اما باید توجه داشت که مطلق غیر از مقید است. باید توجه داشت که هر مرتبه‌ای از روح دارای اثری متفاوت با مرتبه دیگر است، علامه در تفسیر آیه "و ایدهم بروح منه" می‌نویسد: "ظاهر آیه این معنا را افاده می‌کند که در مؤمنین به غیر از روح بشریت که در مؤمن و کافر هست، روحی دیگر وجود دارد که از آن حیاتی دیگر ناشی می‌شود و قدرتی و شعوری جدید می‌آورد. (طباطبایی، ۱۳۷۲) هم در قرآن و هم در تورات و انجیل از روح به عنوان موجودی که منشا حیات است نام برده شده است. حیاتی که ابتدایی‌ترین مرحله آن در گیاهان و حیوانات و بالاترین و پاکیزه‌ترین مرتبه آن در فرشتگان و بویژه فرشته وحی است تا جایی که "روح القدس" نام گرفته است. انسان از نظر حیات و آثار آن که شعور و قدرت است موجودی دارای مراتب است و با ایمان و عمل صالح می‌تواند

^۱ Yung

درجات حیات طیب را که نتیجه تایید روح است، یکی پس از دیگری طی کند. با تفسیر علامه طباطبایی از روح و پدیده وحی، آنچه در وحی اتفاق می افتد نزول یک حقیقت وجودی متعالی به نام روح القدس بر قلب پیامبر است که وحی نیز از آثار این نزول است. (همان)

۴-۱ تعابیری از روح شهر

در چند ساله اخیر با وسعت یافتن انتظارات از شهر و فضای شهری فراتر از نیازهای متعارف، در ایران نیز چون بسیاری از کشورهای دیگر عبارات مفهومی چون هویت، وحدت، سرزندگی، ... و روح توسط کارشناسان شهری و صاحب نظران بکار گرفته می شود. در فضای حرفه ای معماری و شهرسازی عموماً استفاده از عبارت روح معادل انتظاراتی چون: هنری بودن، تحرک، فضای سبز و طبیعی، معماری ایرانی-اسلامی و ... است. (رجوع شود به نشریات همشهری آنلاین ۱۳۹۰/۱۰/۱۷. خبر سیستان ۱۳۹۲/۳/۳. ایلنا ۱۳۹۲/۳/۱۹. شهرنوشت ۱۳۹۲/۴/۱۲) لیکن مروری علمی و تخصصی به اظهار نظر صاحب نظران در این زمینه فرصتی برای تدقیق مفهوم عبارت یاد شده است.

مشهود است که شهرها تغییر و رشد می کنند لذا تشابه و تطبیق شهرها با ارگانیسم هایی چون درخت تمثیلی به ظاهر قابل قبول بوده است بطوریکه در بسیاری از کتب و مقالات بارها به این ویژگی و مشابهت ها به خصوص در سده اخیر اشاره رفته و به دفعات به تمثیل و استعاره از آن یاد شده است. اوج این نگاه و تفکر را در دوران مدرن در دیدگاه های شهرسازان و معماران "متابولیست" و بیونیک می توان ردیابی نمود.

متابولیست ها به همسانی شهر در حال رشد با موجودی زنده باور داشتند. آن ها اعتقاد داشتند که شهر همچون یک فرایند که دارای تغییری پیوسته است، شامل دو عنصر متغیر و نامتغیر (ثابت) مشابه هر ارگانیسمی می باشد. درست مانند سلول های بدن که تغییر یافته یا نو می شوند اما کل بدن ثابت و بدون تغییر باقی می ماند. (پاکزاد، ۱۳۸۶) روح بخشیدن به ساختمان یکی از تمایلات معماری بیونیک است که به کمک خطوط مستقیم و یا منحنی خاص خود و با توجه به قدرت سازه برای تنفس (زنده نمایی) و القای آهسته تمامیت خود به آن دست پیدا می کند. مهم ترین چیز برای معماری بیونیک آن است که ساختمان تپش و زنده بودن خود را القا کند. (حکیم، ۱۳۸۲)

شهر زیست پذیر به عنوان مدلی ترکیبی از بسیاری از تئوری ها و مدل های ارزشی شهر سازی مطرح است. دیدگاهی در این مدل یا تئوری، به شهر به عنوان یک وجود زنده می نگرد. در این استعاره، مغز و سیستم عصبی شهر، قلب شهر، اندام آن و سیستم گردش خون شهر با نشانه ها و شاخصه های کالبدی - فضایی معرفی شده اند. (علیرضا بندر آباد، ۱۳۹۰) چنین تعبیری برای ساختمان نیز مطرح می شود برای مثال عنوان می کنند که "یک ساختمان موجودی بی روح چون یک مجسمه نیست. بنا واقعیتی زنده و ارگانیست است. در بنا زندگی جریان دارد. این موجود زنده دارای نظامات فعال درونی است که هیچ گاه از کار باز نمی مانند. لوله های آب و پساب در ساختمان به منزله شبکه های سرخرگ و سیاهرگ در بدن است. آشپزخانه سیستم گوارش ساختمان است. پنجره و پرده ای که به پنجره نصب می شود، حکم چشم و مردمک چشم و دیافراگم تنظیم کننده نور مستقیم را دارند که به ساختمان می تابد. سرمایش و گرمایش در ساختمان همانند تعریق و دم و بازدم در بدن انسان است. (عظیمی بلوریان، ۱۳۸۳)

معماران و شهرسازان بسیاری نیز چون الکساندر، کریر، شولتز، بیکن و اثر معماری و شهر را مشابه موجودات طبیعی دانسته و حتی به انسان مثال زده اند. به گفته هوشنگ امیر اردلان: هر ساختمان آدمی است در مقیاس بزرگ با همان خصوصیات. (اردلان و دیبا، ۱۳۷۷) الکساندر در سال ۱۹۶۵ در جهت تولید مدلی برای تشریح ساختار شهر، شبکه عناصر کالبدی شهر را به درخت مثال می زند و ماتریس ریاضی گونه و منظمی را برای آن پیشنهاد می کند. وی پس از یک سال، روح حاکم بر شبکه ساختاری شهر را پیچیده تر از آن می بیند و مقاله ای با عنوان: "شهر یک درخت نیست" منتشر می کند.

بنا یا شهر در واقع چیزی با روح و سیستمی زنده و مجموعه ای از الگوی رویداد های هم جوار و در تعامل با یکدیگر است. (الکساندر، ۱۳۸۱) همه حیات و روح هر فضا و همه ادراک ما در آن فضا نه صرفاً به محیط کالبدی آن، بلکه به الگوی رویدادهایی بستگی دارد که در آنجا اتفاق می افتد. الکساندر در "معماری و راز جاودانگی" بیان می کند که شهرها و ساختمان ها نمی توانند زنده بمانند مگر آنکه به وسیله تمامی افراد جامعه ساخته شوند. (همان) هدف اصلی الکساندر از کتاب "طبیعت نظم" (۲۰۰۴) مطرح کردن این نظریه بوده که چگونه پدیده های مختلف با یکدیگر ساختارهای منسجم و زنده را ایجاد می کنند. (مهاجری و قمی، ۱۳۸۷)

هالپرین نیز تأکید می کند که نقش مردم در زنده نگه داشتن شهرنشینی حیاتی و مؤثر است و اجزای شهر را در ساختاری هماهنگ، زنده فرض می کند. وی زندگی شهر را مدیون حضور شهروندان آن می داند. (هالپرین، ۱۹۷۲)

روح شهر نه فقط از کالبد فیزیکی و سیمای ظاهری آن، بلکه بیشتر از روح کلی مردمی تراوش می کند که در آن سکونت دارند. ایتالو کالدینو شهرها را به دو دسته تقسیم می کند: شهرهایی که طی سالها و در مسیر تغییراتشان همواره شکل خود را به آرزوها می دهند و شهرهای دیگری که در آنها یا آرزوها موفق می شوند شهر را از بین ببرند و یا شهر آنها را از بین می برد. (کالوینو، ۱۳۶۸)

رابطه‌ای تنگاتنگ بین هویت و روح فرد و هنرش و بین شهروند و شهر وجود دارد، در تائید مطالب یاد شده لوئیس مامفورد مورخ و روشنگر معروف آمریکایی قرن بیستم معتقد است که شهرها تجلیات روح بشری هستند. در عین حال او دلیل وجودی شهرها در تاریخ را یاری رساندن به پیشرفت شخصیت بشری می‌داند. به عبارت دیگر این بار روح شهر هدایت کننده روح بشری است. (کوچک خوشنویس، ۱۳۸۵) میچرلیخ با بیانی متفاوت لیکن همسو، فراز و فرود رفتارها، تمایلات، باورها و منش شهروندان یک شهر را روح شهر می داند. (پاکزاد، ۱۳۸۶)

بسیاری از هنرمندان تعبیری از شهر با روح دارند که انتظارات خاصی را متصور می کند. برای مثال ثمیلا امیرابراهیمی شهر با روح را دارای چهار ویژگی؛ نظم، پاکیزگی، قابل استفاده بودن و زیبا می داند و عنوان می کند: "نظم براساس قانون شکل می گیرد، پاکیزگی در نتیجه مدیریت کارآمد و قابل استفاده بودن در پی توزیع درست امکانات و خدمات شهری برای تأمین امنیت و آسودگی و رضایت افراد." (امیرابراهیمی، ۱۳۹۱) در دیدگاهی دیگر، روح شهر در وجود سرزندگی و رفاه و آرامش روانی جمعیت آن تجلی می کند. بنابراین وقتی که صحبت از زیست سالم و توأم با ارزش ها و تجلیات منبعث از آن می شود، سخن از آن به میان می آید که سرزنده بودن، نحوه نگرش، انتظارات از زندگی و فرهنگ صحیح به مثابه روح شهر تلقی می شود که در هر زمان به نوعی تجلی می یابد. چنانچه روح چنین شهری سالم باشد، کالبد آن نیز سالم خواهد بود. (شیعه، ۱۳۸۱)

بل و دوشالیت، در کتاب "روح شهر" معتقدند که شهرها به زندگی و چشم اندازهای بیلیونها انسان شکل می دهند و هنوز آنها تحت شعاع اندیشه سیاسی معاصر ملت-دولتها، گروههای هویتی و مفاهیمی مانند عدالت و آزادی قرار دارند. "روح شهرها" این ایده کلاسیک را که یک شهر بیان کننده منشها یا ارزشهای مشخص خودشان هستند، احیا می کند. در دنیای باستان، آتن مترادف با دموکراسی و اسپارطا معرف دیسیپلین نظامی بود. در این کتاب نویسندگان شرح می دهند که چرا فلسفه و علوم اجتماعی برای احیای دوباره روح شهرها لازمند. آنها ضمن بررسی ۹ شهر مدرن، ویژگی غالب و روح اصلی آنها را شناسایی و معرفی می کنند؛ برای مثال اورشلیم را با ماهیت مذهبی آن، هنگ کنگ را با ماتریالیسم، پکن را معرف قدرت سیاسی، پاریس را شهری با ماهیت رمانتیک و نیویورک را با روح جاه طلبی. (Bell&de-Shalit, 2011) "یوان کلیما" نویسنده چک در کتابی به نام "روح پراگ" می نویسد: شهرها به آدمها می مانند. اگر با آنها ارتباط صادقانه ای برقرار نکنیم، همچنان یک اسم، یک شکل خارجی باقی می مانند. برای چنین ارتباطی باید بتوانیم شهر را مشاهده کنیم و خصوصیت ویژه آن، "من" آن، روح آن، هویت آن و اوضاع و احوالی را که زندگی اش به تدریج در فضا و زمان آن شکل گرفته است درک کنیم. (کلیما، ۱۳۸۷) "فورد مداکس هیوفر" در کتابی به نام "روح لندن" مشاهدات دقیق خود را درباره جزئیات فیزیکی و طبیعی شهر لندن و حالات و روحیات مردم آن ثبت کرده و یکی از محلات آن را اینطور توصیف می کند: "در اینجا، صف دراز مغازه ها، فروشگاهها و انبارهای کالا قرار دارند که جمعیت به آرامی از برابیشان می گذرد. حرکت تند و شتاب آلود حتی در پیاده روهای وسیع هم ممکن نیست. اغلب مردم آرام و آسوده با سری که معمولاً به یک طرف خم شده تا به پنجره های بزرگ فروشگاهها بنگرد حرکت می کنند. سپس باز هم خانه های قدیمی در پشت درختان کهن یا تراسهای کوچک دیده می شوند و باز فروشگاههای تازه... حالت لندن شاید درهم و برهم و نامتجانس به نظر برسد اما به هیچ وجه آزاردهنده نیست. اگر نگوییم شادی محض را القا می کند قطعاً می توانیم از وجود نوعی شادابی و سرخوشی در آن سخن بگوییم. در این محله شما به سختی ممکن است یک چهره ناراضی یا عبوس ببینید." (Madox Hueffer, 1905)

انسانها در تعبیر عامه باروح یا بی روح تلقی می شوند، در این معنی حرکت داشتن و تحرک داشتن یک فرد یا به عبارت روشن تر زنده بودن وی ملاکی برای داشتن روح نیست. این تعبیر اشاره به ویژگی دیگری در انسان دارد که به سختی می توان آن را شناسایی و بیان کرد. علوم رفتاری و جامعه شناسی بعضاً پاسخی به این چستی و ویژگی داده اند، که در یک جمع بندی می توان آن را به "ارتباط" ترجمه کرد. یعنی افرادی که با محیط خود و اطرافیان رابطه قوی تر برقرار می کنند با روح تر تلقی می شوند این افراد احساسات قوی تری از خود بروز می دهند و ظاهراً و به طور معمول شادتر، امیدوارتر، پر جنب و جوش تر و ... به نظر می رسند. این ویژگی را می شود در یک ساختمان یا یک شهر نیز جستجو کرد.

شهری را فرض کنید که خالی از سکنه است در این حالت می‌توان گفت که این شهر مرده است. این تشابه با تعبیر اول روح در انسان: انسان زنده و انسان بدون روح و بی جان مطابق است. لیکن تعبیر دوم و معنادار تر از شهر با روح را صرفاً در حضور انسان و طبیعتاً وجود فعالیت، حرکت و پویایی در آن نمی‌توان خلاصه کرد.

حبیبی تعبیر زیبایی از این مطلب با استفاده از دو اصطلاح شهر "زنده- فضا" و شهر "زنده در فضا" دارد و معتقد است نادیده گرفتن برخی از ارزشهای مفهومی و معنابخش می‌تواند زمینه فرو پاشی بنیان‌های زندگی شهری و از هم پاشیدن شالوده‌های شهر شود. "شهری که فضاهای زنده شهری نخواهد داشت و اگر جنب و جوشی در آن بچشم می‌خورد، نه به سبب کنش و واکنش‌های فضایی است که ایجاد می‌کند، بلکه به خاطر حضور انسان‌هایی است که علیرغم کارا نبودن فضای شهری مجبور به زیست در آن هستند." (حبیبی، ۱۳۸۰: ۲۱۳-۲۱۲)

قایل شدن "حق برای شهر"؛ برای "خود" بودن و برای "آن" شدنش، ویژگی دیگری است که اولین بار در سال ۱۹۶۸ توسط "هانری لوفور" به کار گرفته شد. او در یک رشته مقالات مرتبط در کتابی به همین عنوان، از خواست دستیابی انسان امروز به نظام تازه ای از زندگی شهری سخن گفت. (Lefebvre, 1968) چهل سال بعد از او دیوید هاروی جامعه شناس انگلیسی نیز در مقاله خود، حق به شهر را چنین خلاصه کرد: "حق به شهر بسی فراتر از آزادی فردی برای دسترسی به منابع شهر است. این، حق تغییر دادن خودمان، به وسیله تغییر دادن شهر است... حق به شهر به معنای آزادی ساختن و بازسازی شهرها و خودمان و یکی از ارزشمندترین و غفلت شده ترین حقوق بشری ماست." (Harvey, 2008)

در مقام جمع بندی با ذکر این مطلب که برداشت روشن، دقیق و هماهنگی در اظهارنظرها در چپستی روح معماری یا شهر وجود ندارد و عموماً این عبارت با هدف مشخصی بکار گرفته نشده است، لیکن می‌توان چند وجه اساسی را در اظهارنظرها به عنوان شاخص های اصلی روح شهر در نظر اندیشمندان استنباط کرد:

- تحرک و پویایی که نشانی از حیات و زنده بودن است.
- حضور مؤثر شهروندان در شهر و به تعبیر دیگر ارتباط هماهنگ بین ماهیت شهر و هویت شهروندان (باورها، تمایلات، رفتارها و ...)
- رفاه، سرزندگی، آرامش روانی شهروندان در شهر
- انسجام، تمامیت و وحدت
- پیوند با ریشه ها و هویت تاریخی-کالبدی شهر
- غنای معنا و مفهوم
- وجود ارزشهای هنری (هنرمندانه بودن کالبد شهری)
- ارتباط و شفافیت (ارتباط بین شهروندان با یکدیگر و ارتباط بین مدیریت شهری و شهروندان)

۴-۲ تحقیق موردی و میدانی

شهرهایی هستند که شما می‌توانید آن‌ها را با روح تلقی کنید و احتمالاً این احساس را در مورد برخی شهرها و بی روح بودن برخی دیگر از آن‌ها تجربه کرده‌اید. ولی سؤال اصلی و اساسی این خواهد بود که چه ویژگی موجب روح دار بودن یک شهر می‌شود؟ اگر چه می‌توان پاسخی مشابه شخصیت و هویت انسانی به این سؤال داد و شاد بودن، تحرک، سرزندگی و ... را دلیل بر روح داشتن آن دانست لیکن لازم است بررسی دقیق‌تری داشته باشیم.

در طی سه دهه آخر قرن بیستم نهضتی در شهرهای پیشرو در اروپا و آمریکا شروع شد که می‌توان از آن تحت عنوان شهرسازی استراتژیک یا نوگرا نام برد. در واقع این شهرها مبتنی بر تئوری‌ها و تجربیات گذشته شهرسازی به ویژه پس از مدرنیته شروع به اقداماتی بنیادی در ساختار خود کرده‌اند. در این میان گرایش‌ها و محورهای توصیه شده توسعه پایدار و شهرسازی پایدار نیز مدل‌های امیدوارکننده‌ای را جهت نه تنها رفع مشکلات تجربه شده و موجود در شهرها بلکه آینده ای با دست آوردهای جدید را پیش رو گذاشته بود.

شروع پژوهش دکتری من در سال ۲۰۰۷ و سفر به اروپا مقارن بود با بروز محصول این استراتژی‌ها و طی ۵ سال سفرهای مکرر به شهرهای اروپایی تا سال ۲۰۱۲ شاهد نتایج کامل شده اقدامات حاصل از این اهداف بودم. در این دوره به بیش از ۳۰ شهر ایرانی و اروپایی سفر کردم و ضمن بررسی آن‌ها تحولات کالبدی آن‌ها را مورد تحلیل قرار دادم. نقطه مشترک اکثر این شهرها اقدامات مدیریت شهری در ارتقا بخشی به شاخصه های کالبدی شهر ورای نیازهای متعارف و اولیه چون مسکن، اشتغال، حمل‌ونقل، درمان و غیره بوده است. مهم‌ترین فعالیت‌ها و اقدامات انجام شده و نتایج محسوس آن در این شهرها در جهت افزایش کیفیت‌ها عبارت بودند از :

- توسعه قابل توجه وسائط نقلیه عمومی چون مترو و اتوبوس با استفاده از آخرین فناوری‌ها، علاوه بر تأثیر محسوس کاهش اتومبیل در شهر و در نتیجه کاهش آلودگی، منجر به افزایش تردد پیاده‌شهروندان در شهر نیز شده است.
- توسعه مراکز متعدد شهری شامل خدمات تجاری و تفریحی، میادین و پیاده‌راه‌ها که علاوه بر افزایش قابل توجه فضای سبز منجر به حضور بیشتر مردم در فضای شهری شده است.
- افزایش قابل توجه المان‌های شهری شامل علائم راهنما، مبلمان شهری، المان‌های نمایشی-بیانی (تندیس‌ها و یادمان‌ها) جهت اطلاع رسانی و افزایش دانش و بینش عمومی.
- برگزاری جشن‌ها و مراسم متعدد به خصوص در فضاهای عمومی شهری جهت ایجاد ارتباط بیشتر شهروندان با یکدیگر و ایجاد زمینه گفتگو، هم‌نشینی و تبادل نظر و....
- افزایش پارک‌ها و جنگل‌ها در درون شهرها که علاوه بر تأثیر قابل توجه به کیفیت هوای شهری منجر به زیبایی بصری قابل توجهی شده است. این پارک‌ها عموماً دارای گونه‌های متعددی از حیوانات نیز هستند.
- ساختمان‌های قدیمی باقیمانده در بافت مرکزی شهر احیا شده‌اند و مرکز شهر به گنجینه‌ای ارزشمند و راوی تاریخچه و خاطرات شهری بدل گشته. در اکثر این محدوده‌ها بسیاری از مسیرها صرفاً به حرکت پیاده اختصاص یافته و میدان‌های قدیم شهری به محل‌های سرزنده‌ای برای حضور شهروندان و گردشگران تبدیل شده است.
- اکثر پروژه‌های شاخص شهری نه تنها در مراحل برنامه‌ریزی بر اساس نظرات مردم تعیین و تثبیت می‌شوند بلکه با نظرخواهی از شهروندان مسیر اجرا، بازنگری و اصلاح آن‌ها فراهم می‌شود.
- توجه ویژه به کودکان به عنوان سازندگان فردای شهر بوسیله ایجاد فضاهای مناسب تفریح، آموزش و پرورش برای آن‌ها مدنظر مدیران و سیاست‌گذاران قرار گرفته است.
- متکی به شاخصهای عنوان شده از طرف صاحب نظران، با نگاهی تخصصی و به تجربه عقلایی و حس گرایانه و ثبت مشاهدات میدانی از شهرهای بازدید شده (که فرصت ارائه بررسی‌های توصیفی و تصویری آنها در این مقاله وجود ندارد) می‌بایست قبل از پیشنهاد شاخصهای اصلی و روحبخش شهری تأکید کنم که:
- شهرهای پرتحرک و پویایی هستند که علی‌رغم این ویژگی، روح مورد انتظار در آنها جریان ندارد (برای مثال شهرهایی چون برلین، دوسلدورف، مونیخ در آلمان و نمونه بارز آن در ایران، تهران)
- ثروت و رفاه شهروندان دلیلی بر روح دار بودن شهر نیست به عبارت دیگر شهرهای اشاره شده بالا در میان شهرهای همسنگ خود از رفاه و ثروت بیشتری برخوردارند لیکن روح شهر در آنها جاری نیست و علاوه بر این شهرهایی یافت می‌شوند که بی‌گمان در مجموعه شهرهای همسنگ خود از رفاه و امکانات کمتری برخوردارند لیکن باروح تر جلوه گر می‌شوند (شهرهایی چون تبریز، پتزدام، پاسائو و برمن ...)
- وجود آثار هنری ابزاری برای تقویت و غنابخشی به ارتباط و درصورت ناخوانا بودن و عدم هماهنگی با محیط و زمینه و مخاطب، خود می‌تواند منجر به ضعف روح شهر شود.
- با سه تأکید یادشده، شهرهایی که دارای روح هستند را می‌توان دارای چند ویژگی برجسته زیر دید:
- ۱- شهرهایی که بافت قدیمی و گذشته خود را حفظ و احیا کرده‌اند. (هویت تاریخی، این همانی، خاطره انگیزی)
 - ۲- شهرهایی که با مردم و ساکنین و همینطور گردشگران خود تعامل آگاهانه و مؤثرتری برقرار می‌کنند. (خوانایی و شفافیت و اطلاع رسانی)
 - ۳- شهرهایی که در آن‌ها مردم با یکدیگر و با محیط شهری تعامل و ارتباط بهتری دارند (وجود فضاهای جمعی و عمومی موثر، مشارکت مردمی)
 - ۴- حضور و هماهنگی و هم‌نشینی با عناصر طبیعی چون فضای سبز، دریاچه‌ها و ...

در تحقیق دیگری که توسط اینجانب با عنوان "تدوین سند راهبردی توسعه کالبدی-فضایی شهر مشهد" در پروژه "طرح مطالعه توسعه کمی و کیفی زیارت امام رضا (ع)" انجام شد، طی پرسشنامه‌ای چند سؤال کلیدی از ۱۲۰ معمار و شهرساز برجسته شهر پرسش شد. بر اساس این نظرسنجی مشکلات و مسایل اصلی و مهم شهر مشهد که مانع توسعه شهر بوده یا نقطه ضعفی برای شهر مشهد تلقی می‌شوند و همین‌طور مهم‌ترین پیشنهادات و راهبردهای آن‌ها جهت توسعه فضاهای شهری مشهد مورد سؤال قرار گرفت. این پژوهش نشان می‌دهد که "کمبود

فضاهای عمومی شهری"، "عدم وجود خوانایی" و "بحران هویت تاریخی" در شهر از مشکلات اصلی شهر مشهد (در میان ۷ مسأله شناسایی شده) بوده که جایگاه ویژه ای در میان شاخص های روح بخش شناسایی شده بر اساس اظهارنظر صاحب نظران و مطالعات موردی دارند و در پیشنهادات متخصصین نیز راهبردها و راهکارهای حل این مشکلات از اولویت ویژه ای برخوردار است. (رضوانی، ۱۳۹۱)

۵- نتیجه گیری و پیشنهادات

فضاهای شهری، ماهیتاً گستره و فرصت تعاملات فردی و اجتماعی هستند لیکن بسیاری از فضاهای شهری در تبلور این ارتباطات دچار فرصت سوزی هستند، به عبارت دیگر به دلایل مختلف نمی توانند شرایط مناسب بهینه این تعاملات را محقق کرده و به دیگر سخن به معنای واقعی فضای شهری باشند. این فضاها، فضاهای خالی بیش نیستند و به تعبیری می توانند فقط فضای باز شهری تلقی گردند. قطعاً جدای از رابطه، کیفیت این روابط نیز نقش اساسی در تبلور مراحل بعدی معنی بخشیدن به فضا یعنی ادراک و فهم آن دارد.

رابطه میان عناصر تشکیل دهنده فضای شهری باید برای ناظر قابل درک بوده و فرد بتواند از رابطه موجود، ساختاری ذهنی برای خود ایجاد کند. و به عبارت دیگر به نوعی فهم نسبت به فضا برسد به این ترتیب فضای شهری، هدفمند و بستر رویدادهای تعریف شده ای است.

بی گمان بر اساس نظریه های اخیر از چپستی شهر و ویژگی های مورد انتظار از شهرهای امروزی در دیدگاه های صاحب نظران می بایست باز تعریفی از شهر داشت. تعریفی که در برگیرنده و مبین کیفیت های فضایی جدیدی باشد و شاخص هایی چون ۱۶ شاخص ذکر شده را از خود بروز دهد، به عبارت دیگر میزان شهر بودن یک شهر به گستره و عمق ارتباط بین شهروندان آن با یکدیگر و محیط شهر بستگی دارد، اینکه فضای شهر چگونه خود را برای بروز شاخص های پیش گفته آماده کرده است زیرا این شاخص ها زمینه ساز ارتباط و معنا در شهرها هستند.

مضمون "روح شهر" در فضاهای شهری مشحون از ارتباطات اجتماعی موثر و تأثیرگذار نهفته است و این فرصتی تمام عیار جهت تبادل احساسات، دانش ها، دیدگاه ها و رشد تمدن و فرهنگ انسانی است. تظاهر حضور این روح مؤثر، پر تلاطم و سرزنده در شهر، در فیزیک شهر قابل به رویت است. معتقدم که تحولات کالبدی که محصول این روح سرزنده و تأثیرگذار باشد، می تواند کیفیتی متفاوت نسبت به شهرهای بی روح و متعدد موجود، به خصوص شهرهای در حال توسعه کنونی حتی آن ها که پر جنب و جوش و پرتحرک می نمایند، داشته باشند. به دیگر سخن، رابطه تنگاتنگی بین کیفیت فضای شهر و روح آن برقرار است که "برداشت" آخرین سلسله از مراحل ادراک و حضور در فضای شهری را معنی می بخشد.

جدول نهایی تهیه شده که بر اساس میزان تأکید صاحب نظران بر شاخصها سازمان یافته (جدول شماره ۲) نشان می دهد که:

- "منظر مطلوب"، "نظم" و "آسایش و امنیت" سه شاخص کلان با اهمیت در نظر صاحب نظران معرفی شده است لیکن این مؤلفه ها که بیشتر زیرساخت کمی دارند از ارزش بالایی برای روح بخشی به شهر برخوردار نیستند.

- شش شاخص "سرزندگی"، "تعاملات اجتماعی"، "خوانایی"، "معنا و محتوا"، "حس تعلق" و "هویت" که به باور نگارنده و براساس مطالعه انجام شده شاخص های اولویت دار در روح بخشی به شهر هستند در میانه جدول قرار دارند که نشان از کم توجهی صاحب نظران نسبت به این شاخصها است و لازم است بیشتر مورد توجه و عنایت قرار گیرند.

- سه شاخص کلان (مؤلفه) "تعاملات اجتماعی"، "خوانایی" و "هویت و اصالت" به عنوان شاخص های کلیدی روح بخش شهری به نوعی می توانند منجر به سرزندگی، حس تعلق، پویایی، حصول فضای عمومی، باز و سبز شهری و نهایتاً معنا و مفهوم بخشی به شهر نیز باشند لذا توجه بیشتر به این شاخص ها و تحقق آن ها در کالبد فضاهای شهری تضمینی برای حصول شاخص های کیفی دیگر نیز خواهد بود.

در مقام نتیجه نهایی بر اساس تحقیق انجام شده، نگارنده تبلور "روح" را در شهر متکی به درجه وجود "ارتباط" و "معنا" می داند و تحقق آن را وابسته به شاخص ها و ویژگی هایی چون: "تعاملات اجتماعی"، "هویت تاریخی" و "خوانایی" و تظاهر کالبدی آن را می توان در سهم و سرانه : "فضاهای باز، سبز و عمومی شهری"، "فضاهای تفریح و اوقات فراغت"، "نشانه ها و علائم راهنما و اطلاع رسانی"، "آثار و مضامین حفظ شده تاریخی" و ... دانست.

"از لحاظ فلسفی و اجتماعی، معنای شهر در چگونگی ارتباطات و تبادلات مردمی و انسانی در آن است. شهر، مکان ابراز نظریات و تبادل رویدادهای زندگی با دیگران و ایجاد کننده فضاهای برخورد، گفتگو و پیوندهای روحی و انسانی در رابطه با فرهنگ و تمدن بشری است." (دیب،

(۱۳۸۰)

به عنوان یک متخصص و همینطور به عنوان یک شهروند معتقدم که بسیاری از شهرهای ایرانی سه شاخص بنیادین یاد شده را بطور موثر در راهبردهای توسعه خود قرار نداده اند، بلکه به فراموشی سپرده اند. لذا نه تنها به انتظار امروزی از شهرها پاسخ نمی دهد (شهر نیستند) بلکه روح شهر در آن ها جاری نیست، روحی که می توانست بسیاری از کمبودهای رفاهی موجود و مسائل و مشکلات شهری را قابل تحمل تر و کم اثرتر نماید.

منابع

- ۱- الکساندر، کریستوفر (۱۹۶۶) شهر درخت نیست، ترجمه فرشاد و گلرخ، تهران، انتشارات آرمانشهر، چاپ اول، ۱۳۹۰
- ۲- الکساندر، کریستوفر (۱۹۷۹) معماری و راز جاودانگی-راه بی زمان ساختن، ترجمه قیومی بیدهندی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۸۱
- ۳- امیرابراهیمی، ثمیل (۱۳۹۱) روح شهر، نشریه حرفه هنرمند، شماره ۴۱
- ۴- امیراردلان، هوشنگ و دیبا، داراب (۱۳۷۷) آنسوی آب و گل، مجله آبادی، شماره ۲۷ و ۲۸
- ۵- بحرینی، محمد (۱۳۷۸) تجدد و فراجدد و پس از آن در شهرسازی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول
- ۶- بنتلی، یان و دیگران (۱۹۸۵) محیط های پاسخده-کتاب راهنمای طراحان، ترجمه بهزادفر، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ اول، ۱۳۸۲
- ۷- بندر آباد، علیرضا (۱۳۹۰) شهر زیست پذیر - از مبانی تا معانی، تهران، نشر آذرخش، چاپ اول
- ۸- بیکن، ادموند (۱۹۶۷) طراحی شهرها، ترجمه طاهری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول، ۱۳۷۶
- ۹- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۷۶) طراحی شهری چیست؟، مجله آبادی، تابستان ۱۳۷۶، شماره ۲۵
- ۱۰- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۴) راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، چاپ اول
- ۱۱- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) سیر اندیشه ها در شهرسازی-از کمیت تا کیفیت، تهران، شرکت عمران شهرهای جدید (وزارت مسکن و شهرسازی)، چاپ اول، جلد دوم
- ۱۲- پامیر، سای (۲۰۰۴) آفرینش مرکز شهری سرزنده: اصول طراحی شهری و بازآفرینی، ترجمه بهزادفر و شکیبامنش، تهران، دانشگاه علم و صنعت، چاپ اول، ۱۳۸۹
- ۱۳- حبیبی، محسن (۱۳۷۹) جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، شماره ۷
- ۱۴- حبیبی، محسن (۱۳۷۸) از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن- تفکر و تأثر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۰
- ۱۵- حکیم، نگار (۱۳۸۲) معماری بیونیک و اندیشه های گرگ لین، مجله معمار، زمستان ۱۳۸۲، شماره ۲۳
- ۱۶- دیبا، داراب (۱۳۸۰) نکاتی چند درباره شکل گیری شهرها، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۶۲ و ۶۳
- ۱۷- رازی، ا. (۱۳۸۵ ه.ق) تفسیرالجنان، کتاب فروشی اسلامی
- ۱۸- رضوانی، علیرضا (۱۳۹۰) سیر تحول کالبدی شهرها در تعامل با عوامل سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریت شهری (مطالعه موضوعی: مشهد- ایران)، پایان نامه درجه دکترا
- ۱۹- رضوانی، علیرضا (۱۳۹۱) تدوین طرح مطالعاتی سندراهبردی معماری و شهرسازی؛ طرح مطالعه توسعه کمی و کیفی زیارت امام رضا
- ۲۰- رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری؛ بازنگری و ارزیابی کیفی، نشریه هنرهای زیبا، پاییز ۸۴، شماره ۲۳
- ۲۱- شیعه، اسماعیل (۱۳۸۱) "بازهم درباره آینده شهرسازی ایران/ روح زمانه"، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۶۴-۶۵
- ۲۲- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۲) المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه
- ۲۳- عباس زادگان، م. ۱۳۸۳. نگرش نهضت مدرن معماری- شهرسازی به فضاهای شهری، ماهنامه شهرداریها، شماره ۶۷
- ۲۴- غریب پور، افرا (۱۳۸۹) مفهوم عملکرد در اندیشه لویی کان، مجله صفه، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، شماره ۵۱
- ۲۵- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳) انسان شناسی شهری، تهران، نشر نی، چاپ اول

- ۲۶- قاسمی، ن. (۱۳۸۴) روح و ماده، مقالات باشگاه اندیشه
- ۲۷- کالوینو، ایتالو (۱۳۶۸) شهرهای نامرئی، نشر پاپیروس
- ۲۸- کلیما، ایوان (۱۳۸۷) روح پراگ، نشر آگه
- ۲۹- کروهرست لنارد، س. و لنارد، ه. (۱۹۹۳) طراحی فضای شهری و زندگی اجتماعی، ترجمه مجتبی پور، مجله معماری و شهرسازی، شهریور ۱۳۷۷، شماره ۴۴ و ۴۵
- ۳۰- کوچک خوشنویس، احمد (۱۳۸۵) دولت شهر آرمانی ایرانی-مفهوم فضای شهری ایران، نشریه باغ نظر، شماره ۶
- ۳۱- گلکار، کوروش (۱۳۷۹) مؤلفه های سازنده کیفیت طراحی شهری، مجله صفا، شماره ۳۲
- ۳۲- لنگ، جان (۱۹۸۷) آفرینش نظریه معماری- نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه عینی فر، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۳
- ۳۳- لینچ، کوین (۱۹۸۱) تئوری شکل خوب شهر، ترجمه بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱
- ۳۴- مامفورد، لوئیس (۱۹۹۰) فرهنگ شهرها، ترجمه اقوامی مقدم، تهران، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، چاپ اول، ۱۳۸۵
- ۳۵- مدنی پور، علی (۱۳۷۹) طراحی فضای شهری-نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی، ترجمه مرتضایی، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، چاپ اول
- ۳۶- مستغنی، ع. (۱۳۸۴) خودیابی انسان در بستر فضا، نشریه آبادی، پاییز ۱۳۸۴، شماره ۴۸
- ۳۷- مطلبی، قاسم (۱۳۸۰) روان شناسی محیطی (دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری)، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۰
- ۳۸- مونینگر، مایکل (۱۹۹۳) سامان بخشیدن به شهر. ترجمه شهرزاد مهدوی، مجله آبادی، ۱۳۷۳، شماره ۱۳
- ۳۹- مهاجری، م و قمی، ش. (۱۳۸۷) رویکردی تحلیلی بر نظریه های طراحی کریستوفر الکساندر-از یادداشت هایی بر ترکیب فرم و زبان الگو تا مفاهیم جدیدی از نظریه پیچیدگی، نشریه هویت شهر، شماره ۲
- ۴۰- میرمیران، هادی (۱۳۷۷) سیری از ماده به روح، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۴۳ و ۴۲
- ۴۱- نوربرگ شولتز، کریستین (۲۰۰۰) گزینه های از معماری: معنا و مکان، ترجمه نوروز برازجانی، تهران، نشر جان جهان، چاپ اول، ۱۳۸۲
- ۴۲- وبر، ماکس (۱۹۵۸) شهر در گذر زمان، ترجمه شیوا کاویان، تهران، نشر انتشار، ۱۳۶۹
- ۴۳- هال، ادوارد تی. (۱۹۶۹) بعد پنهان، ترجمه منوچهر طبیبیان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶
- ۴۴- هال، پ. و فایفر، ا. (۲۰۰۰) آینده شهری قرن ۲۱-دستور کار جهانی برای شهر های قرن بیست و یکم، ترجمه صادقی و صفایی، تهران، جامعه مهندسان مشاور ایران، چاپ اول، ۱۳۸۸
- ۴۵- یاراحمدی، محمود (۱۳۷۸) به سوی شهرسازی انسانگرا، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، چاپ اول
- 46- Abdolmonem, Mohamed Gamal & Selim, Gehan (2012) *Architecture, Memory and Historical Continuity In Old Cairo*, Journal of Architecture, 17:2, 163-189
- 47- Alexander et al. (2005) *The Capable City*, The World Urban Forum 2006, Vancouver, Canada: International Center for sustainable cities
- 48- Bell, Daniel A. & de-Shalit, A. (2011) *The Spirit of Cities: Why the identity of a city matters in a global age*, Princeton University Press.
- 49- Gehl, J. (1987) *Life between Buildings: Using Public Space*, translated by Koch, Van Nostrand Reinhold New York
- 50- Halprin, L. (1972) *Cities*, Massachusetts, the MIT Press
- 51- Harvey, D. (2008) *The Right to the city*, New Left Review
- 52- Holden, M. & Connelly, S. (2005) *The Learning City*, The World Urban Forum 2006, Vancouver, Canada: Simon Fraser University
- 53- Jacobs, J. (1961), *Death and life of Great American cities*, London: Jonathan Cape
- 54- Kostof, S. (1991) *The City Shaped: Urban patterns and meanings through history*, London, Thames and Hudson
- 55- Lefebvre, H. (1968) *Le Droit a la Ville*, Paris: Anthropos
- 56- Madox Hueffer, F. (1905) *Soul of London*, Alston Rivers
- 57- Pirenne, Henri (1925) *Medieval cities*, translated from French by F. D, Halsey, 1946, Princeton University press
- 58- Rogers, R. (2002) *Towards an Urban Renaissance*, Final report of the Urban Task Force chaired by Lord Rogers, London: Urban Task Force

- 59- Rossi, A. (1982) *Architecture of the city*, Massachusetts, the MIT Press
- 60- Seasons, M. et al. (2005) *The Planning City*, The World Urban Forum 2006, Vancouver, Canada: The Canadian Institute of Planners
- 61- Windsor Liscombe, R. (2006) *The Ideal City*, The World Urban Forum 2006, Vancouver Working Group Discussion Paper: University of British Columbia
- 62- <http://ar.wikipedia.org/wiki/>

i. Sustainable Development

ii. Quality of Life

3. Oxford Advanced Learner's Dictionary

iv. Belkinge

v. Michael Johnston

بررسی پروژه طراحی فضای شهری حاشیه رودخانه
بابلرود و موانع تحقق پذیری آن
علی ثباتی، رثوفه طوسی

معرفی رویکرد آموزشی برنامه ریزی طراحی محور در
آموزش شهرسازی (برنامه ریزی شهری)
نینا الوندی پور، مصطفی عباس زادگان، معصومه سربندی
فراهانی

ضرورت انجام مطالعات اِتا برای پروژه ها و طرح های شهری
محمد رضا چیت ساز، ناهید زر گرسرای

بررسی و مطالعه تطبیقی مدل های مختلف سنجش
کیفیت زندگی به منظور دستیابی به اصول طراحی پایدار
در بافت های مسکونی
سیماعابدی، مهرداد کریمی مشاور

روح شهر باز تعریفی از شهر، فضا، فضای شهری و تعیین
شاخص های روح بخش
علیرضا رضوانی